

نبرد خلق

کارگران همه ی
کشورها
متحد شوید

شماره ۳۶۰
دوره چهارم سال سی و یکم
اول تیر ۱۳۹۴

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

یادداشت سیاسی ...

نرمش قهرمانانه مشروط یا ولایت مشروط

مهدی سامع

صفحه ۲



سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ
سرد (۳۵)

آیا باید در انتخابات پارلمانی از احزاب
چپ حمایت کرد؟

لیلا جدیدی

صفحه ۵

«سرودها، ستاره ها» (۳)
بیاد: زهرا کاظمی

م. وحیدی

صفحه ۱۴

همبستگی انترناسیونالیستی با مقاومت ایران
صفحه ۲۴

در این شماره می خوانید:
...برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و
مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۴ / صفحه ۱۹

...رویدادهای هنری ماه / صفحه ۲۲

... کارورزان سلامت / صفحه ۱۱

اقتصاد ولایی،

فقدان فرصت برای اشتغال

زینت میرهاشمی

صفحه ۴

خصوصی سازی متکی بر رانت و
تحکیم استبداد (۱۱)

شهره صابری

صفحه ۱۴

«حاشیه» های نامن

امید برهانی

صفحه ۱۳

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

صفحه ۹

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

صفحه ۱۶

سرمقاله

چرخش داعش

در سوریه، نگرانی

خامنه ای در تهران

منصور امان

"خبرهایی" به آقای خامنه ای رسیده است؛ اخباری که به ظاهر می بایست مُدتها از آن باخبر می بود. رهبر جمهوری اسلامی اما وانمود می کند که از تحولات تازه ای سخن می گوید؛ رویدادهای نگران کننده ای که بیرون از دایره حیات سیاسی و نظامی وی روی داده اند و وی اکنون همچون هر ناظر غیر درگیر آن را ثبت کرده و پیرامونش هشدار می دهد: "بنده خبرهایی دارم از اینکه دشمنان ما با همراهی برخی از مسوولان سفیه منطقه خلیج فارس درصدد هستند که جنگهای نیابتی را به مرزهای ایران بکشانند."

همزمان سرکرده حزب الله لبنان، گروهی که عهده دار ماموریت‌های کثیف برای اربابانش در تهران است، نیز آژیر قرمز را به صدا درآورده است. حزب الله در کنار جمهوری اسلامی در عراق و سوریه درگیر جنگ با گروه‌های سنی است و به ویژه در سوریه تا گلو در باتلاق آن فرو رفته است. آقای حسن نصرالله "از خطر برای موجودیت ما" سخن گفته و سراسیمه فراخوان بسیج عمومی داده است.

سوریه

به راستی چه روی داده است که آقای علی خامنه ای پس از دوازده سال تحریک و دامن زدن به جنگ فرقه ای شیعه - سنی در عراق و نزدیک به چهار سال پس از مشارکت فعال در به راه انداختن یک جنگ خونین فرقه ای دیگر در سوریه، ناگهان به وحشت افتاده و صدای پای گامهای "جنگهای نیابتی" را می شنود؟ آن تحولی که آیت الله و نصرالله را به یکسان به هراس افکنده، چیست؟

در صفحه ۲

آمریکا، اروپا با پیمان تجاری

جدید علیه بقیه دنیا

گابریلا سیمون - تلاکسکالا

برگردان: بابک

صفحه ۷

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

یادداشت سیاسی ...

نرمش قهرمانانه مشروط یا ولایت مشروط

مهدی سامع

حائری شیرازی عضو مجلس خبرگان، در سالگرد مرگ خمینی می گوید: «تمام کسانی که بر امام راحل و رهبر انقلاب مشترک هستند با هم اتحاد داشته باشند. کسی نمی تواند بگوید من امام را فقط قبول دارم و رهبری را قبول ندارم. ولایت یک امر مستمر است. شیعیان به امام یازدهم علیه السلام، نامه نوشتند که مبالغی خدمت شما ارسال کرده ایم و میزان مخارج و مصرف آنها را برآیمن بنویسید که کجا مصرف شده است. حضرت فرمودند اگر امامت امر مستمری است این سؤال را پدران شما از پدرم نکردند. از آن به بعد ارتباط با مردم را تنزل دادند. ارتباط صوتی شد صرفاً بدون تصویر. پرده ای در اتاق ایشان نصب شد که مردم باید از پشت پرده با ایشان صحبت می کردند و چهره حضرت را نمی توانستند ببینند.» (فارس، چهارشنبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۴) معنی حرف حائری شیرازی این است که ولایت هم مستمر است و هم نا مشروط و پاسخگو نخواهد بود.

همین چند گفته روشن می کند که اختلاف اصلی چگونگی پیشبرد مذاکرات هسته ای نیست. گرچه بابت این مذاکرات جار و جنجال زیادی شده، اما همانطور که در بالا گفته شد، هیچ توافقی بدون تایید کامل خامنه ای از طرف دولت روحانی امضا نمی شود. خامنه ای هم به این توافق نیاز دارد. اختلاف اصلی به چگونگی شرایط پس از نرمش قهرمانانه بر می گردد. خامنه ای خواستار چنان توافقی است که به جز محدود شدن فعالیت هسته ای برای مدتی و رفع تحریمها هیچ تغییر دیگری در دستور کار قرار نگیرد. از نظر ولی فقیه نرمش قهرمانانه باید مشروط به تعهد همه طرفهای داخلی و خارجی به حفظ خلافت مطلقه او باشد. از نگاه باند رفسنجانی چنین امری نه میسر است و نه سودمند. رفسنجانی و شرکا به دنبال مشروط کردن ولایت خامنه ای، البته با هدف حفظ کل نظام هستند. این اختلاف می تواند توافق هسته ای را به تاخیر انداخته و دو طرف را مجبور به یارگیری جدید کند که در این صورت جدال تشدید تر خواهد شد.

اما برای مردم ایران این دو شیوه در حاکمیت منافعی نخواهد داشت. رهایی مردم از فلاکتی که عمومیت یافته در گرو عبور از این دو راهی و گشودن راه سوم یعنی سرنگونی نظام حاکم و استقرار یک نظام دموکراتیک و عرفی است. در سالگرد ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ و ۳۰ خرداد سال ۱۳۸۸، ما مدافعان راه حل سوم با مردم ایران، با زنان و مردانی که در راه آزادی به شهادت رسیدند و با زندانیان سیاسی و عقیدتی پیمان می بندیم که پرتوان تر از گذشته در راه آزادی پیکار کنیم.

لاجرم این سؤال را در مقابل ما قرار می دهد که اگر خامنه ای در جریان همه آن چه در ژنو و لوزان مورد توافق قرار گرفت بوده و اگر هیچ توافقی بدون تایید کامل خامنه ای امضا نخواهد شد، پس دلیل این لشگر کشی خامنه ای علیه باند رقیب چیست و چرا باید یک سرکرده سپاه که تحت امر خامنه ای است و بدون اجازه او حرفی نمی زند، بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی را تهدید کند که: در گوی آنها سرب داغ خواهد ریخت؟ آیا این تهدید به نیابت از خامنه ای متوجه باند رقیب نیست؟ از لابلای سخنان کارگزاران نظام به شمول خامنه ای می توان پاسخ را دریافت.

حسین شریعتمداری در کیهان روز یکشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۹۴ با نقل یک جمله از روحانی او را سرزنش می کند که چرا دستورات مقام معظم را نصیحت تلقی می کند. روحانی گفته بود: «حالا یک نصیحتی رهبر معظم انقلاب فرمودند و چون رهبر هستند باید نصیحت کنند. حالا عده ای راه می افتند و می گویند: دولت! اگر تشنه شدی باید آب بخوری یا دولت! تو به اکسیژن نیاز داری. خودمان هم می دانیم». معنی حرف حسن که حسین میچ او را می گیرد این است که خامنه ای در مقام نصیحت کننده است و دولت هم همه چیز را می داند.

در روز پنجشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۹۴، حسن خمینی در سالگرد مرگ خمینی بر سر قبر او سخنرانی کرد. سخنرانی او با هیاهو و شعار دلواپسان همراه بود. او در مورد اختلافات گفت: «روزی اگر تقدیر قرار بگیرد، رهبری معظم انقلاب، فرمانده کل قوا، تصمیم بگیرند، اختلافات در همه سطوح برداشته میشه، یک کلام خواهیم شد». معنی حرف حسن خمینی این است که منبع اصلی اختلاف خامنه ای است، چرا که او تصمیم ندارد و یا نمی تواند تصمیم بگیرد که همه «یک کلام» شوند.

خامنه ای اختلاف را صریح تر تشریح می کند. او هم در روز پنجشنبه ۱۴ خرداد بر سر قبر خمینی، رفسنجانی را بدون نام بردن از او، مورد خطاب قرار داد و به عنوان یک «هشدار» که باید در «گوش» مسئولان باشد گفت: «اگر راه امام را گم کنیم، یا فراموش کنیم، یا خدایی نکرده عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد.» خامنه ای تاکید کرد که معرفی خمینی در «بعضی حرفها و اظهارات» به عنوان فردی «لیبرال» یک تحریف آشکار است.

سعید حدادیان یک مداح سرسپرده به ولی فقیه باند رفسنجانی و شرکا را مورد حمله قرار داد و خطاب به روحانی گفت: «آن آقا می گوید بعضیها از جیب مردم خبر ندارند! تو دلت واقعا برای مردم سوخته؟ شما کجا می نشینی؟ زندگی ات چطور است؟ استخر را نفر قبلی خراب کرد، شما دوباره ساختید. می گویند رئیس جمهور باید گلف بازی کند و به استخر برود. شما بروید شنايتان را بکنید و جت اسکی تان را بروید. این حرفها که در مورد جیب مردم می زنید، از شما خنده دار است.»

سعید حدادیان خطاب به هاشمی رفسنجانی گفت: «من چند حرف با جناب آقای هاشمی دارم. یکی این که: در کربلا چهار فرمانده چه کسی بود؟ خودت بودی! سال ۶۵ شما فرمانده بودی؟ اگر واقعا دلت برای این مردم می سوزد، سه چهار تا سؤال من را جواب بده! یک: کدام عید به جای کیش پا شدی رفتی جبهه ها؟ این همه مردم رفتند سرزدند. چطور این مردم می روند به محل شهادت رفقای شان سر می زنند؟ چطور این پدر و مادرها می روند به محل شهادت فرزندان شان سر می زنند؟... چطور این خواهر و برادرها می روند به محل شهادت عزیزان شان سر می زنند؟ شما می روی جت اسکی؟!... تو که داری، چطور حالا یاد نداره اقتادی؟ از محاکمه مهدی؟ اتهاماتی که به ایشان وارد است، برخی اش مرتبط به همین تحریم است. بعد وقتی ایشان به این ارتشای به این بزرگی مشغول بود، شما دلت برای مردم نمی سوخت؟!»

خامنه ای مداحان به نام (و البته بدانام) همچون سعید حدادیان، حاج منصور ارضی، محمود کریمی را به صف کرده تا هر یک به فراخور درجه اوباشی خود، باند رقیب و در رأس آن رفسنجانی را گوشمالی دهند تا طمع تبدیل نرمش قهرمانانه به ولایت مشروطه را از سر بیرون کند. این لومینها که از برکت ولایت خامنه ای به نان و نوایی در مقیاس کلان سرمایه داران رسیده اند هیچ ابایی ندارند تا آن چه خامنه ای در سر می پروراند را بر زبان آورند و خطاب به علی لاریجانی بگویند «خاک بر سرت بی غیرت».

حمید رسایی از نمایندگان مجلس ارتجاع، رفسنجانی را این گونه تعریف می کند: «صریح تر می گویم، هاشمی را باید رأس فتنه سال ۸۸ و رأس جریان تحریف امام دانست، هاشمی را باید آن گونه که خود اصرار دارد دید؛ نه آن گونه که ما دوست داریم باشد.» (فارس، ۱۹ خرداد ۱۳۹۴) در ماه گذشته در رسانه های حکومتی از این نمونه ها به وفور وجود داشت و

تضادها و چالشهای درون هرم قدرت از آغاز به قدرت رسیدن رژیم ولایت فقیه به طور جدایی ناپذیر و مداوم وجود داشته و برای همین علاوه بر ولی فقیه چندین نهاد و ارگان برای حل و فصل جدالهای ذاتی رژیم در کنار سه قوه به ظاهر اصلی مداخله می کنند. سازمان ما در سند سیاسی مصوب هفتمین اجلاس شورای عالی خود (سه شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۱ برابر با ۱۲ فوریه ۲۰۱۳) بنیاد و ریشه این چالشها را در چهار تضاد ارزیابی کرد: تضاد بین ساختار اقتصادی و روبنای سیاسی، تضاد بین قدرت واقعی و قدرت حقوقی، تضاد نظام فقهانی با جامعه جهانی و سیستم جهانی امپریالیستی و مناسبات نو-لیبرالیستی حاکم بر جهان و بالاخره اساسی ترین و عمده ترین تضاد و چالش، تضاد بین رژیم حاکم و توده های مردم.

در بین این چهار تضاد بنیادی، به جز تضاد بین مردم با رژیم که به طور مداوم و پیوسته تشدید شده، سه تضاد دیگر دوره های تشدید و تخفیف داشته است. اما مبالغه نخواهد بود اگر بگوییم تضاد بین قدرت واقعی و قدرت حقوقی که نمود بارز آن تضاد در درون قدرت و ثروت است، هیچگاه مثل امروز شدید و دامنه دار نبوده است. امروز باندهای درون قدرت چنان در مقابل هم صف آرای کرده و برهم می تازند که گویی دشمنان در مقابل هم خط بسته و فقط یک لایه پوست پیازی با تعیین تکلیف نهایی فاصله دارند.

شش سال پس از قیامهای سال ۱۳۸۸ که در ۲۵ خرداد همان سال شعله ور شد، خامنه ای همچنان در خواب و بیداری کابوس «فتنه» می بیند و برای «دشمنان» خط و نشان می کشد. تحریمها و درگیر بودن در سه جنگ منطقه ای و مهمتر از همه تفرع عمومی مردم از حکام تهران، جدالهای درونی رژیم را روزمره تشدید می کند.

خامنه ای که تحت فشار تحریمها، در ژنو و لوزان اقدام به عقب نشینی کرد، در حال چرتکه اندازی بُرد و باخت «نرمش قهرمانانه» است. او که اتوریته اش سخت ضربه خورده، به دنبال راهی برای برون رفت از وضعیت موجود است. دلواپسان، مداحان، چماقداران و البته دار و درفش، جنبه هایی از موقعیت ولی فقیه را به نمایش می گذارد. در این میان باند رفسنجانی تلاش می کند تا همزمان با «نرمش قهرمانانه»، ولایت مشروطه را به کرسی بنشاند و همین موضوع است که خامنه ای وادار می کند تا ارادل و اوباش را علیه او بشوراند.

چرخش داعش در سوریه، نگرانی خامنه ای در تهران

بقیه از صفحه ۱

و غیرنظامیان مشغول شد که آقای بانکی مون، دبیرکل سازمان، یرموک را "آردوگاه مرگ" نامید.

منافع مشترک غرب و اسد

در کنار اهمیت همزیستی نظامی داعش، دمشق و تهران در جلوگیری از سقوط اسد، سود سیاسی این اتحاد نیز برای آقای خامنه ای و همدستانش عظیم بوده است. "حکومت اسلامی" به آقای اسد و متحدان او امکان داده که رژیم فاسد و تبهکار حاکم بر سوریه را به غرب به عنوان یک شر کمتر معرفی کنند و خود در نقش ناجی - اگر چه نه ایده آل - منطقه از تهدید آن پدیدار شوند. آنها به این وسیله غرب و به ویژه آمریکا را قانع کردند که به تلاش برای سرنگون ساختن دولت اسد دست نزنند و از سوی دیگر، مجوزی بین المللی برای دخالت مآلها و دست نشانگان لبنانی آنها در سوریه به دست آوردند.

منافع هر گلوبی که داعش در برابر دوربین می درید، امتیاز هر گودالی که از اجساد می انباشت و سود هر وشیکگری تازه ای که علیه غیرنظامیان می اندیشید، به گونه بی واسطه به کیسه این استدلال ریخته می شد و پای آقای اسد و پشتیبانان اش را در سوریه سفت تر می کرد.

در همین حال ساده اندیشی است هر گاه گمان رود که غرب تنها به دلیل نگرانی از قدرت گرفتن داعش یا فروپاشی سوریه، سیاستی مُماسات گرایانه را در برابر حاکمان دمشق و مداخله گری حامیان خارجی اش در پیش گرفت.

آمریکا و اروپا، چندان نیز از تضعیف نیروهای دموکراتیک و سکولار سوریه در یک جنگ فرسایشی با هر طرف، چه رژیم اسدها و چه داعش، به تشویش نمی افتند. غرب منافعی در قدرت گرفتن این دست نیروها با جهتگیری ملی - دموکراتیک ندارد و آنان را شریک خویش نمی داند.

آنگاه که در سوریه هنوز از باندهای مسلح اسلامی و داعش نشانی نبود، آمریکا و اروپا در برابر به مسلسل بستن تظاهرکنندگان در دمشق و درعا و شلیک موشک به دانشگاه حلب همانگونه تماشاگر بودند که بعدها در برابر رخنه بنیادگرایان اسلامی به سوریه و تسلیح و سازماندهی آنها توسط متحدان منطقه ای خود.

همین رویکرد، سیاست غرب را در برابر اپوزیسیون ایران نیز متمایز می کند؛ چه آن هنگام (اسفند ۱۳۸۱) که هوپیمایهای پیشرفته آمریکا و انگلیس قرارگاههای سازمان مجاهدین خلق را بمباران کردند و چه در سال ۱۳۸۸ که غرب با سکوت رضایت آمیز به سرکوب خیزشهای سراسری مردم ایران برخورد کرد.

رژیم جمهوری اسلامی با بهره گیری از رویکرد غرب قادر شد به گونه همه جانبه به پشتیبانی از رژیم اسد برخیزد و واحد تروریستی خود موسوم به "نیروی قدس" را که در سطح بین المللی داغ و نشان شده، با آسودگی خاطر به ماموریت جنگ داخلی سوریه گسیل دارد. همزمان، به دستور حاکمان ایران، شبه نظامیان حزب الله لبنان نیز به کشمکش نظامی وارد شدند؛ اقدامی که به بهای بی حیثیت کردن این نیرو انجام شد و کارکرد واقعی آن به عنوان بازیچه دست مآلهای تهران را بیش از پیش مشاهده پذیر گرداند.

هزینه مالی ای که آقای خامنه ای و همدستانش از جیب مردم ایران صرف ماجراجویی خارجی خود می کنند. سر به میلیاردها دلار می زند. در تازه ترین برآورد، سَخنگوی ویژه سازمان ملل در سوریه، آقای "استفان د میستورا"، از رقم ۶ میلیارد دلار سالانه نام برده است.

نقطه عطف

حمله ور شدن "حکومت اسلامی" به تدمر در اردیبهشت ماه سال جاری، به دوران خوش همزیستی مآلها و آقای اسد با داعش نیز پایان داد. خروج داعش از اتحاد غیر رسمی، به مفهوم از دست دادن یک کارت استراتژیک در جنگ برای حفظ قدرت و به موازات آن، بر هم خوردن چیدمان داخلی و خارجی بر این اساس است.

از سوی دیگر، این چرخش، توازن نیرو در سوریه را به زیان دمشق و دوستان تغییر داد و جبهه نظامی جدیدی را در برابر آنها کشود که همزمان یک خُفنه بزرگ در توان کمی و کیفی شان ایجاد می کند.

بر پایه دو پارامتر سیاسی و نظامی، ای، می توان تصرف تدمر را یک نقطه عطف نامید که نه فقط آرایش موجود جنگی در سوریه، بلکه مُماسبات بین نیروهای دخیل در جنگ را در سطح منطقه تغییر می دهد. تاثیرات این امر در دو پهنه برای رژیم جمهوری اسلامی بازتاب می یابد:

۱- دُشوار شدن نگهداری رژیم اسد در قدرت و افزایش تصاعدی هزینه آن چه از نظر مالی و لجستیکی و چه به لحاظ نیروی انسانی. در حالی که منابع رژیم سوریه برای حضور در میدان جنگ مُدتهاست که کفایت نمی کند و به سرعت رو به پایان است، ادامه درگیریهایی نظامی هر چه بیشتر به منابع مالی و انسانی رژیم مآلها وابسته شده است. انتشار گزارشهایی مبنی بر اعزام ۷ هزار مُردور ایرانی، عراقی و افغانستانی از سوی مآلها برای آقای بشار اسد و نیز سفر شتابزده آقای ولایتی، کارگزار خارجی آیت الله خامنه ای، با دسته های اسکناس به دمشق، تقلای رژیم مآلها برای نشان دادن واکنش به شرایط تازه را به تماشا گذاشته است.

با این حال چنین نمی نماید که این سیاست در دراز مدت در برابر جنگ فرسایشی شده چشم اندازی داشته باشد. به ویژه آنکه دیگر بازیگران خارجی در سوریه همچون عربستان سعودی، قطر، ترکیه و اردن نیز به تلاشهای خود افزوده اند، امری که گذشته از کمکهای مالی و لجستیکی، در شکل دادن به یک ائتلاف بین گروههای بنیادگرا زیر نام "جیش الفتح" خود را نشان می دهد که مهم ترین نیروی آن را "جبهه النصره"، یک شاخه القاعده، تشکیل می دهد. پیروزیهای سریع این ائتلاف در استان "ادلب" و پیشروی به سمت دمشق، حکومت سوریه و متحدانش را بیش از پیش به کنج رانده و موقعیت آنها را متزلزل ساخته است.

۲- شکل گیری یک تهدید جدید در عراق در شکل "حکومت اسلامی" که از سطح درگیری داخلی شیعه - سنی در این کشور فراتر رفته و مرزهای غربی و شرقی ایران را آماج تهدید جدی قرار می دهد. رژیم ولایت فقیه در همان حال که به گونه مستمر بستر این تنش خطرناک را با دامن زدن به جنگ فرقه ای شیعه و سنی گسترش می دهد، همزمان به گونه ناگزیر بیش از پیش به دامن میلیتاریسم و راه حلهای نظامی فرو می غلطد. این در حالی است که چنین می نماید آقای خامنه ای و همدستان برای رویارویی با پیامدهای ماجراجویی نابخردانه خود آمادگی چندانی نداشته باشند. هشدار سرکرده نیروی زمینی ارتش مبنی بر "حضور نیروهای تروریستی و تکفیری در مرزها" و درخواست بودجه از مجلس مآلها برای "تقویت نیروی زمین ارتش و سپاه، خرید تانک، متحول کردن سامانه های جنگ زمینی و اورهال شدن بالگردها" در همین طبقه بندی جا می گیرد. در همین رابطه سخنان یک مقام امنیتی مجلس به نام احمد شوهانی در رد تبلیغات رسمی "نظام" نیز قابل توجه است. وی توضیح داده: "وزیر کشور می گوید اگر داعش تا فاصله ۴۰ کیلومتری مرزهای ما پیشروی کند، ورود خواهیم کرد. حال فرض کنید داعش امشب به ۳۵ کیلومتری آمد، چگونه می خواهیم مقابله کنیم؟ زیرساختها آماده نیست."

برآمد

ابراز وحشت آقای خامنه ای از "کشاندن شدن جنگ نیابتی به مرزهای ایران"، بار دیگر به روشنی نشان می دهد که ماجراجویی نظامی وی و همدستانش در سوریه، عراق، لبنان و یمن به هیچ وجه یک جنگ ایزوله یا خصوصی در قلمرو "عقبه استراتژیک" نیست. از این رو، به راستی خطر اصلی برای مرزهای ایران و ساکنان درون آن، هیچ چیز بیشتر از حاکمان نابخردی نیست که از جنگ با عراق تا تحریمهای اقتصادی، هر بار فاجعه و مشقت تازه ای بر سر آنان نازل می کنند.

اقتصاد ولایی، فقدان فرصت برای اشتغال

زینت میرهاشمی

اعتصاب و تجمع و همزمان مذاکرات حدود ۵ هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق در سال گذشته بسیار مهم بود. شاید بتوان گفت مهمترین حرکت اعتراضی کارگری در سال گذشته بوده است.

نکته مهم در حرکت‌های اعتراضی سال گذشته همکاری خانواده‌های کارگران با حرکت‌های اعتراضی بوده است

مهمترین و عمومی ترین دلیل حرکت‌های اعتراضی، حقوق عقب افتاده است. بسیاری از کارفرمایان از ۲ ماه تا

۲ سال حقوق کارگران را پرداخت نکرده اند. عدم پرداخت سهم بیمه کارفرما، تمدید نشدن قرارداد بیمه، ندادن عیدی و تعیین دستمزدی عادلانه از جمله

دلایل دیگر این اعتراضات بوده است. پس از آن اخراج‌ها، انحلال شرکت، بستن کارخانه و بیکارسازی کارگران و

خصوصی سازی، فقدان امنیت شغلی، اعتراض به شرکت‌های پیمانکاری قرار دارد. از دیگر دلایل مشکل استخدامی

از قبیل استخدام موقت، استخدام سفید امضا و اسنخدام از طریق شرکت‌های

پیمانی است. اعتراض به پدید آمدن شکاف عمیق حقوقی و مزدی (تبعیض فاحش در مزد) در پی بازنگری طرح

طبقه بندی مشاغل از جمله دلایل کارگران برای اعتراض است.

اعتراض به اخراج کارگران به علت شرکت در حرکت‌های اعتراضی در سال گذشته افزایش قابل توجه داشت. به

طور نمونه اعتراض به حکم شلاق علیه ۴ کارگر پتروشیمی رازی، اعتراضی کارگران کارخانه کاشی گیلان برای بازگشت به کار همگاران اخراج شده

شان، اعتراض کارگران معدن «کوشک بافق» برای اخراج و بازداشت همکاران خود و ...

رژیم در اکثر موارد از سرکوب مستقیم خودداری می کرد و از طریق نیروی انتظامی تلاش می کرد که حرکت‌های

اعتراضی را مهار کند، مگر در مواردی که رژیم از حرکت کارگران احساس خطر جدی می کرد.

شعارها حرکت‌های اعتراضی کارورزان بسیار متنوع است. برخی از این شعارها چنین است: «معیشت و منزلت حق مسلم ماست»، «حق و حقوق کارگر

پرداخت باید گردد»، «قرارداد مستقیم حق مسلم ماست»، «مدیریت حیا کن، کارخانه رو رها کن»، «دستمزد عادلانه

حق مسلم ماست»، «زندگی شایسته حق مسلم ماست»، «عدالت دستمزدی» و...

پیش بینی می شود که در سال جاری حرکت‌های اعتراضی کارورزان گسترش بیشتری پیدا کند.

عقب نشینی وزارت کار به نفع کارفرمایان

قراردادهای موقت که حتا به یک روز هم می رسد، نامنی کار، اخراج کارگران معترض و تحمیل شرایط نامناسب به

نیروی کار همچنان در حال گسترش است. بر اساس گزارش‌های رسانه‌های حکومتی بیش از ۹۳ درصد کل

قراردادهای کاری زیر یک سال است. عمر قراردادهای کاری یک ماهه تا سه

ماهه بیشترین میزان را به خود اختصاص می دهد.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در ۱۹ خرداد قراردادهای زیر یک سال را

ممنوع اعلام کرد. این کارگزار رژیم بعد از ۷ روز به نفع کارفرمایان ابلاغیه خود را پس گرفت. وزیر کار بعد از یک هفته

دستور لغو ممنوعیت قرارداد زیر یک سال را اعلام کرد.

تحلیل حرکت‌های اعتراضی کارگران

رادیو پیشگام به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگران یک برنامه ویژه

پخش نمود. در این برنامه من به طور مختصر نظرم را در مورد حرکت‌های

اعتراضی کارگران در سال ۱۳۹۳ بیان کردم. این نوشته خلاصه شده آن گفتار

است. بیان ۹۹۵ حرکت اعتراضی کارگران و مزدبگیران در سال ۱۳۹۳ از جانب

دبیرخانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران منتشر شده است. البته در این

بیان حرکت‌های اعتراضی معلمان، پرستاران، کارکنان هنری و فرهنگی به

جز در موارد استثنایی وارد نشده است. بیشترین حرکت در ماه‌های شهریور،

بهمن و اسفند بوده و کمترین حرکت در ماه فروردین بوده که ۱۵ روز آن تعطیل

است. به طور متوسط در هر روز کاری بین ۳ تا ۴ حرکت اعتراضی وجود داشته است. در سال ۱۳۹۲

تعداد حرکت‌های کارگری ۵۵۶ بود که در سال ۱۳۹۳ حدود ۹۰ درصد رشد داشته

است. حرکت‌های اعتراضی پرستاران و معلمان و به ویژه حرکت همگانی معلمان در روز سه شنبه ۳۰ دی اهمیت ویژه ای

دارد که باید جداگانه بدان پرداخته شود. حرکت‌های اعتراضی بارنشستگان نیز در سال گذشته جای ویژه ای داشت.

حرکت‌های اعتراضی بیشتر به صورت تجمع و بعد از آن اعتصاب و در مواردی هم راهپیمایی و بستن جاده بوده است. این حرکت‌ها بیشتر در شرکت‌ها و کارخانجات خصوصی بوده و مساله شرکت‌های پیمانکاری که شرکت‌های دولتی هم از آن استفاده می کنند جای مهمی در حرکت‌های اعتراضی دارد.

جمله مواردی هستند که به شکاف نیروی کار تحصیل کرده و کار موجود

یاری می رساند. در کشوری که ولی فقیه برای لشکرکشی به کشورهای

دیگر دستور افزایش جمعیت می دهد و تمامی امکانات بهداشتی کنترل جمعیت

را از بین می برد و به این اندیشه ضد انسانی و ارتجاعی که «خدا بچه می

دهد پس نان اش را هم می دهد» دامن می زند، طبیعی است که اقتصاد را

نه نیروهای تحصیل کرده بلکه رانت خواران مغموم و مگلا و باند‌های قاچاق

حکومتی پیش می برند. خروج سالانه ۱۸۰ هزار تحصیلکرده از ایران نتیجه

«اقتصاد برای خر» خمینی و دیکتاتوری دینی است.

در این سونامی بیکاری، زنان در صف اول هستند. بر اساس آمار معاون وزیر

تعاون، کار و رفاه رژیم، «نرخ بیکاری فارغ التحصیلان در کشور هم اکنون

۱۸.۹ درصد است که ۱۲ درصد به مردان و ۳۳ درصد به زنان اختصاص

دارد.» (همان منبع)

یک نکته قابل توجه این که در امار فوق ۲۷ درصد بیکاری مربوط به

کسانی است که در رشته محیط زیست و شیلات تحصیل کرده اند. در حالی که

وضعیت محیط زیست در ایران یک فاجعه است که هیچ سیاست کارشناسی

و هزینه کافی برای آن اختصاص داده نمی شود.

ادعای معاون وزیر کار رژیم، غیر واقعی بودن میزان بیکاری و پایین آوردن آن

را روشن می کند. این کارگزار در تعریف بیکاری می گوید: «هر کس در طول هفته یک ساعت فرصت شغلی

داشته باشد، شاغل محسوب می شود و در غیر این صورت فرد بیکار تلقی می

شود.»

با توجه به این تعریف، داده آماری وی مبنی بر «نرخ بیکاری جوانان ۱۸ درصد و دانش آموختگان بین ۲۱ و نیم تا ۲۲ درصد» بسیار کمتر از واقعیت است.

در این آمار «نرخ بیکاری دانش آموختگان دختر ۳۰ درصد و پسر ۱۲ درصد است.» سیاست خانه نشین کردن زنان به بهانه های بارداری،

مرخصی طولانی بعد از زایمان، راه دور کار کردن، نیمه وقت کردن و ... باعث شده که یک سوم زنان بعد از زایمان از چرخه اقتصاد بیرون رانده شده و به صف بیکاران همیشگی بپیوندند. معاون فنی سازمان تامین اجتماعی در ۲۴ فروردین گفت: «یک سوم زنان کارگر

پس از این که از مرخصی زایمان که حق قانونی آنهاست بازگشتند، از کار اخراج شدند.» (خبرگزاری حکومتی مهر ۲۴ فروردین ۹۴)

جدیدترین داده های آماری توسط نهادهای وابسته به رژیم از «سونامی» بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده حکایت دارد. اینگونه آمارها بنا به شرایط بحرانی اقتصاد و وجود حکومتی فاسد همه واقعیت تلخ بیکاری را روشن نمی کند.

پدیده بیکاری را می توان به درستی دستاورد دردناک سرمایه داری و لیبرالیسم نو نامید که گریبانگیر همه ی

نیروهای کار در جهان است. اما کیفیت و کمیت معضل بیکاری و اعمال

سیاست‌های راهبردی برای تخفیف آن بستگی به شرایط مشخص دارد. کیفیت

پدیده بیکاری در حکومت ولایت فقیه یا به عبارتی میزان بهره وری بسیار

نازل از نیروی کار تحصیل کرده، انعکاسی از اقتصاد بحران زده و بیمار

زیر چتر سیاست‌های حکومت ولایت فقیه است. به ویژه این که اقتصاد در ایران

بیش از هر زمان امنیتی و نظامی شده است. چرخ دنده های اقتصادی امنیتی و

نظامی رژیم ولایی نه در تولید، صنعت و کشاورزی، بلکه زیر چتر انکلی ترین

نوع بورژوازی از نوع مالی و تجاری همراه با رانتهای کلان در چرخش

است. بر همین منظر آمار بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده در ایران

ویژگی پیدا می کند.

بر اساس آمار وزارت کار «نرخ مشارکت اقتصادی افراد تحصیلات عالی از ۶۸.۹ در صد در سال ۶۵ به ۴۸ در صد در

سال ۹۰ رسیده است.» (دنیای اقتصاد، یکشنبه ۳۱ خرداد ۹۴)

به گزیده هایی از این گزارش آماری توجه کنیم: «بیکاری افراد دارای تحصیلات عالی در فاصله سالهای ۶۵

تا ۹۰ به میزان ۴ برابر شده است...تعداد دانشجویان کشور از ۲

میلیون نفر در دوره زمانی سالهای ۸۲ و ۸۳ به بیش از ۴ میلیون و ۴۳۵ هزار نفر

در سالهای ۹۱ و ۹۲ رسیده...ورود به دانشگاهها و میل به تحصیل در فاصله کمتر از ۱۰ سال، بیش از ۲ برابر شده

است.»

دو برابر شدن ورودی دانشگاهها در عرض ۱۰ سال هم مثبت و هم منفی است. بار مثبت آن جنبه روانشناسانه و

میل جوانان به فراگیری دانش عالی است. اما جنبه دیگر آن جوان بودن جامعه و ناهمخوانی عرضه و تقاضا در بازار کار است.

ناچیز شمردن علم، دانش و تخصص، به کار انداختن نقدینگی در تجارت و واردات، رکود و بحران در واحدهای تولیدی همراه با تعطیلی آن، عدم سرمایه گذاری در بخش صنعت، معدن، کشاورزی و همزمان فساد حکومتی از

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۵)

آیا باید در انتخابات پارلمانی از احزاب چپ حمایت کرد؟

لیلا جدیدی

"حزب محافظه کار" تحت رهبری "ماریانو راخوی" زمام امور را به دست گرفت. این حزب نیز به اجرای ریاضتهای اقتصادی همچنان ادامه داد. در ادامه این پروسه تخریب، نرخ بیکاری در اسپانیا به ۲۷ درصد رسید و مقام نخست را بین کشورهای اتحادیه اروپا به لحاظ تعداد بیکاران نصیب خود کرد. کاهش هزینه های خدمات رفاهی، بهداشتی، آموزشی، حقوق و دستمزد و افزایش مالیاتها موجب تشدید رکود اقتصادی و ورشکستگی بنگاههای خدماتی و تولیدی و از دست رفتن میلیونها فرصت شغلی گردید.



در چنین شرایطی، انتخابات شهری و محلی در اسپانیا صحنه سیاسی و سنتی دو حزبی را دگرگون ساخت. حزب حاکم، حزب محافظه کار مردم، و اپوزیسیون اصلی، حزب سوسیالیست، که برای سالها هژمونی را در اختیار داشتند، با اینکه روی هم بیش از ۵۰ درصد رای را کسب کردند، اما از پله های قدرت به پایین افکنده شدند.

دو حزب دیگر که به احزاب اعتراضی معروف هستند، پودموس (ما می توانیم) با گرایش چپ، ۱۲ درصد آرا و حزب "سیودادانوس (شهروندان)، ۶ درصد آرا را نصیب خود کردند. با این حال میزان آرای پودموس کمتر از نتایج همه پرسپها بود. یکی از موانع این جریان در انتخابات، ظهور ناگهانی حزب "شهروندان"، حزبی میانه، بود. بدون شک بخشی از آرا پودموس به این سمت روانه شد. با این همه اگر چه تعداد رای آنطور که روزنامه "گاردین" نوشت "زلزله آسا نبود" اما "باید وسعت آنچه که اتفاق افتاد را درک کرد".

این برآورد درست است و در واقع رویداد مهمی رخ داده است. حزب حاکم قدرت خود را در بیشتر بخشهای شهری و منطقه ای از دست داد. پیروز انتخابات مادرید و بارسلونا، بزرگترین شهرهای اسپانیا، پودموس بود. خانم "مانوئلا کارمانا"، کمونیست سابق به شهرداری مادرید رسید و خانم "آدا کولاثو"، فعال جنبش ضد تخلیه اجباری مسکن، بر صندلی شهرداری بارسلون تکیه زد.

آری، ممکن است این "زمین لرزه" نباشد، اما تحول بسیار قابل توجه و سرنوشت سازی به جریان افتاده است. این رویداد نشان می دهد، تغییرات در راه هستند. واقعیت دارد که پیروزی پودموس با آنچه در یونان اتفاق افتاد، متفاوت است. در یونان سیریزا قدرت را نصیب خود کرد اما در اسپانیا پودموس مقام سوم را کسب نمود. با این حال نباید فراموش کرد که سیریزا نیز یکبار، بلکه به تدریج رقبای خود را کنار زد.

مردم اسپانیا نه تنها گوناگونی نظرات خود را در این انتخابات نشان دادند، آنها تمایل خود به دگرگونی و تحول در سیاست و رویکردهای کنونی را نیز بازگو کردند. آنها که تازه به صحنه آمده اند، نشان داده اند با مطالبات مردم آشنا هستند. اینک باید این شناخت را در عمل به اثبات برسانند.

بقیه در صفحه ۶

این یک واقعیت است که چپ در پارلمانها می تواند از گسترش سیاستهای راست و افراطی و حضور قوی فاشیستها جلوگیری کند و همزمان مردم را به صحنه سیاسی و مبارزاتی بکشاند و آنها را برای انقلاب سازمان دهد.

اما نظریه مخالف که این استدلال را نمی پذیرد، توضیح نمی دهد که چگونه توده مردم را می توان به صحنه مبارزه آورد و آنان را به توانایی خود امیدوار و در نتیجه فعال کرد. یک نمونه آن حزب کمونیست اسپانیا است که با انتخاباتی که نتایج آن پیروزی پودموس بود، همسویی نکرد.

در این برهه تاریخی که سرمایه داری در بحران گسترده ای فرو رفته و نو - لیبرالیسم و سیاستهای اقتصادی ناعادلانه مردم را به فلاکت کشانده است، آنچه که برخی از کشورها به مرز ورشکستگی رسیده اند، شرکت در انتخاباتی آزاد و تلاش برای ایجاد مانع در روند موجود که به نفع زندگی مردم است، از وظایف نیروهای مترقی و چپ است.

حکومتهای مستبد و مدافع سرمایه داری از هر گشایشی در وضعیت موجود و هر جنبشی که مردم را به صحنه می آورد، هراس دارند. از همین روست که اتحادیه اروپا مایل نیست حتی یک گام برای نجات یونان به عقب بردارد، زیرا این اقدام سبب تشویق مردم دیگر کشورهای اروپایی که وضعیتی مشابه دارند، خواهد شد.

یک نمونه واضح از نیاز حیاتی حکومتها به حفظ تعادل قوای موجود و تلاش برای جلوگیری از تغییر هر اندازه کوچک آن را در ایران شاهد هستیم. حکومت جمهوری اسلامی نه تنها به هیچگونه انتخابات دموکراتیکی تن نمی دهد، بلکه در برابر کوچکترین حرکت مردم از شرکت زنان در استادیوم ورزشی گرفته تا حق پوشش آنان و از تشکیل یابی مستقل کارگران و دیگر بخشهای جامعه تا هر تجمع تایید نشده ای، حتی عزاداری و عروسی، به شدت واکنش نشان می دهد. زیرا حکومت به خوبی می داند که کمترین عقب نشینی، مردم را بیشتر به صحنه مبارزه خواهد آورد و حکومت به مسیر سرازیری سوق داده می شود.

"پابلو ایگلسیاس"، بنیانگذار و رهبر حزب پودموس، با شعار "بله ما می توانیم" توانست نیروهای سیاسی را به درون جامعه و اقشار گوناگون از جمله کارگری ببرد. او و یارانش به قول لنین نشستن در کوبه قطار به امید رسیدن قطار به ایستگاه سوسیالیسم را انتخاب نکردند.

با بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸، شرایط سخت و طاقت فرسای معیشتی دامنگیر میلیونها خانواده در اسپانیا شد. از همین رو در این کشور نیز مانند یونان، حزب چپی که خواستار پایان یافتن ریاضتهای اقتصادی است، در مدت زمان کوتاهی و به سرعت پا گرفته و محبوبیت یافت (شرح کامل تر در "نبرد خلق" شماره ۳۵۷).

پودموس در حالی که در نظرسنجیها از حزب حاکم محافظه کار "مردم" و حزب منتقد آن یعنی "حزب سوسیالیست" سبقت گرفته بود، حمایت ملی گرایان "کاتالان" و "باسک" را نیز به دست آورد. دو حزب مذکور مخالف استقلال مردم این دو منطقه هستند.

پیشترو، "حزب سوسیالیست" که اکنون رهبری آن را "پدرو سانتز" در اختیار دارد، در قدرت بود. این حزب برنامه های ریاضت اقتصادی را به مو به مو به اجرا می گذاشت. آنگاه، در خلا یک نیروی چپ پر قدرت،

در این شماره می خوانید:

- حزب "پودموس"، جنبش میدانی "برآشوبید"، در بزرگترین شهرهای اسپانیا پیروز شد
- پیروزی حزب دمکراتیک خلق؛ دست رد زحمتکشان ترکیه بر سینه فاشیسم

حزب پودموس، جنبش میدانی "برآشوبید"، در بزرگترین شهرهای اسپانیا پیروز شد
هدفهای اعلام شده هنگام تشکیل اتحادیه اروپا شامل ایجاد سرزمین واحد برای اروپا، توسعه و پیشرفت متعادل و پایدار، پیشبرد علم و تکنولوژی، مبارزه با تبعیض، وحدت و یگانگی، احترام به زبان و فرهنگ و اشتراک در سیاست خارجه و امور امنیتی بود. اما اکنون پیروی از سیاستهای نو - لیبرالیسم، اروپا را با چالشهای گوناگونی روبرو کرده است. با اینکه اتحادیه اروپا دو راه برای انتخاب پیش رو دارد، اما همچنان در مسیر تخریب اهداف اولیه خود به سرعت به جلو می تازد.



موج مبارزات دمکراتیک با اتحادیه های اجتماعی در اروپا که بیشتر علیه سیاستهای ناعادلانه اقتصادی جهت دارند، پیروزیهای چشمگیری در پی داشته است. حزب چپ "پودموس" در اسپانیا، پس از "سیریزا" در یونان، محبوبیت ویژه ای کسب کرده است. از این رو بحثهای گوناگونی در رد یا موافقت با این روند، بین احزاب و به ویژه احزاب چپ و کمونیست در کشورهای اروپایی جریان دارد. بخشی از احزاب کمونیست مخالف حمایت از این احزاب نو با گرایشات چپ هستند. آنها معتقدند این جنبشها مبارزات طبقاتی را به تأخیر می اندازند. در عوض بخش دیگری از نیروهای چپ این تحلیل را سکتاریستی و منفعلانه ارزیابی کرده و به طور کلی آن را رد می کنند.

اما نظریه دیگری نیز وجود دارد که ضمن تأکید بر داشتن یک استراتژی و برنامه انقلابی برای نابودی سیستم سرمایه داری، همچنین از جنبشهای اجتماعی که سمت و سوی چپ دارند و در برابر نهادهای سرمایه داری و برای زندگی بهتر مبارزه و ایستادگی می کنند، حمایت می کند. دیدگاه مزبور در واقع این دو را لازم و ملزوم یکدیگر می داند.

سازماندهی جنبشهای عصر جدید پس از جنگ سرد (۳۵)

همزمان دست رد رای دهندگان بر سینه حزب جمهوریخواه خلق نیز زده شد، با اینکه قول افزایش حداقل دستمزد، کاهش قیمت بنزین و دو برابر کردن کمک به خانواده های فقیر را داده بود. حزب مزبور با کسب آرای کمتری نسبت به دور پیشین انتخابات، در واقع شکست خورد.

اما حزب راست افراطی حرکت ملی در مقایسه با انتخابات ۲۰۱۱، ۳ درصد به آرای خود افزود. این حزب قول مبارزه با فساد و ایجاد امنیت شغلی را داده و بیشتر از همه روی ناسیونالیسم و کرد ستیزی تکیه کرده بود.

در واقع می توان گفت که حزب دمکراتیک خلق پیروز اصلی انتخابات بود. این حزب خود را چپ و همدریف سیریزا در یونان و پودموس در اسپانیا می داند. حزب دمکراتیک خلق، پس از اعتراضات گسترده در سال ۲۰۱۳ در "پارک گزی"، پشتیبانی طبقه متوسط (خرده بورژوازی چپ لیبرال) را از آن خود کرد. این حزب به طور مداوم از حقوق همجنس گرایان و زنان حمایت کرد و جالب آنکه ۵۰ درصد لیست حزب را به زنان



اختصاص داد.

حزب دمکراتیک خلق بخشی از آرای حزب جمهوریخواه خلق را در استانبول، ازمیر و آنکارا نصیب خود کرد. جالب آنکه رای دوستان آمریکایی و اروپایی اردوغان به دلیل حمایت او از اخوان المسلمین و داعش در سوریه و عراق نیز نصیب این حزب شد.

اگر چه حزب مزبور به هیچوجه تنها حزب محبوب کردها نیست، اما آنها در این قمار بازی کردند و رای خود را به آن دادند. اردوغان با آگاهی بدین امر، حزب جمهوریخواه خلق را تروریست و ضد مسلمان می خواند و طی دو ماه پیش از انتخابات، به دفتر این حزب حمله شد.

تمام احزاب ترکیه مخالف افزایش قدرت رییس جمهوری هستند؛ امری که این مقام را پر قدرت تر از احزاب سیاسی خواهد کرد. از این رو تاکنون هیچیک از آنها تاکنون حاضر به ائتلاف با حزب اردوغان نبوده است. اگر چه حزب راست افراطی حرکت ملی تمایل اندکی نشان می داد، اما از آنجا که وعده مبارزه با فساد حزب اردوغان را داده بود، نتوانست آن را عملی سازد.

نتیجه این انتخابات نشان می دهد در جامعه ترکیه نارضایتیهای بسیاری به دلیل فقر رو به گسترش، بیکاری، نابرابریهای اجتماعی، فساد بی حد و حصر طبقه حاکمه و سرمایه داران بزرگ، اسلام گرایی و سرکوب اعتراضات مردم وجود دارد. با این همه، نتیجه مزبور به معنای به پایان رسیدن این مشکلات پیچیده نیست.

بیش از ۸۶ درصد از واجدین شرایط که نام نویسی کرده بودند در انتخابات پارلمانی ترکیه شرکت کردند و در نتیجه آرای آنان، "حزب عدالت و توسعه" (AKP) اکثریت پارلمان را از دست داد. این حزب توانست ۲۵۸ کرسی از پارلمان را از آن خود کند. "حزب جمهوریخواه خلق" (CHP) نیز با ۲۵ درصد آراء، ۱۳۲ کرسی پارلمان را به خود اختصاص داد. حزب راست افراطی "حرکت ملی" (MHP) ۱۶ درصد آرا و ۸۱ کرسی و "حزب دمکراتیک خلق" چپ (HDP) ۱۳ درصد آرا و ۷۹ کرسی نمایندگی به دست آوردند. مجلس ترکیه ۵۵۰ نماینده دارد و با توجه به نتایج اعلام شده، حزب عدالت و توسعه که طی دو دوره پیشین اکثریت این مجلس را در اختیار داشت، برای تشکیل دولت مجبور به ائتلاف با دیگر احزاب خواهد بود.

بقیه از صفحه ۵
پیروزی حزب دمکراتیک خلق: دست رد

زحمتکشان ترکیه بر سینه فاشیسم

"رجب طیب اردوغان"، رییس جمهور ترکیه، پیش از انتخابات روز یکشنبه ۷ ژوئن خود را در اوج عظمت می دید. اما با نتایج انتخابات، پایه های تخت سلاطین عثمانی که وی هوای تکیه زدن بر آن را داشت به لرزه درآمد. وی در اوج خودشیفتگی، علیه دوستان خود از جمله "فتح الله گولن"، حامی قدرتمند اش، وارد عمل شد. او با تحت فشار قرار دادن احزاب مخالف خود به ویژه احزاب سکولار، تلاش می کرد چهره آنها را مخدوش جلوه دهد. اردوغان کمر به آزار روزنامه نگاران بست و ترکیه را به زندان آنان تبدیل نمود. او از یکسو به توسعه نهاد نظامی پرداخت و از سوی دیگر، نژاد پرستی و اسلام گرایی را در جامعه رواج داد. وعده صلح او به کردها دروغی بیش نبود. با این قدر قدرتی و گردن کشی در داخل، او در صحنه خارجی با دست بازتری عمل کرد، از حکومت اخوان المسلمین دفاع کرد و به مقابله با "عبدالفتاح السیسی" به خاطر سرنگون ساختن "اخوان المسلمین" برخاست. همزمان به مخالفت با بشار اسد، رییس جمهور سوریه پرداخت، نه به این خاطر آن که از جنبش مردم سوریه دفاع کرده باشد، بلکه بدین دلیل که از بنیادگرایان اسلامی علیه اسد حمایت می کرد. او حامی گروههای جهادی به ویژه "داعش" و "جبهه النصره" نیز هست.

انتخابات ترکیه اما بر بلند پروازیهای اردوغان لگام زد. او نتوانست دو سوم آرای مجلس را که برای افزایش اختیارات ریاست جمهوری بدان نیاز داشت، به دست آورد.

انتخابات ترکیه در حالی انجام گرفت که این کشور در صحنه داخلی و خارجی با بحرانهای سیاسی گوناگونی روبرو بود. در داخل مساله کردها، زنان، مهاجران و پناهندگی، همجنس گرایان و... روی میز قرار داشت و در صحنه خارجی، مسایل مربوط به سوریه، کوبانی، داعش، و... خود را نشان می داد. به همین دلیل در این انتخابات صف آرای تازه ای از احزاب ایجاد شده بود.

از ۳۲ حزب متقاضی، ۲۰ حزب واجد شرایط شرکت در انتخابات شناخته شدند که در ۸۱ استان فعالیت کردند. این احزاب شامل ۳ حزب راست گرا، ۵ حزب چپ، ۵ حزب میانه راست، ۳ حزب میانه چپ و ۴ حزب ناسیونالیسم ترکی بودند.

در ترکیه با اینکه رییس جمهور بالاترین مقام را دارد، اما به این دلیل که نظام سیاسی پارلمانی است، مقام رییس جمهور بیشتر تشریفاتی است. اما رییس جمهور طبق قانون اساسی می تواند مصوبات پارلمان و یا انتصابات آن را وتو کند. همزمان، رییس جمهور فرمانده کل قوا نیز هست. از این رو، چگونگی ترکیب پارلمان اهمیت زیادی دارد. رییس جمهور در این کشور با رای دوسوم نمایندگان انتخاب می شود.

از نکات قابل توجه این است که جوانان در این کشور ۱۸ درصد رای دهندگان را تشکیل می دهند و از این رو برای جلب آنان از هر سو تلاش می شد. نقش کردها نیز در این انتخابات در تغییر ساختار پارلمان کم اهمیت نبود. حکومت ترکیه به حقوق کردها باور جدی ندارد و راه حلی جز سرکوب آنها نداشته است. حکومت ترکیه بارها اعلام کرده است که در ترکیه مساله کرد وجود ندارد و مشکل "پ ک ک" است.

همچنین این انتخابات در حالی برگزار شد که افشای پرونده فساد مالی دولت و اخراج گروهی روسای پلیس مورد بحث قرار داشت.

آمریکا، اروپا با پیمان تجاری جدید علیه بقیه دنیا

گابریلا سیمون - تالاکسکالا

برگردان: بابک

AKP آزادی مطلق بازرگانی را مطالبه کند. اتحادیه اروپا تهدید کرد که در غیر اینصورت بر کالاهای صادراتی آنها تا ۳۰ درصد تعرفه خواهد بست. این امر زیربنای زندگی میلیونها کشاورز خرد و مزدبگیر را ویران می کرد.

پیمانهای مهم بازرگانی موجود مانند TTIP، TPP و CETA به گونه ای ادامه این استراتژی اخاذی با وسایل دیگر هستند. زمانی که قدرتهای بزرگ اقتصادی مانند اتحادیه اروپا و آمریکا بازارهای خویش را به روی یکدیگر باز کنند، آنگاه به طور معمول در این بازارها طرف سوم شانس زیادی نخواهد داشت.

شکاف در ساختار قدرت جهانی

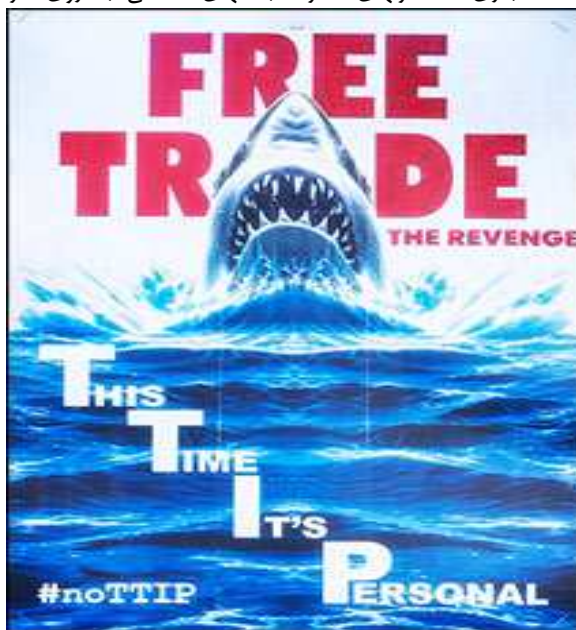
اتحادیه اروپا توانست خواسته های خود از گروه کشورهای AKP را به کرسی بنشانند، اما بهای آن منفور شدن نزد افکار عمومی این کشورها بود. غرب با توسل به چنین شیوه های باجگیرانه ای به گونه ناخواسته آشکار ساخت که دیگر دارای هژمونی واقعی جهانی نیست و دیگر نمی تواند قشر ممتاز کشورهای در حال رشد را به منافع استانداردها و قواعد خود قانع و جذب کند. بیش از همه قدرتهای نوظهور سرسختانه از پذیرش چنین خواسته های خودداری می کنند.

برای مثال اتحادیه اروپا سالهاست که به گونه بی نتیجه ای با هندوستان بر سر امضای یک پیمان دوجانبه در حال مذاکره است. خروجی این مذاکرات فقط اخبار ناخوشایند بوده، برای نمونه زمانی که آشکار گردید اتحادیه اروپا دولت دهللی نو را برای پذیرش قوانین TRIPS-plus تحت فشار گذاشته است. در صورت موافقت هند، این

کشور دیگر نمی توانست بسیاری از داروهای مشابه را تولید کند. هندوستان از نظر جهانی بزرگترین تولید کننده داروهای مشابه (Generics) است و میلیونها تن در کشورهای جنوب را با داروهای ارزان قیمت تامین می کند. با قواعد TRIPS-plus، برای کنسرنهای بزرگ دارویی اروپا یک بازار عظیم آب و جارو می شود و همزمان حقوق بشر میلیونها نفر در زمینه برخورداری از سلامت محدود می گردد. جدی تر از این، اختلافهای جهانی پیرامون پیمان حمایت از سرمایه گذاری (ISA) است. در این پهنه در سالهای گذشته موجی از شکایت کنسرنها از دولتها به مراجع بین المللی به راه افتاده است. کشورهایی مانند بولیوی، اکوادور، ونزوئلا، اندونزی، و آفریقای جنوبی قرارداد حمایتی موجود را لغو کرده اند. پس از شکایت یک شرکت ایتالیایی علیه ارجحیت قابل شدن شدن برای سیاهپوستان (توانمند سازی اقتصادی سیاهان)، آفریقای جنوبی از سوی یک دادگاه بین المللی به پرداخت غرامت محکوم گردید. هندوستان از سوی شرکت "ودافون" Vodafone به

بقیه در صفحه ۸

کنند گام به گام به اراده خود ابعاد جهانی ببخشند. آنها تاکنون به موفقیتهایی نیز دست یافته اند. اتحادیه اروپا توانسته است پس از یک درگیری طولانی، به وسیله روشهای اخاذی گونه، گروه کشورهای ACP (گروهی متشکل از کشورهای آفریقای، حوزه کاراییب و پاسیفیک) را مجبور به امضای "پیمان همکاریهای اقتصادی" (EPA) کند. به رسمیت شناختن تصمیمهای TRIPS-plus، گشودن بخشهای خدماتی به روی شرکتهای



اتلانتیک و محدود ساختن امکان دموکراتیک شکل دهی بوده است. تلاش غرب در WTO برای گسترش قوانین حمایتی از مالکیت، فراتر از پیمان کنونی TRIPS، ناکام ماند. پیشنهاد تازه غرب به نام TRIPS-plus، واکنش به این شکست بود که امید داشت توسط آن محدود کردن حقوق کشاورزان به گونه جهانی ممکن گردد، ثبت مالکیت بر زندگی توسعه یابد و به کنسرنهای بزرگ امکان کنترل بیشتری بر بذر و دارو اعطا گردد. همچنین کوشش غرب در جهت لیبرالیزه کردن بیشتر و گشودن بخشهای خدماتی مانند بهداشت، آموزش، آب و انرژی از طریق سازمان تجارت جهانی بی نتیجه ماند. غرب مایل است قانون بحث برانگیز حمایت از سرمایه گذاری را به حمایت از "سود آتی از دست رفته" نیز توسعه دهد.

در فرار از روند تصمیم گیری مبتنی بر آرا در WTO، اتحادیه اروپا و آمریکا تصمیم گرفتند استانداردهای خود را در قراردادهای بازرگانی دوجانبه تثبیت کنند. در این سطح آنها می توانند با قدرت اقتصادی خود کشورهای جداگانه را تحت فشار بگذارند و بدینگونه تلاش

غرب در حال سر هم کردن یک سلاح چند منظوره علیه اقتصادهای سرکش در حال ظهور و ناسازگار با دموکراسی مبتنی بر بازار است. موضوع تجارت آزاد فقط در حاشیه قرار دارد. در اصل همه با آن موافقت، چه آنهایی که مشتاق پیمان تجاری و سرمایه گذاری فرا اتلانتیک (TTIP) هستند، چون فقط در این صورت اروپا می تواند استاندار بالای خود حفظ کند و چه دسته دیگری که نگران مواد غذایی اصلاح شده ژنتیکی و دادگاههای بین المللی داوری غیر شفاف هستند. اما موضوع واقعا چیست؟

سرن و پایوران دولتهای غرب به گونه دراماتیکی از TTIP به مثابه یک گام تاریخی با پیامدهای گسترده برای آیندگان یاد می کنند. اما به راستی پیمانی بین دو قدرت اقتصادی که هم اکنون نیز با یکدیگر درهم تنیده اند، می تواند ابعادی جهانی و تاریخی داشته باشد؟

یک نشانه را در بیانیه اتاق بازرگانی آمریکا می یابیم. نمایندگان اقتصاد آمریکا در اینجا تاکید می کنند که تا چه اندازه بخش حمایت از سرمایه گذاری در پیمان مزبور برای آنها مهم است: "نه به دلیل وضعیت حمایت از سرمایه گذاری در آمریکا و اروپا، بسا بیشتر از آن رو که TTIP باید معیاری برای دیگر پیمانهای سرمایه گذاری باشد."

کمیسر پیشین بازرگانی اتحادیه اروپا، "کارل د گوخت" (Karel De Gucht)، نیز هدف جهانی TTIP برجسته می کند: "ما اروپاییها باید استانداردهای جهانی تعیین کنیم تا دیگران آن را برای ما تعیین نکنند. زیرا نبرد بزرگ در تجارت آینده جهانی گرد ارزشها، استانداردها و کمکهای دولتی جریان خواهد یافت."

براساس این درک، می بایست با TTIP ابزاری برای "نبرد بزرگ" با دیگر مناطق جهان ساخته شود که موضوع آن ارزشها، استانداردها و کمکهای دولتی و به بیان دیگر، قواعد جهانی سازی است.

فرار از آرای اکثریت در سازمان

تجارت جهانی (WTO)

مسوول تعیین قواعد جهانی سازی در حقیقت سازمان تجارت جهانی (WTO) است. در سالهای اخیر اما آمریکا و اروپا نتوانسته اند توسط این نهاد پروژه های خود را پیش ببرند. در WTO تصمیمها در انتها با آرای اکثریت کشورهای در حال رشد و در حال ظهور گرفته می شود.

آمریکا، اروپا با پیمان تجاری جدید علیه بقیه دنیا

بقیه از صفحه ۷

دلیل تصویب یک قانون مالیاتی جدید مورد شکایت قرار گرفت و در پی آن اعلام کرد که خواهان مذاکره مجدد در باره پیمان دوجانبه ISA است.

سه هزار پیمان دوجانبه ISA در سطح جهان وجود دارد. شکایتهای در بیشتر موارد از سوی شرکتهای آمریکایی یا اروپایی صورت می گیرد و اکثر متهمان، کشورهای جنوب و به طور ترجیحی کشورهایی مانند آرژانتین یا ونزوئلا هستند که به خود اجازه می دهند به تصیبات نو - لیبرال بی توجهی کنند. پس از بحران اقتصادی آرژانتین بین سالهای ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲، سرمایه گذران از این کشور به خاطر کنترل نقل و انتقال سرمایه که دولت "نستو کیرشور" Nestor Kirchner به وسیله آن قصد جلوگیری از بدتر شدن شرایط را داشت، شکایت کردند. همچنین بعد از آنکه این دولت افزایش قیمت آب را ممنوع کرد، یک شرکت فرانسوی با شکایت بردن به دادگاه خواهان گرفتن غرامت شد.

تحول کلیدی پیرامون پیمان حمایت از سرمایه گذاری اما در سال ۲۰۰۰ در بولیوی شهر "کوجابامبا" Cochabamba روی داد. در این شهر تاسیسات آب رسانی خصوصی گردیده و به شرکت "بچتل - گروپ" Bechtel-Group واگذار شده بود. پس از آن، بهای آب ۵۰ درصد افزایش پیدا کرد و موجب به راه افتادن یک قیام خونین گردید. در پی این رویداد، بچتل - گروپ خود را کنار کشید و در یک دادگاه بین المللی خواهان دریافت غرامت شد.

این رویداد چشم بسیاری از تشکلهای حقوق بشری و توسعه سیاسی در سراسر جهان را گشود. اعتراضهای جهانی شکل گرفت و بچتل - گروپ برای از دست ندادن چهره، شکایت خود را پس گرفت. اما پرسش بر سر جای خود باقی ماند: چرا باید چند حقوقدان اقتصادی بتوانند در یک دادگاه داور بین المللی در باره یک حق پایه ای انسانی مانند دسترس به آب آشامیدنی تصمیم گیری کنند؟

تغییر موازنه جهانی به سود کنسرنها

پیمان حمایت از سرمایه گذاری به طور معمول یک مرجع حل اختلاف سرمایه گذار - دولت (Investor-state dispute settlement - ISDS) را در بر می گیرد. براین پایه، شرکتهای بین المللی می توانند از

دولتها به یک مرجع داور شکایت ببرند. بدین ترتیب آنها به جایگاه یک طرف حقوقی فرا ملی فراز می یابند، بدون آنکه به مسوولیتهای فرا ملی، برای مثال حمایت از حقوق بشر متعهد باشند. شرکتهای در دادگاه های بین المللی طرف متساوی الحقوق کشورهای مستقل شمرده می شوند و می توانند بر سیاستهای آتی آنها تاثیر بگذارند.

با این پیمان و نیز TTIP و دیگر پروژه های تجارت آزاد، حقوق فراملی ایجاد می شود که در اصل فراتر از سیستم حقوقی ملی قرار می گیرد و مناسبات آن با قوانین موجود بین المللی مانند بسته های حقوق بشر سازمان ملل، پیمان حفاظت از اقلیم یا قوانین بین المللی حفاظت از محیط زیست روشن نیست. در مقایسه با بسته های "پخمه" حقوق بشر، این قرارداد اما توانایی بیشتری از خود نشان می دهد و نقض یا تخلف از آن، می تواند جریمه های مالی در ابعاد میلیاردری را در پی داشته باشد.

تغییر موازنه قدرت به سود کنسرنها اکنون با یک رشته تنظیمات دیگر که آن یک ابداع واقعی می توان نامید، گسترش داده می شود. نام این ابداع را "همکاری تنظیماتی" نهاده اند که در CETA درج گردیده و قرار است به TTIP نیز ضمیمه شود. بر اساس آن، قوانین در دست تهیه آتی در همان فاز تدوین و انشاء، از سوی یک تیم کارشناسی طرف قرارداد بررسی می شود و پروسه تبدیل طرحها به قانون می تواند حتی پیش از آنکه افکار عمومی و پارلمان از وجود آن اطلاع یافته باشند، به عنوان "سد تجاری" متوقف گردد. آنچه که زمانی صدراعظم آلمان، "آنجلا مرکل"، "دموکراسی سازگار شده با بازار" نامیده بود، گویا اکنون می بایست توسط ابزار پروژه غربی تجارت آزاد در سطح جهانی به واقعیت بدل شود.

این امر که آیا غرب در جنگ برای کسب هژمونی سیاسی و اقتصادی پیروز خواهد شد یا نه، البته مساله دیگری است. در مرکز هراس غرب نفوذ روزافزون چین قرار گرفته. این کشور به جایگاه رقیب تجاری نیرومندی فراز یافته است. چین در آسیا همکاریهای منطقه ای را پیش می راند که پروژه آمریکایی پیمان فرا پاسیفیک، TPP را بی رنگ کرده است. افزون بر آن، چین در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین هر چه بیشتر در نقش شریک مالی توانمندی پدیدار می شود که بدون مشکل انواع پروژه های سرمایه گذاری و پیش ساختاری را تامین مالی می کند.

اقدامات چین اینجا و آنجا سیاستمداران زیست محیطی را نیز به فغان در می آورد، برای مثال پیرامون پروژه ایجاد کانال عظیم آبی در نیکاراگوئه. با این حال پروژه های مزبور برای بسیاری از کشورهای در حال رشد فضای مانور اقتصادی باز کرده و آنها را در مجموع

کمتز قابل اخاذی می کند. بدین ترتیب چین یک ترمز نیرومند برای جاه طلبیهای جهانی غرب به حساب می آید. این قدرت جدید جهانی، در کسب و کار رقابت ایجاد می کند و وابستگی به غرب را کاهش می دهد.

با این حال اما چین آلترناتیو مدل توسعه غرب نیست. حاکمان چین نیز موافق تجارت آزاد، خصوصی سازی و قاعده زدایی هستند. هیچ کشوری به اندازه چین در سالهای گذشته پیمانهای دوجانبه تجارت آزاد به امضا نرسانده است. در حال حاضر این کشور بخش بهداشت و سلامت خود را به روی سرمایه گذاران خارجی باز کرده است. همچنین یک گرایش رشد افراطی و بی ملاحظه در برابر جامعه و محیط زیست، سیاست تجاری و سرمایه گذاری چین را هدایت می کند.

در جستجوی گزینه

از چند سال پیش در سازمان ملل یک بحث پایه ای در باره چگونگی پیمان تجاری و سرمایه گذاری جریان دارد که محرک آن موج لغو قراردادهای حمایت از سرمایه گذاری و مقاومت طولانی کشورهای ACP است. نهاد اقتصادی این سازمان به نام "کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل" (UNCTAD). موضوع گرایش اجتماعی و زیست محیطی پیمان مزبور را در مرکز مباحثات خود قرار داده است. UNCTAD نخستین پیشنهادها مشخص خود برای شکل دهی به چنین پیمانهایی را در "گزارش سرمایه گذاری جهانی"، منتشره در سال ۲۰۱۲، فورمولیزه کرد؛ برای مثال، کنار گذاشتن مرجع داور یا درج مسوولیتهای حقوق بشری یا زیست محیطی در پیمان.

یک طرح جامع نیز از سوی "اولیویر شوتر" Olivier de Schutter، که تا ماه مارس گذشته مشاور ویژه سازمان ملل در امر حقوق و تغذیه بود، ارائه شد. در این طرح پیشنهاد شده که هر پیمان تجاری و سرمایه گذاری پیش از امضا، در چارچوب یک بررسی الزام آور، از حیث پیامدهای حقوق بشری آن مورد کنترل و واریسی قرار بگیرد. گروههای اجتماعی که پیمان مورد بحث بر زندگی آنها تاثیر می گذارد، می بایست تا حد ممکن در این بررسی مشارکت داده شوند. نتیجه چنین پروسه ای می تواند تغییر بندهایی از قرارداد باشد. همچنین اما خروجی آن می تواند این باشد که طرح لیبرالیزه کردن بازارها با نگاه به شرایط اجتماعی و اقتصادی حقوق بشر در مجموع، آثار واژگونه ای دارد و از این رو ضروری است که در جهت نوع دیگری از همکاری اقتصادی تلاش گردد.

در اروپا بیش از ۵۰ سازمان مردم نهاد، آلترناتیو حق نمایندگی (۱) را برای کمیسیون اتحادیه اروپا تدوین کرده اند. این مجموعه طیفی از سازمانهای مدافع حقوق بشر و محیط زیست مانند "اتک" Attac ،

"مایسرور" Misereor و "اکسفام" Oxfam، تا انجمنهای کوچک کشاورزان همچون "کامپسینا" Campesina را در بر می گیرد. هدف آنها این است که جهتگیری پیمانهای تجاری و سرمایه گذاری را نه تجارت آزاد و حمایت از سرمایه گذاری، بلکه توسعه پایدار، حفظ حقوق بشر، حمایت از مصرف کننده و استقلال کشورهای در تدوین سیاستهای تولید محصولات کشاورزی و غذایی خود تعیین کند. سند یاد شده، از جمله خواستار کنار گذاشتن تام و تمام خدمات عمومی از پیمانهای تجاری و اعلام ثبات اقتصادی به عنوان دارایی همگانی می شود.

برخلاف تقدهای ژورنالیستی رایج از TTIP با موضوع تفاوت استاندارد مرغ و ژامون در آمریکا و اروپا، در آلترناتیو دستور مذاکره، "ابعاد جهانی استراتژی تجارت آزاد غرب پایه بحث برای یافتن راه حل و استراتژی متقابل قرار می گیرد. با این حال یا دقیقاً به همین دلیل، ابتکاراتی از این دست با پرسشهای زیادی نیز روبرو هستند. از جمله: تا چه اندازه بهبود، گسترش یا بازسازی چنین پیمانهایی می تواند یک هدف سودمند باشد؟ جوامع مدنی چه امکاناتی دارند و سازمانهای بین المللی باید چه وظایفی را در دستور کار خود قرار دهند؟

در اصل موضوع تعیین قوانین و استاندارد برای جهانی سازی در پهنه حقوق بین الملل قرار دارد و پرداختن به آن در قلمرو کاری سازمانهای بین المللی است. اما برای اینکه این سازمانها در کل نمایندگی برای تعیین جهتگیری جدید را کسب کنند، به فعالیت جوامع مدنی نیاز دارند. دولتهای غربی دهه هاست که این افسانه را نشر می دهند که نمی توان در سازمان ملل مساله سودمندی را پیش برد. اما همین چند ماه پیش مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای مبنی بر به جریان افکندن دادرسی بین المللی ورشکستگی در سطح کشورها را با وجود مخالفت آمریکا و رای متعنع کشورهای اتحادیه اروپا به تصویب رساند.

بیشتر غرب است که تنظیمهای سودمند در چارچوب بین المللی را بلوکه می کند. همکاری بین سازمان ملل و جامعه مدنی می تواند در درازمدت چارچوبی قانونی برای اقتصاد جهانی شده به وجود بیاورد که شرکتهای در قالب یک پیمان اجتماعی جهانی به گونه الزام آور و قابل اجبار به استانداردهای اجتماعی و زیست محیطی متعهد کند. تا آن هنگام می توان با خاطر آسوده TTIP و امثال آن را به همان جایی فرستاد که بدان تعلق دارند - به سطل زباله!

پی نوشت:

(۱) "حق نمایندگی"، اجازه ای که کشورهای عضو اتحادیه اروپا به کمیسیون اروپا برای مذاکره با آمریکا به نمایندگی از جانب خود داده اند

دانشگاه در ماهی که گذشت

کامران عالمی نژاد

ریاست دانشگاه تهران منصوب شده است. نمایندگان مجلس در مخالفت با وزارت نیلی احمدی آبادی، وی را به عدم مرزبندی شفاف با "فتنه" و نداشتن برنامه متهم ساخته بودند.



محمد فرهادی همچنین در احکام دیگری محمدتقی احمدی را به ریاست دانشگاه تربیت مدرس، حسن ولی زاده را به ریاست دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، فردین اخلاقیان طلب را به ریاست دانشگاه کردستان، محمدعلی اکبری را به ریاست دانشگاه ایلام، شایان شامحمدی را به ریاست دانشگاه شهرکرد، محمودرضا رحیمی را به ریاست دانشگاه یاسوج، مسعود نادریان چهرمی را به ریاست دانشگاه جهرم، محمد میرزایی بادبزی را به ریاست تحصیلات تکمیلی و فناوری پیشرفته کرمان، عبدالمجید مصلح را به ریاست دانشگاه خلیج فارس و بهمن حیاتی را به ریاست دانشگاه ملایر منصوب کرد.

همچنین وزیر علوم، علیرضا بندانی را به ریاست دانشگاه سیستان و بلوچستان، ناصر مهرشاد را به ریاست دانشگاه صنعتی بیرجند، علی اصغر بهشتی را به ریاست مهندسی فناوریهای نوین فوجان، محمدحسین شفیعی میم را به ریاست دانشگاه بزرگمهر قائنات، باقری ثالث را به ریاست دانشگاه حضرت معصومه، محمود نیلی را به ریاست صنعتی همدان، فرامرز میرزایی را به ریاست دانشگاه سید جمال الدین اسدآبادی، عباس کلانتری را به ریاست دانشگاه آیت الله حائری میبد، امین رضا نقره آبادی را به ریاست دانشگاه صنعتی شهدای هویزه و فتح الله قدس را به ریاست دانشگاه خواهران سمنان (فرزانگان) منصوب کرد.

روسای منصوب شده از سوی فرهادی پیش از این به عنوان سرپرست دانشگاه مشغول فعالیت بودند که پس از تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهادی احکام ریاست آنها را صادر کرد. (آنا، ۱۹ خرداد)

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: انتخاب

روسای دانشگاهها غیرقانونی است

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: "کمیته پنج نفره منتصب شورای انقلاب فرهنگی به صورت غیرقانونی و در صورتی که هنوز تکمیل نشده است، روسای دانشگاهها را انتخاب کرد." حسین کچوییان افزود: "متأسفانه انتخاب موقعی صورت گرفته که هنوز عضو پنجم این کمیته از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی تعیین نشده است. عضو بقیه در صفحه ۱۰

توقیف یک نشریه دانشجویی در دانشگاه

تهران

نشریه دانشجویی "ندا"، ارگان انجمن علمی دانشجویی انسان شناسی دانشگاه تهران، پس از بازنشر مجموعه عکسهای کاوه گلستان از وضعیت "شهر نو" تهران در دوران رژیم پهلوی، توسط کمیته ناظر بر نشریات دانشگاه تهران توقیف شد.



پس از درخواست انجمن علمی دانشجویی جامعه شناسی دانشگاه تهران برای برپایی نمایشگاهی از مجموعه عکسهای کاوه گلستان در دانشکده علوم اجتماعی که شامل ۲۰ قطعه از عکسهای مجموعه شهرنو وی نیز می شد، این نمایشگاه از تاریخ ۱۳۹۴/۲/۱۹ برگزار می شود، اما پس از گذشت مدتی کوتاه و با دستور شفاهی یکی از مسوولان دانشکده، چندین قطعه عکس از مجموعه عکسهای شهرنو از سطح نمایشگاه جمع آوری می گردد.

در اعتراض به برخورد صورت گرفته، نشریه دانشجویی ندا در تیراژی محدود، اقدام به بازنشر چند قطعه عکس از مجموعه شهرنو و نگارش مطلبی تحلیلی درباره این برخورد می کند. نزدیک به بیست روز پس از انتشار این نشریه، معاونت فرهنگی دانشگاه تهران در اقدامی کم سابقه نشریه ندا را توقیف و در نهایت در جلسه کمیته ناظر بر نشریات این دانشگاه، حکم توقیف سه ماهه نشریه ندا صادر می گردد.

بر اساس این گزارش، تمامی عکسهای منتشر شده، از وبسایت کاوه گلستان که هم اکنون در دسترس عموم است برداشته شده و بیشتر نیز بارها قطعاتی از این عکسها در پایگاه های اینترنتی گوناگون بدون هیچ گونه محدودیتی منتشر شده و در نمایشگاه هایی نیز به نمایش درآمده است. (آنا، ۱۸ خرداد)

روسای ۲۱ دانشگاه تعیین شدند/ نیلی

احمدی آبادی رییس دانشگاه تهران شد

وزیر علوم با صدور احکام جداگانه، روسای ۲۱ دانشگاه کشور را براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب کرد.

بر اساس این حکم، محمود نیلی احمدی، نامزد پیشین وزارت علوم که صلاحیت وی در مجلس رد شد، به

بازداشت دو فعال دانشجویی در همدان

رئوف شهبازی و سبحان زمانیان، از فعالان دانشجویی دانشگاه صنعتی همدان، در روزهای هشتم و دوازدهم خرداد سال جاری، یکی در منزل شخصی دانشجویی خود در همدان و دیگری در منزل پدری اش در نهاوند توسط ماموران وزارت اطلاعات به شکل خشونت آمیزی بازداشت شدند تا برای تحمل حبسهای به ترتیب ۱۸ و ۱۵ ماهه خود راهی زندان الوند همدان



شوند.

طبق آنچه در حکم دادگاه آمده، تنها اتهام این دو دانشجو توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی در صفحات شخصی فیس بوک عنوان شده است.

اولین بازداشت رئوف شهبازی در تاریخ یکم مهر سال گذشته اتفاق افتاده است؛ زمانی که نیروهای امنیتی -

اطلاعاتی با حکمی از قوه قضاییه به منزل شخصی دانشجویی وی واقع در همدان حمله کرده و وی را بازداشت و به زندان اوین منتقل می کنند. او بیش از یک ماه - که ۲۱ روز آن در انفرادی بوده - را در بند ۲-الف اطلاعات سپاه پاسداران و تحت بازجوییهای سخت گذرانده است.

سبحان زمانیان نیز بازداشت اول خود را در آبان سال گذشته، به مدت یک هفته در زندان اوین تجربه کرده است. این دو در نهایت با قراردادی ۱۵ میلیون تومانی به طور موقت آزاد می شوند.

مدت کوتاهی پس از آزادی از اوین، دادگاه بدوی تشکیل شده و شعبه اول دادگاه انقلاب همدان به ریاست قاضی قادری نسب در تاریخ شانزدهم آذر سال گذشته، مبادرت به صدور احکام حبس تعزیری ۲ ساله برای آنان می کند. قاضی قادری نسب در میان عامه مردم و دست اندرکاران دادگستری این استان، به "خلخال همدان" معروف است.

در اواخر دی ماه سال گذشته، دادگاه تجدیدنظر، ۹ ماه از مجازات سبحان زمانیان و ۶ ماه از مجازات رئوف شهبازی را به مدت ۵ سال تعلیق کرد و این آخرین کورسوی امید برای اعمال تخفیفی چشمگیر در احکام آنان نیز در نابوری هرچه تمام تر رو به تاریکی نهاد. پس از ابلاغ احکام تجدیدنظر، رئوف و سبحان که از مشاهده مجازاتهای سنگین خود بهت زده شده بودند، خود را برای اجرای حکم در دسترس قوه قضاییه قرار ندادند، تا اینکه در نهایت در روزهای جمعه و سه شنبه، هشتم و دوازدهم خرداد سال جاری، توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شده و کماکان در بازداشت وزارت اطلاعات بسر می برند. (سحام نیوز)

دانشگاه در ماهی که گذشت

دبیر شورای صنفی دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران درمورد اتفاق رخ داده توضیح داد: "جمعی از دانشجویان دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران، طی هفته گذشته، درمورد مخدوش بودن صلاحیت یک استاد دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی این دانشکده درحال تدوین اعتراض نامه ای بودند که این استاد در ظهر روز چهارشنبه با یکی از امضا کنندگان این نامه فحاشی و برخورد فیزیکی کرده و محل را ترک می کند. (ایسنا، ۲۳ خرداد)

فعالان دانشجویی: گفتمان چماق در علم و صنعت احیا شده است

در ماههای اخیر نشریات وابسته به بسیج در دانشگاه علم و صنعت موجی از حمله های سازماندهی شده را علیه فعالان مستقل دانشجویی ترتیب داده اند. در همین راستا برخی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت گزارشی تهیه کرده اند که گزیده هایی از آن را در زیر می خوانید:



"مدتی است که علم و صنعت شاهد موجی از سمپاشی، دروغ پراکنی و پرونده سازیهایی علیه فعالان دانشجویی است. گروه وابسته به جریانات افراطی اصولگرا، وقیحانه در نشریات دانشگاهی و وبسایتی همسو مطالبی منتشر می کنند که آشکارا کذب محض است. در نشریات منتسب به بسیج، به طور خاص به فعالان نشریاتی یا اعضای شورای صنفی با الفاظی رکیک توهین می شود و گاهی نیز به بهانه "بی حجابی" به دختران فعال اهانت می کنند.

این پرونده سازیها درحالی ست که مسوولان دانشگاه برای مقابله با نشر این اکاذیب و توهینها هیچ اقدام عملی و رسمی صورت نداده اند. لازم به ذکر است که اساتید وابسته به این جریانات که با وجود تعویض ریاست دانشگاه همچنان در تمامی ارکان دانشگاه ذی نفوذ هستند، به راحتی با خط دهی به دانشجویان طیف بسیج آنها را به انتشار شبنامه علیه اساتید و فعالان دانشجویی تشویق می کنند. همینطور ابداع "قانون در لحظه" نیز شگرد جدید کمیته ناظر بر نشریات برای مقابله با انتشار نشریات از سوی طیف تحول خواه است که این کمیته به هر نحوی سعی در غیر قانونی جلوه دادن فعالیت های نشریاتی آنان دارد.

این موارد، به مثابه مستی از خروار فضای تقابلی علم و صنعت را توصیف می کند و لزوم برخورد با این جریانات و گروههای معلوم الحال را بیش از پیش روشن می سازد؛ چرا که در صورت عادی شدن این قضایا و رواج این بدعت، دانشگاه به طور کامل دوقطبی شده و بدون شک آرامش محیط آکادمیک دانشگاه جای خود را به کشمکشهای بی حاصل خواهد داد." (دانشجو نیوز، ۲۴ خرداد)

در گوشه خیابان است. درس خواندن و تمرکز را کاملاً بی خیال شده ام و اگر تا پایان دوران تحصیلی ام جان سالم به در ببرم، شاکر خواهم بود."

مهم ترین مشکل خوابگاههای دانشجویی بخصوص در دانشگاههای بزرگ و قدیمی کشور مانند دانشگاههای تهران، بهشتی، صنعتی شریف، خواجه نصرالدین طوسی، صنعتی امیرکبیر و... قدمت بالای ساختمانهاست که عمر بسیاری از آنها حدود ۳۰ سال است و این مسأله موجب شده تا دانشجویان ساکن در خوابگاهها با مشکلات زیادی مواجه باشند و گاهی نیز خبرهایی از بروز حوادث در آنها اعلام می شود. (انا، ۲۱ خرداد)

پذیرش دانشجو در ۱۶۰ رشته تحصیلی لغو شد

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت به دلیل برخی از تخلفات و تامین نشدن برخی امکانات، پذیرش در ۱۶۰ رشته دانشجویی متوقف شده است.

محمد فرهادی اظهار کرد: "ساماندهی کیفیت پذیرش دانشجو در دستور کار بنده برای وزارت علوم قرار دارد. بازبینی رشته های دانشگاهی و بررسی کمبودها و ظرفیتهای رشته ها در دانشگاهها مدتی است که آغاز شده و در همین راستا تا پایان سال جاری ۶۰۰ رشته دانشگاهی مورد بازبینی قرار می گیرد." فرهادی تصریح کرد: "از مجموع ۶۰۰ رشته، ۳۰۰ رشته آن که مربوط به علوم غیر انسانی می شود از طریق وزارت علوم بازبینی می شود و ۳۰۰ رشته انسانی آن هم توسط شورای تحول تا پایان سال باز بینی می شود." (ایلنا، ۲۳ خرداد)

تجمع دانشجویان ادبیات دانشگاه تهران

شماری از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در اعتراض به برخورد فیزیکی یکی از اعضای هیات علمی دانشکده با یکی از دانشجویان، در محوطه دانشکده تجمع کردند. یکی از این دانشجویان در مورد این تجمع گفت: "این تجمع از ساعت ۱۲ و طبق قرار قبلی در محوطه دانشکده ادبیات برگزار شد."

وی با اشاره به حضور رییس دانشکده ادبیات برای پاسخگویی در میان دانشجویان اظهار کرد: "رییس دانشکده ادبیات درباره نحوه برخورد با استاد مذکور گفت که این مسأله همان روز چهارشنبه صورتجلسه شد و به استحضار رییس دانشگاه رسید تا در این باره تصمیم گیری شود."



ظهر روز چهارشنبه، ۲۰ خرداد، یکی از دانشجویان دانشکده ادبیات دانشگاه تهران مورد برخورد فیزیکی یکی از اساتید این دانشکده قرار گرفت.

بقیه از صفحه ۹

حقوقی حسن غفوری فرد بود که از این کمیته استعفا داد و قرار بود طی این هفته عضو حقوقی انتخاب شود و بعد از آن تصمیم گیری در رابطه با روسای دانشگاهها صورت گیرد، اما این اتفاق نیفتاد و به صورت غیرقانونی روسای دانشگاهها انتخاب شدند."

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص اعتراضات مبنی بر غیرقانونی بودن فعالیت این کمیته و انتخاب روسای دانشگاهها گفت: "متأسفانه همه اعضای شورا نسبت به این مسأله حساس نیستند. برای بیشتر آنها این موضوع مهم نیست و بقیه هم که حساس هستند، اعتراض نسبت به این مسأله از دست شان در رفته است و از حوزه اختیارات شان خارج شده است.

کچویان در پاسخ به اینکه آیا نظارت بر این کمیته بر عهده شورای عالی انقلاب فرهنگی است یا خیر گفت: "متأسفانه مکانیزم انتخاب این کمیته به گونه ای بوده که شورای عالی انقلاب فرهنگی هیچ گونه حق نظارت بر این کمیته را ندارد." (خبرگزاری دانشجو، ۲۰ خرداد)

خوابگاههایی که جای زندگی نیست

طبق آمار صندوق رفاه دانشجویان، ۲۵۵ هزار دانشجو در ۱۶۳۲ ساختمان خوابگاهی ساکن هستند؛ خوابگاههای ملکی متعلق به وزارت علوم، خوابگاههای استیجاری و خوابگاههای خودگردان. بر اساس همین آمارها حدود ۱۱۰ هزار دانشجو، متقاضی اسکان در خوابگاهها هستند.



حسین، دانشجوی علوم اجتماعی در باره شرایط حاکم بر خوابگاهها می گوید: "خوابگاه تنها جای خواب دانشجو نیست و باید تسهیلات رفاهی داشته باشد. نبود اماکن ورزشی، فضای سبز و همچنین نبود سالن مطالعه که گاهی دانشجویان ساعتها به انتظار جای خالی می نشینند و این انتظار اغلب دانشجویان را عصبی می کند به طوری که برخی از دانشجویان بر سر جای مطالعه با یکدیگر درگیر می شوند، جای تأسف دارد. ساختمانها هم آنقدر فرسوده است که برخی وقتها از گوشه و کنار همین خوابگاهها خاکی فرو می ریزد با این حال در همین ساختمان فرسوده هم باید شانس بیاوری تا بتوانی برای خودت کنجی را گیر بیاوری."

هادی هم که دانشجوی ترم ۴ مهندسی صنایع دانشگاه امیرکبیر است می گوید: "من در خوابگاهی زندگی می کنم که واقعا وضعیت بدی دارد، از زندان هم بدتر است، در زندان حداقل سکوتی برای استراحت وجود دارد، اما خوابیدن در این خوابگاه شبیه خوابیدن

کارورزان سلامت

امید برهانی

تجمع پرستاران شرکتی در مقابل دانشگاه

علوم پزشکی همدان

جمعی از پرستاران بیمارستانهای مختلف همدان با تجمع در مقابل ساختمان علوم پزشکی همدان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و نداشتن امنیت شغلی تجمع کردند. این پرستاران که قراردادهای شان از ۱۸ اسفند ۹۳ آغاز شده، پس از سه ماه کار هنوز حقوق و مزایا و بیمه خود را دریافت نکرده اند. پرستاران تجمع کننده گفته اند، هیچ یک از وعده های داده شده به پرستاران در زمان استخدام شان عمل نشده است.

به گفته پرستاران، با وجود اینکه پیش از برگزاری آزمون استخدامی اعلام شده بود که همه شرکت کنندگان در آزمون با قراردادهای پیمانی استخدام می شوند، اما چند ساعت مانده به برگزاری آزمون، از طریق ارسال پیامک به شرکت کنندگان اعلام شد که قراردادهای شان شرکتی است.

یک پرستار معترض گفت: "با این وجود به ما وعده داده شد که حقوق و مزایای دریافتی مان معادل نیروهای پیمانی خواهد بود. طبق این وعده ما در آزمون شرکت کردیم، اما متأسفانه این وعده عملی نشده و بیمه پرستاران هم پس از پیگیریهای فراوان قرار است به حساب تامین اجتماعی واریز شود."

گفتنی است، در بیمارستانهای استان همدان در مجموع حدود ۲۵۰ تن نیروی کار با قرارداد شرکتی کار می کنند. (ایلنا، ۵ خرداد)

تجمع دانشجویان پرستاری در شیراز :

"نه" به طرح تربیت بهیار یکساله

جمعی از دانشجویان پرستاری و اساتید دانشکده پرستاری حضرت فاطمه شیراز در اعتراض به اجرای طرح جدید وزارت بهداشت برای تربیت ده هزار بهیار (کمک پرستار) یکساله، در حیاط این مجتمع آموزشی تجمع اعتراضی برپا کردند. منابع آگاه تعداد تجمع کنندگان را حدود ۲۰۰ تن اعلام کرده اند.

در این تجمع اعتراضی که با حضور برخی از اساتید دانشکده پرستاری و جمعی از اعضای کمیته پیگیری مطالبات پرستاران در شیراز برگزار شد، تجمع کنندگان طرح را حرکتی عجولانه از سوی وزارت بهداشت با همکاری نظام پرستاری دانسته اند و خواستار توقف هرچه سریع تر اجرای آن شدند.

بر اساس این طرح که زمینه های اجرای آن با کمک نظام پرستاری، معاونت پرستاری، بورد پرستاری و انجمنهای پرستاری توسط "شرکت تعاونی کارکنان نظام سلامت" اجرا می شود، متقاضیان می توانند با داشتن حداقل مدرک دیپلم متوسطه و معدل کل ۱۴ از هر رشته ای، برای گذراندن دوره آموزشی یکساله بهیاری ثبت نام کنند.

پرستاران می گویند، اجرای این طرح که به گفته آنها در واقع همان طرح قدیمی "تربیت بهیار شش ماهه" است، منجر به بکارگیری نیروی غیرمتخصص و به خطر انداختن جان بیماران و اختلال در عملکرد سیستم درمانی کشور خواهد شد.

برخی از پرستاران معتقدند هدف وزارت بهداشت از اجرای این طرح، به کارگیری نیروهایی با سطح تحصیلات پایین تر و حقوق و مزایای کمتر است تا ضمن جبران کمبود پرستار، به جای به کارگیری فارغ

التحصیلان بیکار دانشکده های پرستاری، از زیربار اجرای طرحهایی چون تعرفه گذاری خدمات پرستاری هم شانه خالی کند.

در پایان این تجمع اعتراضی بیانیه ای با ۲۰۰ امضا قرائت شد که طی آن از نظام پرستاری خواسته شد اجرای این طرح را که به گفته آنها "طرحی عجولانه" است، متوقف کند. (ایلنا، ۶ خرداد)

اعتراض پرستاران بیمارستان امام رضا به

رفتار توهین آمیز یک پزشک

تعدادی از پرستاران بخشهای مختلف بیمارستان امام رضا، مشهد، خبر در حمایت از پرستاری که روز شنبه ۲ خرداد مورد اهانت یکی از جراحان بخش سوختگی قرار گرفته بود، تجمع کردند. تجمع کنندگان ضمن حمایت از این پرستار باسابقه در جهت پیگیری شکایت خود از پزشک خاطی، خواستار برخورد قاطع مسوولان بیمارستان با وقوع اتفاقاتی از این دست شدند.

در بیانیه پایانی تجمع امروز که به امضای پرستاران معترض رسیده، آمده است: "تجمع امروز پرستاران نه تنها برای حمایت از یک پرستار، بلکه در راستای احیای حیثیت خدشه دار شده پرستاری است. تجمع امروز موضع گیری در مقابل پزشکان نیست، بلکه در اعتراض به هتک حرمتهاست و پرستاران تا تادیب و عذرخواهی فرد خاطی پیگیر موضوع خواهند بود." (ایلنا، ۷ خرداد)

اعتراض پرستاران بیمارستان نکویی قم



پرستاران بیمارستان نکویی قم، ظهر روز ۹ خرداد در اجتماع با شرکت ۱۲۰ پرستار که در سالن اجتماعات این بیمارستان برگزار شد، به نتایج اجرای "طرح مبتنی بر عملکرد" در این بیمارستان اعتراض کردند. یکی از پرستاران این بیمارستان درباره دلایل این اعتراض گفت: "طی چند روز گذشته و در پی پرداختهایی که از قبال این طرح و پس از شش ماه انجام شد، متوجه شدیم که میزان پرداختها با فاصله بسیار زیادی از هم انجام شده است." وی ادامه داد: "متأسفانه طرح

مبتنی بر عملکرد بدون کارشناسی انجام شده و بیمارستانها را تبدیل به بنگاه اقتصادی کرده است که در آنها پرستاران و کادر درمانی به جای خدمت رسانی به بیماران به دنبال جمع آوری امتیاز برای بیمارستان هستند." این پرستار همچنین از توقف اجرای طرح در برخی بیمارستانها خبر داد و گفت: "شنیده های ضد و نقیصی حکایت از این دارد که اجرای این طرح در برخی از بیمارستانهای قم متوقف شده تا بررسی بیشتری روی آن انجام شود و معاونت درمان دانشکده علوم پزشکی قم هم وعده رسیدگی به خواسته های پرستاران را داده است."

بیمارستان نکویی از جمله بیمارستانهای پایلوتی است که در شش ماهه ی دوم سال ۹۳ در آن اجرایی شد. (ایلنا، ۹ خرداد)

رد صلاحیت فعالان خانه پرستار در انتخابات

نظام پرستاری

صلاحیت محمد شریفی مقدم و برخی دیگر از اعضای "خانه پرستار" و فعالان این صنف از جمله آقایان عمیدی، تاج الدینی، نظری و عابدینی برای شرکت در انتخابات نظام پرستاری رد شد.

این انتخابات قرار است ۲۹ خرداد برگزار شود و قرار بر این بود که نتایج تایید صلاحیتها دوم و سوم خرداد اعلام شود که این نتایج با ۹ روز تأخیر به صورت تلفنی به افراد رد صلاحیت شده اعلام گردیده است.

هیات مرکزی نظارت بر انتخابات نظام پرستاری بدون اعلام دلایل رد صلاحیت، به صورت تلفنی از این اتفاق آنان را با خبر کرد، اما قرار است شنبه ۱۶ خرداد نتایج به صورت رسمی در رسانه ها منتشر شود.

پیش تر سید حسن امامی رضوی، معاون وزیر بهداشت، در خصوص شرایط متقاضیان کاندیداتوری انتخابات هیات مدیره های نظام پرستاری گفته بود: "شرط سنی خاصی برای این منظور لحاظ نشده است و اعضای سازمان با سابقه سه سال عضویت و داشتن صلاحیتهای عمومی امکان کاندیدا شدن در این انتخابات را دارند و عضویت در سازمان نظام پرستاری نیز شرط شرکت کنندگان برای رای دادن در انتخابات است."

انتخابات نظام پرستاری در ۱۲۸ شهرستان کشور برگزار خواهد شد. (سلامت نیوز، ۱۲ خرداد)

بایکوت یک خبرگزاری از سوی وزارت

بهداشت

"خبرگزاری ایلنا" حدود پنج ماه است که به برنامه های خبری وزارت بهداشت دعوت نمی شود، زمانی که این خبرگزاری علت این برخورد را از روابط عمومی این وزارتخانه جویا شد، علاوه بر اینکه در این پیگیری متوجه رتبه بندی خبرگزاریها در وزارت بهداشت شد، به این موضوع پی برد که دلیل اصلی عدم دعوت خبرنگار خبرگزاری ایلنا به برنامه های این وزارتخانه موضع این خبرگزاری نسبت به طرح واگذاری مدیریت منابع درمانی سازمان تامین اجتماعی به وزارت بهداشت است، چرا که پاسخی که در نهایت رییس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت به ما داد: این بود که "تا زمانی که نظرتان را درباره این طرح تغییر ندهید، وضعیت همین است!"

عباس زارع نژاد، رییس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت، در پاسخ به گلایه درباره عدم دعوت این خبرگزاری به برنامه های خبری این وزارتخانه گفت: "خبرهایی که خبرگزاری ایلنا درباره وزارت بهداشت منتشر می کند، دور از واقعیت است. به طور مثال شما در بحثهای بیمه کارگری ورود پیدا کرده اید و این موضوع سبب تقابل جامعه کارگری با وزارت بهداشت شده است." زارع نژاد تأکید کرد: "شما باید بپذیرید که وزارت بهداشت هیچ ادعایی روی مراکز درمانی سازمان تامین اجتماعی ندارد و ما به عنوان یک مجموعه دولتی هیچگاه ادعایی درباره انتقال بحث درمان کارگران به وزارت بهداشت نداریم. شما باید این اصل را بپذیرید. اگر نپذیرید برای ما حاشیه درست می شود."

رییس مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت گفت: "ایراداتی در مباحث بیمه ای وجود دارد، اما عده ای شما را جلو می اندازند و این موضوع باعث می شود که ما ضایع کننده حقوق کارگران شناخته شویم." (ایلنا، ۱۶ خرداد)

بقیه در صفحه ۱۲

کارورزان سلامت

بقیه از صفحه ۱۱

اعتراض جمعی از پرستاران به رد صلاحیت اعضای خانه پرستار

"پرستاران عدالت خواه ایران" در اعتراض به رد صلاحیت برخی اعضای خانه پرستار در یک نامه سرگشاده ضمن ابراز نگرانی از روند انتخابات نظام پرستاری، بر اجرای قانون تاکید کردند.

در بخشهایی از این نامه ضمن تجلیل از زحماتی که این اعضا برای احقاق حقوق پرستاری کشیده اند، گفته شده: "در لیست اعلام شده از تایید صلاحیت شدگان پایتخت کمتر نامی از افراد آشنا و دلسوز جامعه پرستاری مشاهده می شود."

در قسمت دیگری از نامه گفته می شود که رد صلاحیت شدگان از همان تجمع سوم اسفند بر مورد خشم و غضب قرار گرفتند. پرستاران شعار عدالت خواهی و اجرای قانون را خواسته هر انسان آزاده ای دانسته و افزوده اند: "در جامعه پرستاری و پرستاران این خواسته به شکل شعار و محور شعار انتخاباتی درآمده است."

در پایان این نامه پرستاران خطاب به مسوولان تاکید کردند: "اگر خواستار انتخاباتی پرشور و سالم هستید، صاحب نظران مصلحت اندیش در این بازه زمانی مصلحت اندیشی کنند و عدالت خواهان جامعه در این فرصت باقیمانده همراهی کنند. ما به انتظار آنان می مانیم و در صورت عدم همراهی آنان با ما، در اقدامی مقتضی پاسخ مناسب خواهیم داد." (سلامت نیوز، ۱۶ خرداد)

اعتراض پرستاران بیمارستان کامکار قم



بیمارستان کامکار قم از جمله بیمارستانهای پایلوتی است که "طرح مبتنی بر عملکرد" اجرایی شده است و حالا شش ماه پس از اجراء پرستاران نسبت به حواشی اجرای این طرح معترض هستند.

تجمع این روز پرستاران بیمارستان کامکار ابتدا در مقابل درب ورودی اورژانس برگزار شد و پس از آن از پرستاران خواسته شد جهت برقراری آرامش و جلوگیری از ملتهب شدن فضای بیمارستان به داخل سالن اجتماعات مراجعه کنند.

یکی از پرستاران در ارتباط با جزئیات این تجمع گفت: "مسوولان دانشکده علوم پزشکی قم در تجمع حضور یافتند و وعده دادند که در فرصتی یک ماهه نسبت به اصلاح طرح، پیشنهادات لازم را به وزارتخانه ارایه دهند." پرستاران می گویند، اجرای این طرح باعث شده تا اختلاف در پرداختها بین پزشکان و پرستاران چند برابر شود و پرستاران به نوعی مورد سواستفاده حرفه ای قرار گیرند و تبدیل به نیروهایی شوند که صرفا به جمع آوری امتیاز برای بیمارستانها مشغولند و از وظیفه اصلی شان که خدمت رسانی به بیمار است دور شوند. این در حالیست که در نهایت هم هیچ مبلغ قابل توجهی در ازای زحمتی که می کشند دریافت نمی کنند. (ایلنا، ۱۶ خرداد)

اعتراض پرستاران یزد به رد صلاحیت اعضای خانه پرستار

کمیته پیگیری مطالبات پرستاری استان یزد با ارسال نامه ای رد صلاحیت اعضای خانه پرستار را محکوم کرد. در این نامه آمده: "از آن جهت که فراهم آوردن شرایط لازم جهت برگزاری یک انتخابات سالم برای جامعه پرستاری حق مسلم آنهاست و وزارت بهداشت بر اساس میثاق ملی یعنی قانون اساسی موظف به تامین این حق همکاران پرستاری می باشد، ولی متأسفانه در ابتدای امر با این رد صلاحیتهای مهندسی شده و هدفمند در جهت تامین منافع گروهی خاص رسالت خود را انجام نداده، بنابراین به تمامی مسوولان مربوطه هشدار می دهیم که تا قبل از گرفتار شدن در آتش خشم پرستاران عدالتخواه سراسر کشور این اشتباه فاحش مدیریتی خود را اصلاح کنند وگرنه تبعات آن بر عهده باعنان و بانیان آن خواهد بود." (سلامت نیوز، ۱۸ خرداد)

تجمع اعتراضی پرستاران بیمارستان بهشتی قم



جمعی از پرستاران و پرسنل بیمارستان بهشتی شهر قم صبح روز چهارشنبه ۲۰ خرداد در اعتراض به اجرای "طرح مبتنی بر عملکرد" برای محاسبه حقوق شان، تجمع اعتراضی برپا کردند.

معترضان که تعدادشان حدود ۱۵۰ تن برآورد می شود، عمدتا پرستار هستند اما در میان شان نیروهای کار بخش بهیاری، آزمایشگاه و خدمات هم حضور دارند. در این تجمع صنفی پرستاران شعارهایی را در قالب پارچه نوشته طرح کردند، از جمله "مبتنی بر عملکرد، خیانت است به ملت"، "مساله ما صنفی است، سیاسی نیست"، "طرح تحول سلامت = پرستاری بی حمایت" و "تعرفه گذاری پرستاری، انگیزه است به خدمت".

گفته می شود برخی مسوولان وزارت بهداشت که اکنون در قم به سر می برند، قرار است برای مذاکره با معترضان به این بیمارستان بیایند. (ایلنا، ۲۰ خرداد)

پرستاران بیمارستان شریعتی البرز تجمع کردند

پرستاران بیمارستان شریعتی البرز، صبح شنبه ۲۳ خرداد با اجتماع در محوطه بیمارستان به نتایج اجرای "طرح مبتنی بر عملکرد" در این بیمارستان اعتراض کردند.

معترضان که تعدادشان ۶۰ تن برآورد می شد گفتند، دریافتی شش ماهه سال ۹۳ که هفته گذشته به حساب پرسنل بخشهای مختلف واریز شد، نشان می دهد که جایگاه افراد و موقعیت شغلی که در بیمارستان دارند، چندان اهمیتی در میزان پرداختیها ندارد و تنها میزان درآمد بخش مورد نظر است که میزان دریافتی افراد را تعیین می کند.

یکی از پرستاران در این رابطه گفت: "در بخشهایی مانند جراحی، تعداد بیماران زیاد است، اما میزان درآمدی که در نهایت نصیب بیمارستان می شود چندان بالا نیست. در نتیجه چون پرداختیها طبق این طرح مبتنی بر میزان درآمد هر بخش است، مبالغی که

در نهایت بین پرستاران این بخشها تقسیم می شود، ناچیز است در حالیکه بیشترین زحمت را پرسنل همین بخشها متحمل می شوند."

به گفته برخی از پرستاران بیمارستان شریعتی، هفته گذشته هم تجمع مشابهی در بیمارستان رجایی کرج نسبت به اجرای طرح مبتنی بر عملکرد صورت گرفت و طی آن پرستاران به نتایج اجرای این طرح اعتراض کردند. (ایلنا، ۲۳ خرداد)

عذرخواهی وزیر بهداشت از پرستاران

حسن قاضی زاده هاشمی در گفتگو با خبرنگار ایلنا در پاسخ به این سوال که "فکر نمی کنید، استفاده از تعبیر کف خیابانی برای اعتراضات پرستاران ادیبانی نادرست بود؟"، گفت: اگر این تعبیر نادرست بوده، من از پرستاران عذرخواهی می کنم."

وی افزود: "البته سطح توقعات پرستاران افزایش پیدا کرده، بخشی از این توقعات که متناسب با توانمندی دولت باشد، قابل قبول است اما برخی از این توقعات شدنی نیست." وزیر بهداشت گفت: "دولت در شرایط سختی است و ما نباید همه مطالبات را به شکل صنفی نگاه کنیم." (ایلنا، ۲۸ خرداد)

پیروزی طیف مخالفان وزیر بهداشت در انتخابات نظام پرستاری

انتخابات نظام پرستاری با حواشی بی سابقه ای نسبت به ادوار قبل برگزار شد. این حواشی با توجه به رویدادهای ماههای قبل از برگزاری انتخابات قابل پیش بینی بود. دعوایی که یک سر آن وزیر بهداشت و معاون پرستاری وزارتخانه و طرف دیگر آن "خانه پرستار" بود که از لحاظ امکانات و اختیارات و... به هیچ عنوان قابل مقایسه نبودند.

به هر حال طبق اخباری که از منابع موثق به دست ما رسیده، پیش بینی دو سال قبل ما در باره تغییر رییس کل سازمان نظام پرستاری به حقیقت پیوست. اگرچه میرزاییگی بسیار بهتر از هرکس شرایط خود را فهمید و در انتخابات شرکت نکرد، اما در این میان شکست طیف نزدیک به میرزاییگی هم که با شکست سنگینی در سرتاسر کشور مواجه شدند، موضوع بسیار پر اهمیتی است.

اشتباه بزرگ وزارت بهداشت در تقابل با شریفی مقدم و اتخاذ سیاستهای تقابلی سبب شد که راه پیروزی طیف شریفی مقدم هموار تر شود. به هر حال سازمان نظام پرستاری جدید قطعا متفاوت از گذشته خواهد بود و شاید این انتخابات پیامهای دیگری هم برای برخیها!!!! داشته باشد و آن اینکه ایجاد فضای تحریم رسانه ای و... برای مخالفان دیگر مثل گذشته جواب نمی دهد.

شاید تنها فعالان و صاحب نظران اجتماعی بودند که از یکسال قبل به خوبی و به وضوح پیروزی پرستاران را پیش بینی می کردند، بخصوص با رد صلاحیت شریفی مقدم و برخی از اعضای خانه ی پرستار، عملا کلید نظام پرستاری دو دستی تحویل جریان خانه پرستار شد. حالا با نشستن این طیف در سازمان نظام پرستاری چنانچه رفتارهای سابق متولیان وزارت بهداشت با این طیف ادامه یابد، دیگر هزینه ها در همین سطح نخواهد بود بلکه دولت باید در انتخابات آتی هزینه این دعوا را بدهد.

موضوعی که حائز اهمیت است، نزدیکی و قربایت فکری بین رییس آتی نظام پرستاری و دبیرکل خانه پرستار است که سبب هم افزایی عجیبی شده است که نمی توان آن را نادیده گرفت. اما اگر آنچه این روزها احتمال کاندیداتوری میرزاییگی در انتخابات مجلس شورای اسلامی بیان می شود را بازی عجیب روزگار نامید، شاید میرزا برای حضور بر بالین بیمار بدجوری دلتنگی می کنند!!! (سلامت از نگاه ملی، ۳۰ خرداد)

"حاشیه" های نامن

امید برهانی

و ۲ یادگار "دوران طلایی" خمینی و جنگ، به رویکرد سرمایه دارانه و اقتصاد آزاد دوران هاشمی و "سازندگی" راه اندازی شد و طبیعی بود که برنامه های پیش بینی شده برای اکران در این شبکه، به ظاهر پاسخگوی نیازهای طبقه به اصطلاح متوسط - در جامعه ای که قرار بود به زودی و به شدت طبقاتی شود - باشد. موفق ترین و پر مخاطب ترین این برنامه ها، "مسابقه هفته"، "هنر هفتم" (نمایش و نقد حرفه ای آثار سینمایی کلاسیک جهان)، سریالهای خانوادگی "همسران" و "خانه سبز" و سرانجام مجموعه های طنز مهران مدیری بودند.

این مجموعه های طنز با نگاهی به آثار کمدی کلاسیک و با دستمایه قرار دادن روابط و مناسبات معیوب خانوادگی، دوستانه و اداری و میکس مناسبی از آنها، با سبکی متفاوت با گذشته توانستند جایی در میان مخاطب عام باز کنند و بعد از مدتی پا را از محدوده چند قسمتی فراتر گذاشته و به مجموعه های ۹۰ شیبی تبدیل شوند. نقطه اوج این برنامه ها سریالهای "پاورچین" و "شبهای بره" بود و بعد از آنها "مرد هزار چهره" که در آن، گذشته از هنر و کنایه های معمول، به نیروی انتظامی، قوه قضاییه، مافیای مالی و مواد مخدر، و همزمان محافل روشنفکری داخل و خارج هم نیش زده می شد.

پس از رخدادهای ۸۸، تیم مدیری به دلایل نه چندان روشنی از تلویزیون فاصله گرفت و به تولید خصوصی سریالهای طنز و فروش آنها در قالب "شبکه ویدیویی خانگی" روی آورد. سعی زیادی شد تا این دوری چند ساله از تلویزیون، اعتراض به شرایط سرکوب قیام و قهر از رسانه وانمود شود، اما تولید و پخش برنامه "بمب خنده" و هجو مستقیم برخی شبکه های اپوزیسیون خارج از کشور در آن، حنای تئوری اعتراض را کم رنگ کرد. با افتادن آنها از آسیاب و احتمالاً به خاطر به صرفه بودن همکاری با صدا و سیمای همیشه مرجع، در یک دیدار و مذاکره با مدیر شبکه ۳، پیشنهاد تیم مدیری برای تولید و پخش سریال "در حاشیه" پذیرفته شد و در اسفند ماه ۹۳ کلید خورد.

آغاز و پایان داستان

سریال "در حاشیه" با همان سبک و سیاق همیشگی کارهای پیشین، این بار به سراغ سیستم بهداشت و درمان رفت: هومن صحرایی، پزشک علم گرا، با وجدان و مقید به مدیریت علمی و اخلاق پزشکی اما ترسو و بی قاطعیت، مامور راه اندازی بیمارستانی می شود که ملک و ساختمان اش را شخص نیکوکاری وقف کرده، ولی با دسیسه

سازمان صنفی و یا حتی دولتی نسبت به برنامه های مشابه آن در دوره های گذشته مطرح نشده بود. تنها دلواپسان واقعی اکران چنین برنامه ای وزارت بهداشت و درمان و سازمان نظام پزشکی بودند.

"طرح تحول سلامت" وزارت بهداشت و درمان دولت روحانی که بی شباهت به جراحی اقتصادی احمدی نژاد - در حوزه سلامت - نبود، از همان مرحله نخست با شک و تردید و در مراحل بعدی اش با هشدار و سپس مخالفت علنی و شدید فعالان سلامت، پرستاران و پیرا پزشکان و مردم عادی گیرنده خدمات سلامت روبرو شد.

بودجه سرسام آور و ناگهان افزایش یافته این وزارتخانه را که حاصل قطع یارانه ها، افزایش دو سه باره تعرفه های پزشکی، مالیات بر ارزش افزوده، مالیات بر فروش دخانیات (سیگار و قلیان!!)، سهمی از تجهیزات گران قیمت واردات دارو و تجهیزات گران قیمت

پزشکی، زیبایی و آرایشی و حق السکوت از صدا و سیما بابت پخش آگهیهای مواد خوراکی زیر استانداردهای بهداشتی بود، به بهانه رایگان کردن بستری و درمان در بیمارستانهای دولتی حیف و میل شد و یا زیر نام کارانه، مبالغ چند صد میلیونی و چند ده میلیونی را به جیب گروهی خاص از مسوولان وزارتی تا روسای دانشگاههای علوم پزشکی و هیاتهای علمی آنها سرازیر گردید.

این ریخت و پاش در حالی صورت گرفت که وزارت بهداشت حاضر نشد "طرح پزشک خانواده" را سر وسامان دهد و یا به حقوق پایمال شده پرستاران و بهیاران رسیدگی کند و یا تعرفه گذاری خدمات پرستاری را اجرایی کند و یا به طور کلی در فکر توزیع عادلانه امکانات بهداشتی و درمانی در سطح کشوری باشد.

وزارت بهداشت دقیقاً مانند قطار ترمز بریده دولت پیشین، خارج از ریل مدیریت عقلانی و علمی سلامت به راه خود ادامه داد و تازه دیگران را هم با بوق و فریاد "دور شو / کور شو" از ایستادن بر سر راه قطار بر حذر داشت و تا جایی پیش رفت که اعتراضهای مکرر صنفی پرستاران در یک سال گذشته را حرکات کف خیابانی با اغراض سیاسی خواند (ذقت کنید به تشابه در ادبیات بنیان و پایوران رژیم در مورد معترضان: خمینی آنها را "نااهلان" و "نامحرمان" می نامید، خامنه ای "دشمن" می خواند، رفسنجانی "نادان" یا "مغرض" فرض می کرد، احمدی نژاد "خس و خاشاک" می دید و هاشمی وزیر "صد تا پرستار کف خیابانی").

برآشفته دوم هم "سازمان نظام پزشکی" است که از قضا سازمانی حکومتی و کاملاً ضد صنفی، در ردیف "سازمان نظام مهندسی"، "سازمان

بقیه در صفحه ۱۴

های وارث بی سواد و سود جوی آن شخص برای تصاحب آن، سالها متروک و بدون بهره برداری مانده است. سهراب کاشف، جراح پلاستیک خاخی و یا قلابی و بهروز عشقی که ادعا می کند در فیلپین پزشکی خوانده ولی مدرک اش پذیرفته نشده، از سر تصادف و ناخواسته همراه هومن می شوند.

بقیه داستان به چگونگی جذب پرسنل و شروع به کار بیمارستان، کمبود امکانات و پول، تبانیهای مختلف و گاه متضاد با هم برای بیماریابی و کسب درآمد، مشاوره و وکالتهای آنچنانی، بی نظمی و مدیریت ناکارآمد، دخالتهای غیر تخصصی و غیر مسوولانه، انفعال و بی انگیزگی کادر پزشکی و پرستاری و کوتاهی آشکار، باز شدن پای اسپانسر به بهانه تحقیق علمی و نوآوری در درمان، و... می گذرد. قرار است در پایان، مدیریت متعهد با پشتیبانی مسوولان دلسوز بالاتر، این بیمارستان را به سر و سامان برساند.

نارضایتی و مخالفت متولیان بهداشت و درمان از جمله وزیر و رییس سازمان نظام پزشکی با پخش سریال به بهانه توهین به جامعه پزشکی و بزرگ نمایی نارساییهای سیستم بهداشت و درمان، از همان ابتدای کلید خوردن طرح آغاز شد، به طوری که این افراد برای جلب نظرشان به سر صحنه فیلم برداری دعوت شدند و بارها در مورد بی خطری اطمینان داده شد. اما هرچه داستان پیش رفت، مخالفت و اصرار بر توقف پخش آن بیشتر شد. مدیریت شبکه ۳ تا حد امکان در برابر مخالفتها ایستادگی و حمایت خود را از ادامه سریال اعلام کرد، اما با پر زور شدن سینه و توصیه و فشار از نقاط نامعلوم! توقف برنامه اعلام و داستان در نیمه راه تولید و پخش، با چرخش ناگهانی سناریو به قسمت پایانی رسید.

برآشفتگان و دلواپسان

در سالهای اخیر رسم شده که هر گونه مخالفت، انتقاد یا اعتراض به عملکرد یک سازمان دولتی یا صنفی یا گروه خاص، توهین و هتاکی به حساب آمده و واکنش تهاجمی گروه هدف را بر می انگیزد. این پدیده در ایران امروز همچنان رو به گسترش است که با مظلوم نمایی و قداست مابی و سپرسازی علیه هر گونه نقد و تحلیل، جامعه را هر چه بیشتر به سمت طبقاتی شدن سیاسی و از بین رفتن انسجام و اعتماد اجتماعی پیش می برد. و این ثمره حکومتی ست که از بدو پیدایش شوم و نا به هنگام خود تا به امروز، با اسپری قداست و هاله نور تلاش کرده تا درون پوسیده و گندیده خود را از هر گونه نقب زنی و لایروبی دور نگاه دارد. سریال "در حاشیه" هم موافقان و مخالفان زیادی را در میان جامعه پزشکی و مردم برانگیخت، اما هیچ کس میدان دار توقف آن نشد و در اساس چنین درخواستی از سوی یک

پیش درآمد

سریال طنز "در حاشیه" که در تعطیلات نوروزی امسال از شبکه ۳ تلویزیون به نمایش درآمده بود، در نیمه راه با اصرار و سماجت متولیان بهداشت و درمان و فشارهای پیدا و پنهان بر تلویزیون، در کام توقف فرو رفت؛ سریالی عامه پسند که به سراغ سیستم بهداشت و درمان کشور رفت و با طنزی گزنده به نمایش پرسوناژها، واکاوی روابط و مناسباتی پرداخت که در موزاییسم فرد گرایانه و سرمایه دارانه جامعه امروز، هر یک به دنبال منافع آئی و زود گذر شخصی و کسب سود بیشتر از هر راهی و به هر قیمتی هستند.

اگر چه نمی توان چنین برنامه هایی را گونه ای افشاگری و روشنگری دانست، ابتدا به این دلیل که فرهنگ سود پرستی و چهره های گوناگون آن از قبیل رقابتهای مخرب، رشوه، خیانت، آدم فروشی و... به لطف وجود حاکمیت غاصب و از مردم بیگانه ای که خواهان ماندن به هر شکل و بهایی است، پدیده های جا افتاده و نهادینه ای در زندگی روزمره مردم شده و تماشای شکل نمایشی و فانتزی آن انقلابی در کشور به راه نمی اندازد.

دوم اینکه فساد درون حکومت و باند های قدرت و صراطهای غیر مستقیم که به هر ترکستانی می رسند الا کعبه، به مدد پرده درهای خود حضرات علیه یکدیگر آنچنان عیان و فراگیر شده که حتی توصیه های آقا مینی بر "کش ندان" این قبیل امور هم در هیاهوی هتاکیها گم شده و افشاگری آنها هم دیگر امتیازی رسانه ای محسوب نمی شود.

در این میان آنچه توجیه گر تولید و پخش برنامه هایی چون "در حاشیه" می ماند، نخست نیاز مردم به اندکی طنز و تفریح و دوم، خلاء چند ساله برنامه های طنز "جدی" و کم و بیش حرفه ای در میان انبوه برنامه های مبتذل، دم دستی، سریالهای کیلومتری، فیلمهای مملو از خشونت و خیانت، و برنامه های مذهبی پوچ یکسویه و زنده ای است که دست کم سه بار در روز، یک تا دو ساعت قبل و بعد از اذان، به وقت کشی و سَم پاشی مشغول اند.

فلاش بک

سریالهای طنز مهران مدیری و تیم اش از اوایل دهه هفتاد با راه اندازی شبکه ۳ تلویزیون جمهوری اسلامی روی آنتن رفت. این شبکه (و البته شبکه های بعدی) با هدف توسعه سخت افزاری رسانه رژیم و درک ضرورت فرار از رویکرد به شدت ارتجاعی شبکه های ۱

“سرودها، ستاره ها” (۳)

بیاد: زهرا کاظمی

م. وحیدی

زن حالش خوب نبود و سرش روی سینه اش خم شده بود و چیزی از این حرفها نمی فهمید. ستون فقرات و مهره های کمرش تیر می کشید. درد و سوزش زخمهای بدن اش، سر گیجه، سر درد، گرسنگی و ضعف به شدت آزار اش می دادند و به سختی نفس می کشید.



او سرش را از روی کاغذ بلند کرد، عینک اش را از صورت برداشت و در دست گرفت و رو به زندانی گفت: - چطوره آنجا جلو بازجوت آن طوری می ایستی، جواب می دهی و از حرفها هم کوتاه نمی آیی، ولی حالا اینجا جلو من خفقان گرفته ای؟ ببین این خیره سرها را کنار بگذار! خودتم به موش مردگی نزن! وقتی سوال می کنم، درست جواب منو بده! بگو ببینم با کدام سفارت کار می کنی؟ برای چی جلو زندان پرسه می زدی و عکس می گرفتی؟ هدف از این کارها چی بود؟ دنبال چی بودی؟ این عکسها را کجا می خواستی ببری؟ جواب بده! ... مرا عصبانی نکن! حرف بزنی که بی حیا!

بدن زن، داغ و تبار، دهان اش خشک و لبان اش از تشنگی می سوخت. پیشانی و شقیه هاش از درد می خواستند بترکند و قلب اش بی وقفه می کوبید. آخوند برگه کاغذ را روی میز گذاشت و با یاد آوری آرامش و خونسردی به خود، حرف اش را قطع کرد. دست برد و سیگاری روشن کرد و دودش را با لرزش و ناراحتی فرو خورد و بیرون داد. خسته بود و کلافه. احساس می کرد دارد آب در هاون و میخ به سنگ می کوبد و حرفها و توپ و تشره اش تأثیری ندارد. اما سعی کرد خود را از تک و پا نیاندازد و زبانی دیگر به کار گرفت:

- حالا تو که این همه عکس از اینور و آنور گرفتی، چرا نرفتی دو تا عکس از نماز جمعه و مساجد این مملکت بگیری؟! یک عکس از روحانیون بگیری...ها؟! چرا دو تا عکس از مردم حزب الله و تظاهرات مردمی تو عکسات نیست؟ اصلا تو مسلمان هستی یا نیستی؟

کمی صبر کرد و گفت:

- به خدا من که شک دارم تو ضعیفه مسلمان هم باشی، چه برسه ایرانی باشی! ...پکی به سیگارش زد و در حالی که دود از لابلای دندانهای زرد و جرم گرفته اش بیرون می آمد ادامه داد:

- اقل از روح شهدا خجالت بکش! اقل از خانواده شهدا خجالت بکش! سپس در صندلی نرمش فرو رفت و آرام گرفت. لحظاتی چشمان اش را بست، بی تاب بود و سنگین. چندبار پیشانی اش را با کف دست ماساژ داد و با تغییر لحن، نرم و با طمأنینه اما با وقاحت ادامه داد... (ادامه دارد)

"حاشیه" های نامن

بقیه از صفحه ۱۳

نظام پرستاری"، و "خانه کارگر" است و دلیل آن همین بس که قانون و آیین نامه داخلی آن پیشنهادی دولت و مصوب مجلس بوده و اکثر اعضای هیات مدیره آن در هر دوره، هیاتهای علمی و یا اجرایی دانشگاههای علوم پزشکی و یا مسوولان و مقامهای وزارت بهداشت و درمان هستند و به هیچ عنوان جامعه پزشکی کشور را نمایندگی نمی کنند.

همین آدمها پیش از انتخابات دوره ای سازمان هم مثل هر انتخابات دیگری مورد تایید یا رد صلاحیت قرار می گیرند. این که چرا این سازمان از اکران یک سریال عامه پسند فریادش به هوا بلند شده جای درنگ دارد. دستکم در ۱۵ سال گذشته رویه سازمان نظام پزشکی تغییر بسیار کرده و به یک موسسه انتفاعی تغییر ماهیت و کاربری داده است. افزایش تصاعدی حق عضویت سالیانه پزشکان و گروههای پزشکی عضو این سازمان، تاسیس صندوق قرض الحسنه پزشکان و موسسه مالی و اعتباری سازمان، تاسیس شرکت بیمه نظام آسایش پزشکان، عقد قرارداد با نمایندگیهای واردات خودروهای خارجی، آژانسهای توریستی و مسافرتی و باشگاههای ورزشی و برگزاری سمپوزیومهای علمی داخلی و بین المللی با حمایت اسپانسرهای داخلی و خارجی، نمونه هایی از فعالیتهای اقتصادی این سازمان اند که همگی با ادعای "تامین امکانات رفاهی درخور شان طبقه پزشک" انجام می گیرند. این در حالی ست که بسیاری از گروهها مثل پزشکان عمومی جوان که از سر بی لیاقتی دولتهای وقت در سالهای اخیر دچار رشد جمعیتی فاجعه بار و بحران بیکاری شدند، در اساس توان مالی استفاده از این "امکانات رفاهی" را ندارند و این قبیل فعالیتها سودجویانه و کاسب کارانه به انباشت ثروت در دست گروهی خاص و تشدید اختلاف طبقاتی میان خود پزشکان و بین پزشکان و مردم محروم از رفاه و آسایش دامن می زند.

تقابل دولت و رسانه

نگفته پیداست که وقتی فساد، رشوه، تبانی، اخاذی، زیر میزی، واگذاری قراردادها و مزایده ها حتی به صورت کمیک و فانتزی بر پرده رسانه عمومی قرار می گیرد، اول از همه داد ریگ به کفشها را در می آورد. نکته مهم این که این رسانه در حالی که عمومی است، اما رسانه ای ملی و آزاد نیست و نمی تواند ادعای نمایندگی مردم و حتی دولت و اطلاع رسانی شفاف و بی غرض کند. صدا و سیما کانون اصلی قدرت یعنی ولایت خامنه ای و اذتاب او یعنی سپاه پاسداران، ائمه جمعه سرسپرده، مجلس فرمایشی، قوه قضاییه وابسته و شورای

نگهبان رهبری را نمایندگی می کند و عجیب نیست که در چالش میان حاکمیت و دولتهای جفتک انداز، جانب حاکمیت را بگیرد و در حالی که نامبردگان بالا، سر تا به پا غرق در مفاسد سیاسی، اقتصادی و اخلاقی اند، تنها دست به حمله و پرده دری علیه دولت بزند. نمونه شیرین کاریهای صدا و سیما در قبال دولتهای وقت، برنامه طنز "بدون شرح" در تحقیر فضای مطبوعاتی دولت اول خاتمی، "کمبربندها را ببندیم" در تمسخر پروژه های عمرانی و راه و ترابری دولت دوم خاتمی و "ساعت خنده" در هجو تمام عیار دولت دوم احمدی نژاد بودند.

جالب این که هیچیک از برنامه های یاد شده در زمان خود مورد انتقاد غلیظ و جدی دولتهای وقت قرار نگرفتند و پخش هیچیک قطع نشد. اما وزیر به نیمه راه نرسیده "دولت اعتدال و امید" انتقادها را نابجا، اعتراضها را خیابانی و طنز را توهین جامعه پزشکی و تشویش اذهان مردم نامید و برای توقف این آخری متوسل به باج دهی به خود صدا و سیما و صاحبان نفوذ در جناح رقیب شد. جالب تر اینکه این توسل به امام زاده های پیدا و پنهان بالاخره شفابخش هم شد و رسانه رقیب را از ادامه تحقیر وزیر امید منصرف کرد. اما در این انصراف به یقین یا نان و آبی وجود داشته و یا دستاویزهایی به مراتب بهتر از یک سریال شاخ شکسته برای قلقلک دلواپسان دولتی پیدا شده یا خواهد شد.

در چنگال "حاشیه" های دیگر

واکنش هوشمندانه تیم سازنده سریال "در حاشیه" در شب پایانی آن بسیار جالب بود. فیلمنامه به این شکل تغییر داده شد که بیمار مرده ای را برای جراحی به اتاق عمل منتقل کردند! این اتفاق به سرعت لو رفت و ناگهان در و دیوار بیمارستان از نیروهای امنیتی لباس شخصی و چند مأمور انتظامی پر شد (به جای حضور بازرسان و نمایندگان قانونی وزارت بهداشت و قوه قضاییه!) و با ارباب و تهدید، پرسنل، پزشکان مسوول بیمارستان مانند تبهکاران دستبند خورده و بازداشت شدند. و این سکانس آخر، نیش آخر را هم به دلواپسان عرصه سلامت زد.

آن شب شاید خواب خوشی را برای آشفتهگان رقم زد و ایشان را به حاشیه امن فرستاد، اما "حاشیه" های خود ساخته و نامنم دیگر مانند تجمعیهای اعتراضی مستمر پرستاران، انتقادهای تند تر فعالان نظام سلامت، ناراضیهای روز افزون پزشکان بلا تکلیف خانواده و اعلام ناراضی و عدم همکاری سازمانهای بیمه گر با متولیان طرح تحول سلامت و از همه مهم تر، پیروزی کاندیداهای جامعه پرستاری در انتخابات سازمان نظام پرستاری امسال، کاپوسهای دردناک تری را به سراغ آنها فرستاده است.

هشدار بحران آب

لیلا جدیدی

سالمه است که بحران آب در ایران هم از جانب "موسسه منابع جهانی" و هم کارشناسان داخلی گوشزد می شود. اما زمانی که دست اندرکاران دروغگو و پرده پوش حکومتی هم اعلام خطر می کنند، میزان پیشرفت این بحران را می توان دریافت. این بار مدیر دفتر مطالعات منابع آب رژیم است که هشدار می داده: "هیچیک از استانهای کشور در وضعیت نرمال آبی نیست و هیچ استانی وضع قابل تحمل ندارد."

رضا راعی عزآبادی ۱۰ استان کشور را که با "تنش شدید آبی مواجه هستند" نام برده است. این در حالیست که وی به جای اینکه علت واقعی، یعنی سیاستهای ضد زیست محیطی و عدم مدیریت حکومت را گوشزد کند، بار این بحران را بر دوش مردم و صرفه جویی نکردن آنها انداخته و آنان را باعث و بانی وضعیت بحرانی و خطرناک موجود معرفی می کند. چندی پیش نیز حمید چیت چیان، وزیر نیروی رژیم، قلدربانان امر کرده بود "آب مفت" به روی مردم قطع شود. یک مقام حکومتی دیگر به نام حسن عباسی با منصب دهان پرکن رئیس مرکز بررسیهای دکتريال امنیت بدون مرز" هم علت اصلی خشک شدن سدهای ایران را بالا رفتن "معصیت و گناه" شناسایی کرده و مژده می دهد که اجرای برنامه های احیا یا بهبود محیط زیست بی ثمر است.

اما ببینیم ریشه مشکل کجاست؛ کارشناسان معتقدند، مدیریت ناکارآمد و ضعف منابع آب، به هدر رفتن میلیاردها مترمکعب آب محدود کشور در پشت سدها به واسطه تبخیر شدید، نگرش غیر بومی در مدیریت آب، عدم درک تصمیم گیران از ویژگیهای اکولوژیکی و اجتماعی، بی اعتمادی به مردم بومی و کشاورزان و نیز گسست دانش مدیریت از جمله دلایلی هستند که ایران را در معرض بحران آب قرار داده است.

در همین رابطه یک تحقیق مستقل، دلیل اصلی کاهش ۸۰ درصدی حجم آب دریاچه ارومیه را احیا نکردن فیزیکی دریاچه ارومیه و به بیان دیگر، نرساندن عمدی آب به آن بر اساس خواست سیاسی و اقتصادی ارزیابی کرده است.

همچنین، رشد سریع جمعیت در ایران که سرزمینی گرم و خشک است، یکی از دلایل کاهش سرانه آب تجدید شونده معرفی می شود. اما با وجود اینکه در دو دهه جمعیت ایران دو برابر شده، آقای خامنه ای، باخبر از همه جا، دستور رشد سریع تر جمعیت و ازدیاد فرزندان را داده است.

در سال ۲۰۱۳ موسسه منابع جهانی، ایران را بیست و چهارمین کشور دنیا از نظر تنش آبی معرفی کرد و خطری جدی را هشدار داد. آب نقش تعیین کننده ای در اکولوژی دارد و بی شک توسعه پایدار، حفظ محیط زیست و حقوق بشر به مدیریت آب نیز بستگی داشته و در واقع مکمل آن است.

جمهوری اسلامی دم از امنیت کشور و دستیابی به انرژی هسته ای می زند، اما میلیاردها دلار را که می شد صرف مدیریت و برنامه ریزی و امنیت واقعی مردم در دسترسی به آب پاک شود، صرف اهداف هسته ای کرده و یا به کام زردان و غارتگران ریخته است. رژیم اینگونه مردم ایران را در برابر تهدید بزرگ و غیر قابل چشم پوشی زیست محیطی قرار داده است.

فراسوی خبر... آدینه ۳۰ خرداد

خصوصی سازی متکی بر رانت و تحکیم استبداد (۱۱)

شهره صابری

به نظر می رسد یکی از دلایل انجام نرمش قهرمانانه در برابر امپریالیسم غرب و آمریکا سود بردن از منافع خوابیده در این دگرگونیها برای رژیم باشد. سازمانهای اداره کننده جهانی سازی، کشورها را وادار می کنند که اقتصادشان را در خور اقتصاد جهانی و بازارهای جهانی کنند. مثلاً در ایران سوبسیدها حذف می شود، خصوصی سازی یه بهای از هم پاشیدگی اقتصاد و تلاشی صنایع کوچک انجام می شوند. بدون تردید با ورود نظام اقتصادی ایران به میدان تجارت جهانی، صنایع باقی مانده نیز تاب رقابت نداشته و از بین خواهد رفت. اعمال سیاستهای تعدیل ساختاری در ایران تا جای ممکن به ویرانی اقتصاد کمک کرده است.

تحفه ی این فجایع، بدبختی، فلاکت و تیره روزی هرچه بیش تر مردم ایران است. بیکاری کارگران به همراه خفقان حاکم، دستمزدها را نیز بیش از قبل پایین می آورد. خدمات رفاهی به حداقل می رسد. تمامی اینها که نتایج ویرانگر آنها را چند سال اخیر دیده ایم به این دلیل انجام می شود که کشورهایمانند ایران به طور انفعالی در این سازمانها وارد شوند. وگرنه مسائل مربوط به حقوق بشر و آه و ناله ها و دردهای فرهنگی در مورد ارتجاع حاکم بر ایران، یاره هایی بیش نیست. این مسائل، مسائلی بی اهمیت و رنگ و لعابی است که امپریالیسم همزمان با تجاوز به این کشورها مطرح می کند.

دلایلهای سرمایه داری در ایران به سرکوب و اعمال ارتجاعی، هم زمان با پیاده کردن این سیاستها افزوده اند. خیال خاصی که بسیاری از فعالان اصلاح طلب در ایران در مورد باز شدن فضای فعالیت سیاسی در عین پلاحت و منگی و حماقت داشته اند از این جا به واقعیت بدل نمی شود که رژیم اسلامی در نقش دلال سرمایه داری به سرکوب و وحشیگری برای این ادامه می دهد که شکل گیری سندیکاها و اتحادیه ها و فعالیتهای اجتماعی و... از عواملی است که در برابر اعمال سیاستهای دیکته شده به رژیم مانع ایجاد می کند. تشکلهای اتحادیه ها، سازمانهای اجتماعی توده ای و ... با اعتراض به پایین آمدن دستمزد ها، فقر و انحطاط فرهنگی، سدها و موانعی در برابر سیاستهای رژیم خودفروخته می بندند. به طور حتم هرگونه پیگیری علنی و در چارچوب قوانین نظام برای پس گرفتن حقوق مردم، سرکوب خواهد شد و تلاشی بیهوده است. ارتجاع وابستگی تنگاتنگ با تیره روزی مردم دارد.

هسته ی نظام سرمایه داری، باید قوانینی اعمال شود که اجزاء قائم به ذات دولتهای مستقل و ملی را ابتدا محدود کرده و سرانجام از بین ببرد. سلطه جهانی سازی همراه با از بین بردن مرزها و محدودیتهای توسعه سرمایه داری به منظور ایجاد جهانی بدون رقیب برای یکه تازی است.

برداشتن این موانع تحت نام کمک به توسعه ی کشورهای کم توسعه یافته انجام می شود. گردانندگان این سیاست این امید واهی را تبلیغ می کنند که با این کمکها، کشورها در فرآیند توسعه قرار گرفته و سبب افزایش فعالیت اقتصادی در این کشورها می شود.

بر خلاف گذشته که بزرگ شدن دولت در کشورهای پیرامونی تشویق می شد، اکنون عقب کشیدن مرزهای دولتها، موانع را از سر راه ضمیمه کردن کشورهای پیرامونی در نظام بحران زده ی سرمایه داری در عصر تسلط بازار تسهیل می کند.

در این جا تناقضی وجود دارد. از طرفی عقب نشینی دولت تشویق می شود و از طرف دیگر بی بُرو برگردترین برنامه ریزیهای نظارت و ایجاد وحشت از بالا به پایین اعمال می شود. اختناق سنگین تر و سرکوب وحشیانه تر می شود. همانطور که این مسیر را در مشی مدعیان اصلاح طلب و میانه رو ببینیم. همانطور که در پیش گفته شد؛ پیوستن به جهانی سازی در ایران با ماموریت رژیم اسلامی در حال انجام است. گفتیم سیاستهایی که از دوران هاشمی رفسنجانی با عنوان تعدیل ساختاری به اجرا درآمد و در ادامه ی آن منجر به خصوصی سازی، حذف سوبسیدها، ورشکستگی صنایع و واحدهای تولیدی کوچک، تغییرات در نرخ ارز، تغییرات در نظام تامین اجتماعی و... شد.

واقعیت این است که پس از آغاز شدن برنامه های مربوط به خصوصی سازی اختناق سنگین تر شده است. آمار مجازات سنگین و اعدامها دور از انتظار حامیان اصلاحات و میانه روی، روند صعودی داشته است. رژیم به منظور خفه کردن و جلوگیری از بیرون رفتن محرومان از چارچوبهای قانونی و سرپوش گذاشتن بر جنایات خود علیه محرومان، مجازات را سنگین گرفته و تا می تواند دست به جنایت و اعدام می زند.

این سخت گیریها و ایجاد رعب و وحشت برای عملی کردن شروطنی است که در مقابل رژیم حاکم برای کسب منافع خود قرار گرفته است. عضویت در سازمانهایی مثل سازمان تجارت جهانی و ناتو و... دارای شروطنی است که تا این شروط به طور کامل اجرا نشود عضویت کشورهای کم توسعه در این سازمانها و یا استفاده از امکانات آنها ممکن نیست.

چشم بستن به رویدادهای جهان به مثابه کلبه کلبه به هم پیوسته ما را در منجلاب مفاهیمی چون توهم توطئه می اندازد و باعث می شود که از تئوریهای رهاییبخش و مترقیانه چشم پوشی کنیم و طراحان تئوریهای پیشرو را کسانی بدانیم که دچار توهم توطئه شده اند. نگاه انحرافی به جهان باعث می شود کشورهای محروم و پیرامونی را خارج از دینامیسم کانونهای اصلی در غرب دانسته و موجودیتی مستقل برای آنها قائل شویم و در نهایت در مفاک جهل نسبت به چارچوب عمل تاریخی می افتیم و به دنبال آن به جهل نسبت به وظایف خود در عرصه ی سیاست، فرهنگ، اقتصاد و ... خواهیم افتاد.

با ظهور بورژوازی، کشورهای پیرامونی به پویایی افتاده و در فرآیند رو به تکامل جهان در حال حرکتند. امروز دو مفهوم جهانی شدن و جهانی سازی که هر دو ترجمه ی واژه ی گلوبالیزاسیون است، بر امور و نظریات در عرصه های مختلف چیره شده اند. در نظر موافقان نظم موجود گلوبالیزاسیون، جهانی شدن، فرآیندی تاثیر پذیر است و خوش بینانه به آن نگریسته می شود. در این نگاه جهانی شدن روندی بدون سوژه است که بیشتر به سیال بودن سرمایه توجه می شود.

در نگاه مخالفان، هدف نظم موجود بلعیدن جهان از طرف کانون اصلی نظام سرمایه داری است. در این باره نگاه محافظه کاران و چپگرایان از دو منظر گوناگون یک نقطه تلافی دارد. محافظه کاران در حسرت فروریختن بناهای یادبود، آه می کشند و چپگرایان که در بررسی جریان سلطه، به غلط فقط جنبه امپریالیستی آن را می بینند.

اگرچه فرآیند جهانی سازی دردناک است، لیکن سیالیت سرمایه باعث تشدید تضادها خواهد شد. باید به هر دو خصوصیت توجه کرد و روند دیالکتیکی و پویای پدیده ها را در نظر گرفت. مارکسیسم نمی تواند به هیچ کدام از این دو خصیصه بی توجه باشد.

گلوبالیزاسیون در عرصه اقتصاد با نام تجارت آزاد جهانی و با ابزارهایی مانند سازمان تجارت جهانی، در زمینه ی نظامی با ابزاری مانند ناتو و در زمینه تعیین خط مشی با ابزاری مانند بانک جهانی به دنبال تضمین سلطه ی خود بر جهان است. مجریان این سیاستهای در مناطق پیرامونی، حاکمان دلال و مرتجع در نقش مهمترین عوامل سلطه و هجوم نظام سرمایه داری هستند که حاصل کار آنان فلاکت مردم کشورهای پیرامونی است.

برای از میان برداشتن دولتهای مستقل و ادغام و تلفیق ملل جهان! از طرف سازمانهای وابسته و تحت سلطه ی

زنان در مسیر رهایی

اسد طاهری

شناس کمتر کتابهای زنانه برای دریافت

جوایز بزرگ ادبی

خبرگزاری مهر، ۱۳ خرداد - بررسیها و مطالعات



"نیکولا گریفیث"، نویسنده و منتقد ادبی، از ۱۵ دوره از شش جایزه ادبی معتبر در جهان نشان می دهد که رمانهایی شناس موفقیت در بزرگترین جوایز ادبی را دارند که روایتی مردانه داشته باشند.

گریفیث، نویسنده انگلیسی - آمریکایی در این تحقیق برندگان جایزه های ادبی همچون "پولیتزر"، "من بوکر"، "جایزه ملی کتاب آمریکا"، "جایزه منتقدان"، "مدال هوگو" و "مدال نیوبری" را در ۱۵ سال گذشته مورد مطالعه و بررسی قرار داده است. او جنسیت برندگان این جوایز و شخصیت‌های اصلی و محور رمان آنها را مورد بررسی قرار داده و برای مثال در مورد جایزه پولیتزر به این نتیجه رسیده که تعداد زنان برنده این جایزه در ۱۵ دوره صفر بوده و آثار برگزیده پولیتزر کاملاً از نقطه نظر و دیدگاه زنانه و دخترانه تهی بوده است.

گریفیث درباره برندگان جایزه من بوکر نیز می گوید: "در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ از میان ۱۵ رمان برگزیده توسط هیات داوران من بوکر، ۹ اثر توسط نویسندگان مرد و درباره مردان یا پسران به رشته تحریر در آمده و از میان ۶ رمانی که توسط زنان نوشته شده و موفق به کسب جایزه شدند، ۳ اثر درباره زنان، ۲ اثر درباره مردان و یک اثر درباره زنان و مردان بوده است.

تحقیقات این نویسنده درباره جایزه ملی کتاب آمریکا در مدت زمانی مشابه نشان می دهد، ۸ اثر برگزیده این جایزه توسط نویسندگان مرد و درباره مردان، ۲ اثر به قلم نویسندگان زن درباره مردان، یک اثر توسط نویسنده مرد درباره زنان و مردان، ۳ اثر توسط نویسندگان زن درباره زنان و مردان، ۲ اثر به قلم نویسندگان زن و با محوریت داستانی زنانه به رشته تحریر در آمده است.

گریفیث که در سیاتل زندگی می کند، بر این باور است که ماندن در این وضعیت و نتیجه به دست آمده مایوس کننده است و باید تدبیری برای این وضعیت اندیشید. او برای تحقیق و پژوهش بیشتر در این زمینه و تجزیه و تحلیل توازن جنسیتی در حوزه ادبی، از

دیگر نویسندگان و پژوهشگران دعوت به همکاری کرد.

اخراج ۴۷ هزار کارمند زن بعد از زایمان

اقتصاد نیوز، ۱۸ خرداد - مصوبه کاهش ساعت کاری زنان و افزایش مرخصی زایمان زنان شاغل از ۶ به ۹ ماه مصوبه ای بود که در دولت قبل اجرایی شد. اگرچه این مصوبات لازم الاجرا نبود و فقط دستگاهها مجاز بودند مرخصی زایمان زنان را افزایش دهند، اما اکنون آمارهای اعلامی می گوید حدود یک سوم زنان شاغل در بخش خصوصی که به مرخصی زایمان ۹ ماهه رفته اند، نتوانسته اند به کار خود بازگردند.

این به آن معناست که در شرایطی که سهم زنان به خودی خود از کیک اقتصاد روز به روز کم و کم تر می شود، این مصوبات هم به کاهش بیشتر این سهم دامن می زند. شهیندخت مولوردی، معاون امور زنان رییس جمهور، در این مورد گفته است: "ما در مورد زنان با قوانین و مقررات مصوبی مواجه شدیم که همه جانبه نبود."

به گفته مولوردی لازم بوده هم تسهیلات و امکاناتی برای زنان شاغل در نظر گرفته می شد، هم مشوقهای لازم برای کارفرما، اما در عمل این مصوبات به صورت یک طرفه رقم خورده بود. اما مشکل دیگری هم در این میان وجود دارد و آن این است که دولت توان مالی وضع این مشوقها را ندارد. اما سوالی که مطرح می شود این است که اگر دولت جدید می دانست مصوبه دولت قبل مبنی بر افزایش مرخصی زایمان، منجر به بیکاری زنان می شود و مصوبه ای ضد اشتغال است، چرا مانع اجرای آن نشده است؟

حکایت زنی که در ۱۰۲ سالگی مدرک پزشکی گرفت

راديو زمانه، ۲۰ خرداد - دو بار مجبور به مهاجرت شد.



یک بار به دلیل تبار یهودی و بار دیگر به خاطر پیگرد چپها در دوران مک کارتیسم، فاشیستهای هیتلری او را به دلیل آن که مادرش یهودی بود، از شرکت در جلسه دفاع دوره دکترای محروم کرده بودند. اما سرانجام توانست بعد از ۷۷ سال مدرکش را بگیرد.

وقتی "اینکه بورگ" در ۱۰۲ سالگی دکترای پزشکی خود را دریافت کرد، چهره اش زیر برق فلاش دوربینها، مثل زنی در میانه بیست سالگی می درخشید. در چنین سن و سالی بود که "اینکه بورگ سیلم" در سال ۱۹۳۸ میلادی، پایان نامه اش را در زمینه بیماری دیفتری ارایه داد.

حالا او پزشک کودکان و پرفسور علم پزشکی است. رژیم فاشیستی هیتلر به دلیل یهودی بودن مادرش او را از دریافت مدرک پزشکی محروم کرده بود. ۷۷ سال گذشت تا کلینیک تخصصی دانشگاه هامبورگ - اپندورف (UKE) در مراسمی رسمی در ظهر ۹ ژوئن ۲۰۱۵ مدرک پزشکی را به او اعطا کند. در حین مراسم اعطای دکترای تالار دانشگاه هامبورگ جای خالی برای نشستن وجود نداشت.

خانم سیلم در سال ۱۹۳۸ به آمریکا مهاجرت کرد. ابتدا کسی توجهی سرگذشتش نداشت و به دلیل نداشتن مدرک پزشکی امکان طبابت نیافت. چهار سال بعد اما توانست با گرفتن بورسیه، مدرک خود را با رتبه شاگرد اولی کسب کند.

او در سال ۱۹۴۴ با همسرش "ساموئل راپوپورت" (۱۹۱۲ - ۲۰۰۴)، پزشک و متخصص بیوشیمی آشنا شد. هر دوی آنها با حزب کمونیست آمریکا همکاری می کردند. همسرش بعد از جنگ جهانی دوم از هری ترومن، رییس جمهور آمریکا مدالی به دلیل تحقیقات در زمینه کنسر کردن خون دریافت کرد. با این وجود، آنها در اوایل دهه ۱۹۵۰ میلادی و در دوران مک کارتیسم، به دلیل فعالیت‌های کمونیستی تحت خطر پیگرد و بازجویی بودند. راپوپورت طی کنفرانسی در سوییس، از این خطر مطلع شد و به همین دلیل به آمریکا بازنگشت.

این زوج در سال ۱۹۵۲ به برلین شرقی رفته و در بیمارستان "شاریته" مشغول به کار شدند. در سال ۱۹۶۸ خانم سیلم به مقام استادی رسید و بخش درمان بیماریهای نوزادان را بنیان گذاری کرد. او در سال ۱۹۸۴ موفق به دریافت جایزه ملی جمهوری دموکراتیک آلمان شد.

موج تصاحب کرسیهای دانشگاهی زنان به

دکترای رسید

شرق، ۲۲ خرداد - زنان در بستر فرهنگی کشور با وجود محدودیتها، در ابتدا در دوره کارشناسی، اواخر دهه ۸۰ در دوره کارشناسی ارشد و اکنون در دوره دکترای توانسته اند سهم خود را افزایش دهند. اما وضعیت اشتغال خیلی بر وفق مراد زنان نیست. آنها با وجود اینکه سهم بالای شرکت کنندگان کنکور و فارغ التحصیلان دانشگاهی را تشکیل می دهند، اما همچنان با معضل بیکاری مواجه هستند.

زنان در سال ۱۳۹۴، ۴۳ درصد از داوطلبان کنکور دکترای را به خود اختصاص دادند؛ اتفاق مهمی که نشان می دهد موج ابتدایی افزایش حضور زنان در دانشگاه در دهه ۸۰ و در مقطع کارشناسی، حالا به تحصیلات تکمیلی، یعنی مقطع کارشناسی ارشد و دکترای رسیده است.

هم اکنون از میان کل اعضای هیات علمی دانشگاههای کشور، تنها ۲۰ درصد سهم زنان است. از سوی دیگر، حدود ۲۰ درصد "هیاتهای علمی تمام وقت" دانشگاههای دولتی را زنان تشکیل می دهند و در کل هیاتهای علمی نیز ۲۳ درصد هستند. در مجموع دولتی و غیردولتی، حدود ۲۴ درصد هستند.

در سالهای اخیر، نه تنها اقدامی برای افزایش میزان حضور زنان در هیات علمی دانشگاهها صورت نگرفته، بلکه اقداماتی همچون، تفکیک جنسیتی در دانشگاه و محدودیتها برای پذیرش دختران در دانشگاه، می تواند سهم آنان را در هیاتهای علمی کاهش دهد.

۱۰۰ دختر دانش آموز در افغانستان با گاز

سمی مسموم شدند

بی بی سی، ۲۳ خرداد - منابع محلی در ولایتهای هرات و بدخشان افغانستان از مسمومیت ۱۰۰ دانش آموز دختر خبر داده اند.

"محمدرفیق شیرزی"، مسوول مطبوعاتی بیمارستان هرات، گفت که ۵۰ تن از این دختران در ولایت هرات مسموم شده اند. وی افزود که دختران مسموم شده شاگردان مکتب استقلال در منطقه "باغ دشت" در حومه شهر هرات هستند.

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۶

آقای شیرزی افزود علت مسمومیت این دختران استنشام نوعی گاز است، اما هنوز نوع گاز مشخص نشده است. هنوز جزییات بیشتری در باره این مسمومیت گروهی در دست نیست.



در همین حال، مسوولان آموزش و پرورش در ولایت شمال شرقی بدخشان هم از ابتلای ۵۰ دختر دیگر به یک بیماری ناشناخته خبر داده اند.

"دوست محمد حقجو"، رییس "موسسه تربیت معلم ولسوالی" شکلی گفت که ۱۸ تن از این دختران در حالت کما بسر می برند. او افزود که در این منطقه دور افتاده امکانات درمانی بسیار کم است و شمار مبتلایان در حال افزایش است. منابع محلی می گویند که دخترها هنوز نتوانسته اند علت این بیماری را تشخیص دهند.

هرات در گذشته هم شاهد مسمومیت گروهی شاگردان یک مکتب در حومه شرقی این شهر بوده است.

به تازگی مقامهای محلی از سه مورد مسمومیت گروهی مشابه در ولسوالی پنجاب ولایت بامیان در مرکز افغانستان خبر دادند. در این سه مورد دهها دانش آموز دختر در سه مکتب در سه منطقه مسموم شدند و علت آن نه از سوی منابع بیمارستانی و نه منابع امنیتی به صورت واضحی اعلام نشد. در سالهای گذشته در سایر ولایتهای افغانستان هم موارد زیادی از چنین مسمومیت دسته جمعی و ناگهانی دختران گزارش شده بود.

ابراز نگرانی از "زنانه شدن فقر" در ایران

دوپیچه وله، ۲۳ خرداد - شهیندخت مولوردی، معاون رییس جمهور ایران در امور زنان و خانواده، می گوید که بیش از ۸۰ درصد زنان سرپرست خانواده بیکار هستند. او همچنین تصریح می کند که بیش از ۷۰ درصد از این زنان نیز بی سواد هستند.

او با اشاره به اینکه در شرایط حاضر مهم تر از باسواد شدن این زنان، آموزش مهارت به آنان است، تصریح کرد که ۸۲ درصد از زنان سرپرست خانواده بیکار هستند. به گفته مولوردی باید برگزاری دوره های آموزش مهارتی و اشتغال زنان سرپرست خانوار در اولویت قرار بگیرد.

از سوی دیگر پرویز فتح، رییس "کمیته امداد امام خمینی"، می گوید که ۶۰ درصد از خانواده های تحت حمایت این نهاد را زنان سرپرست خانواده تشکیل می دهند. او نسبت به آنچه که "زنانه شدن فقر در ایران" خواند هشدار داد و خواستار تصویب قوانین حمایتی در این باره شد.

پیش از این مریم مجتهدزاده، رییس "مرکز امور زنان و خانواده" نهاد ریاست جمهوری گفته بود: "زنان

سرپرست خانوار در ادارات در اولویت استخدام قرار خواهند گرفت."

بر اساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در میان زنان جویای کار از ۳۲ / ۶ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۴۳ / ۴ درصد در بهار سال ۱۳۹۳ رسیده است. این گزارش تصریح می کند که پاییز سال ۱۳۹۲ پایین ترین حد مشارکت اقتصادی زنان بوده است. شاخص مشارکت اقتصادی در این زمان در میان مردان ۶۲ درصد و در میان زنان در حدود ۱۱ درصد عنوان شده است.

زنان را باز هم به ورزشگاه راه ندادند

سحام نیوز، ۲۷ خرداد - ورود زنان به ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی برای تماشای مسابقه والیبال بین تیمهای ایران و آمریکا ممنوع اعلام شد. ورود زنان در شرایطی به ورزشگاه ممنوع شده که پیش تر اعلام شده بود برای تعداد محدودی از زنان مجوز ورود صادر شده است.

شهیندخت مولوردی، معاون رییس جمهور در امور زنان و خانواده، روز ۱۱ خرداد در گفتگو با "روزنامه شرق" خبر از امضا مجوز ورود زنان به سالنهای والیبال را داده بود. این خبر در برنامه "اخبار ۲۲" شبکه سوم صدا و سیما نیز در همان روز به نقل از خانم مولوردی پخش شد و بسیاری گمان می کردند که قطعاً پس از پخش از صدا و سیما این اجازه به صورت رسمی به زودی داده خواهد شد.

با این حال مقامهای دولت حسن روحانی همانطور که پیش بینی می شد در پی فشار محافظه کاران تندرو و هشدارهای حزب الله در نهایت ورود زنان به ورزشگاهها را ممنوع کردند. جریانهای حزب الله از یک ماه پیش هشدارهای صریحی درباره این اقدام "غیرشرعی" دولت روحانی داده و اعلام کرده بودند در مقابل ورزشگاه آزادی "خون به پا خواهند کرد". اعضای این گروه روز چهارشنبه ۲۷ خرداد نیز مقابل وزارت ورزش تجمع کرده و علیه مسوولان این وزارتخانه شعار دادند.



تیم ملی والیبال ایران از ساعت ۲۱ روزهای ۲۹ و ۳۱ خرداد (جمعه و یکشنبه) میزبان تیم ملی والیبال آمریکا خواهد بود.

۴۳ هزار زن در جهان توسط اعضای خانواده

شان به قتل رسیدند

خانه امن، ۲۸ خرداد - در سال ۲۰۱۲ حداقل ۴۳ هزار زن در جهان توسط همسران، شرکای جنسی و یا یکی از اعضای خانواده شان به قتل رسیدند. این آمار را اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، ماه گذشته اعلام کرده است؛ گزارشی که تاکید دارد کشتار شمار زیادی از زنان و دختران در سراسر جهان همچنان ادامه دارد.

بنا به گزارش اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، ارتکاب اشکال مختلف خشونت

علیه زنان و دختران در جهان کنونی، باید باعث شرمساری تمامی جوامع بشری باشد که با وجود پیشرفت در عرصه های مختلف هنوز نتوانسته اند این معضل غیرانسانی را ریشه کن کنند. مدیر اجرایی اداره مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد، مصرانه از دولتها و تمامی بازیگران کنونی در عرصه جوامع از جمله سازمانهای بین المللی و نهادهای جامعه مدنی درخواست کرده برای ریشه کن کردن این معضل تلاش کنند.

تجاوز گروهی به دختر ۱۱ ساله

رادپوزمانه، ۲۹ خرداد - "روزنامه قانون"، سه شنبه ۲۶ خرداد گزارشی منتشر کرده و در آن از تجاوز به یک دختر ۱۱ ساله خبر داده است. بر اساس روایت این روزنامه، زمان و مکان این تجاوز مشخص است و تصویر مستند تهیه شده، جزییات تجاوز به این دختر ۱۱ ساله را از سوی شش مرد نشان می دهد.



یک شاهد به روزنامه قانون گفته که وقتی شبانه با جمعی دیگر در تهران پرسه می زده، به پل یکی از بزرگراههای شهر رسیده و دیده که شش مرد به این دختر تجاوز جنسی کردند. او گفته این شش مرد به مواد مخدر معتاد بودند و از حالت عادی خارج شده بودند. دو شاهد دیگر هم آنجا بوده اند که با دیدن این تصویر حال شان بد شده است.

روزنامه قانون همچنین درباره دختر بچه دیگری نوشته که در طول یک روز چهار بار شکنجه جسمی شده است و او را در یکی از خیابانهای قیصریه پیدا کرده اند. بنا بر این روایت، این دختر بچه تنها شش یا هفت سال داشته است و شاهد از او عکسهایی هم گرفته است.

رسول خضری، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، تجاوز گروهی به یک کودک را بحث بسیار

مهمی خوانده و گفته: "در حالی که در کشورهایی مثل هندوستان - که از این اتفاقات در آن زیاد روی می دهد و حتی بسیاری از مردم آن نیز مسلمان نیستند - با حساسیت بسیار در برابر آن واکنشهای تندی از خود نشان می دهند، تجمعات برگزار می کنند، در سطح رسانه به آن پرداخته و همه فضای مجازی روی آن متمرکز می شوند، متأسفانه در ایران این مسایل نادیده گرفته می شود. مردم عادی که نمی توانند هر کاری را خودشان انجام دهند، اما برای من هم مهم است که چطور در جامعه این اتفاق افتاده ولی کسی به آن نپرداخته است و واکنشی در این خصوص وجود ندارد؟"

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۴

گردآوری و تنظیم: زینت میرهاشمی

۱۱۴ حرکت اعتراضی

*کارگران پیمانکاری فضای سبز شهرداری قم در ادامه اجتماع اعتراضی خود، در روز شنبه ۲ خرداد مقابل ساختمان شهرداری و شورای شهر قم تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل ادامه یافتن این اجتماع اعتراضی وضعیت نامعلوم امنیت شغلی حدود ۳۰۰ کارگری است که از حدود ۲ تا ۱۵ سال پیش به عنوان نیروی پیمانکاری در فضای مناطق هشت گانه شهرداری قم مشغول کار شدند.

*جمعی از کارگران قرارداد موقت کارخانه سیمان لوشان در استان گیلان، صبح روز شنبه دوم خرداد در اعتراض به بالاترین ۲۰ ماهه وضعیت شغلی شان، مقابل ساختمان فرمانداری رودبار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارفرمای کارخانه با حمایت فرمانداری رودبار قصد دارد برای رهایی از کارگران قراردادی کارخانه که در ۲۰ ماه گذشته بیکار و بلا تکلیف بوده اند؛ با آنان تسویه حساب کامل کند و سپس کارگران را برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره کار رودبار معرفی کند.

*جمعی از کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعطیلی موقت این واحد تولیدی، صبح روز شنبه ۲ خرداد مقابل درب ورودی این کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، دلیل تعطیلی این واحد تولیدی، انباشت بدهیهای مالی کارخانه به چند نهاد دولتی همچون بانک ملی، اداره تامین اجتماعی، اداره گاز و برق و همچنین اداره دارایی است.

*عصر روز یکشنبه ۳ خرداد بیش از هزار تن از اهالی شهرک اکباتان در اعتراض به ساخت و ساز در بخشی از فضای سبز این شهرک تجمع کردند. به گزارش ایلنا، آنها نسبت به ساخت و ساز در مشاعات شهرک اکباتان توسط شهرداری معترض هستند و با تجمعهای پیاپی قصد جلوگیری از این اقدام را دارند.

*روز شنبه ۲ خرداد در سی و سومین روز از آغاز اعتصاب کارگران لوله و نورد صفا، شماری از کارگران این کارخانه برای تسویه حساب فراخوانده شدند. به گزارش ایلنا، کارگران با اشاره به سابقه اخراج کارگران در موارد مشابه معتقدند این اقدام برای ترساندن آنان از عواقب ادامه اعتراض انجام شده است. منابع کارگری از اخراج حدود ۱۰ کارگر معترض این کارخانه به بهانه اتمام قرارداد خبر می‌دهند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز دوشنبه ۴ خرداد، در سی و پنجمین

روز اعتصاب، کارگران لوله و نورد صفا در مجمع عمومی خود تصمیم به پایان دادن به اعتصاب خود گرفتند.

*روز شنبه ۲ خرداد، کارگران اعتصابی کارخانه سامان کاشی به طورعلنی از طرف فرماندار بروجرد تهدید شدند. به گزارش فارس، به کارگران توصیه شده سر کار خود برگردند، ولی آنها گوش نداده و به اعتصاب خود ادامه دادند. به گزارش ایرنا، روز دوشنبه ۴ خرداد، کارگران پس از حدود یک ماه اعتصاب با پرداخت بخشی از حقوق عقب افتاده و وعده مسئولان شهرستان و مدیریت کارخانه مبنی بر پرداخت حقوق معوقه، سر کار خود بازگشتند.

*روز دوشنبه ۴ خرداد، همزمان با نشست شورای اسلامی شهر بروجرد، کارگران شهرداری این شهر به همراه خانواده های خود دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پرداخت حقوق معوقه خود شدند. به گزارش ایرنا، سخنگوی شورای اسلامی شهر بروجرد، کارگران معترض و خانواده های شان را تا بازگشت شهردار از سفر کربلا دعوت به آرامش و صبر کرد.

*روز دوشنبه ۴ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه کاشی بیستون در اعتراض به عدم افزایش دستمزد، مقابل اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی تحصن کردند. به گزارش مرصاد، این کارگران طبق قانون کار خواستار اعمال افزایش دستمزد خود بودند.

*روز سه شنبه ۵ خرداد، کارگران کارخانه چینی بهداشتی رز اردکان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق چند ماه گذشته برای دومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش ارکان خبر، اعتصاب این کارگران پس از دو روز به دنبال پرداخت حقوق معوقه شان خاتمه پیدا کرد. مجتمع صنعتی اردکان با نام تجاری «چینی رز» به عنوان اولین کارخانه مدرن چینی بهداشتی ایران، در زمینی به مساحت ۱۷۰ هزار متر مربع و با زیر بنای ۳۵ هزار متر مربع (فاز اول) در شهر اردکان یزد احداث شده است.

*روز سه شنبه ۵ خرداد، تعدادی از کارگران تعاونی مسکن نساجی کردستان با تجمع در محل زمین خریداری شده، بعد از ۱۳ سال توانستند با حکم دادگاه زمین شان را تصاحب کنند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران با حضور یگان ویژه کلاتری ۱۴ سندیج و نیروی انتظامی زمین شان را تصاحب نمودند. در ضمن کارگران موفق شدند حکم بازداشت

فردی که در این زمین خانه و باغ درست کرده بود را از دادگستری بگیرند.

*عصر روز سه شنبه ۵ خرداد، کارگران معدن ذغال سنگ شمال شرق آزادشهر به دلیل به تعویق افتادن بیش از ۴ ماه حقوق و سنوات گذشته خود در محوطه معدن دست به تجمع اعتراضی زدند. به گزارش تیترا، پیش از این مدیر عامل شرکت ذغال سنگ شمال شرق آزادشهر به دنبال تجمع کارگران در سال گذشته قول پرداخت معوقات آنها را داده بود.

*با ادامه یافتن تاخیر در پرداخت مطالبات حقوقی کارگران رجا، صبح روز سه شنبه ۵ خرداد، کارگران برخی از بخشهای رجا دست از کار کشیدند و در مقابل اداره تعمیرات و نگهداری شرکت رجا تجمع اعتراضی برپا کردند.

به گزارش ایلنا، کارگران معترض عدم پرداخت حقوق و دستمزد ماههای فروردین و اردیبهشت را علت این اعتراض اعلام کردند. صبح روز چهارشنبه ۶ خرداد، کارگران مانند روز گذشته در برخی از بخشها از جمله قسمت برق، فنی و موتورریسترها دست از کار کشیدند اما با پرداخت نزدیک به ۵ تا ۱۰ درصد مطالبات معوقه، قرار است از صبح پنجشنبه به اعتصاب پایان دهند.

شرکت رجا، یکی از شرکتهای زیرمجموعه شستا (شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی) است که نزدیک به ۳۰ هزار کارگر پیمانی دارد.

*روز چهارشنبه ۶ خرداد، کارگران اخراجی کارخانه نورد نوشهر دست به تجمع اعتراضی مقابل اداره کار زدند و خواستار حق سختی کار شدند. به گزارش نوشهر آنلاین، حدود ۱۸۰۰ نفر این کارخانه در زمینه تولید میله گرد فعالیت دارد و در این کارخانه حدود ۹۰ کارگر مشغول به فعالیت بودند که سرمایه گذار این کارخانه به مرور با اخراج کارگران، این واحد بزرگ صنعتی را تعطیل کرد.

*جمعی از تاکسی داران خطوط شهری جیرفت صبح روز چهارشنبه ۶ خرداد در ایستگاه تاکسی و مقابل فرمانداری این شهر در اعتراض به تک نرخی شدن بنزین و ثابت ماندن کرایه ها تجمع کردند. به گزارش دقیانوس، این تجمع که در پی تک نرخی شدن بنزین و باطل شدن سهمیه سوخت ۷۰۰ تومانی خودروهای عمومی شکل گرفته بود، پس از حضور اتوبوسهای شرکت واحد شهرداری جهت انتقال مسافران و حضور نماینده تاکسیرانان در فرمانداری خاتمه یافت.

*به گزارش دیار میرزا، روز پنجشنبه ۷ خرداد، جمعی از کارگران کارخانه صنایع پوشش ایران (در استان گیلان) برای دریافت مطالبات شان اقدام به برگزاری تجمع مقابل کارخانه کردند که در نهایت این اجتماع با زد و خورد و ضرب و شتم مدیران این شرکت توأم شد.

*صبح روز پنجشنبه ۷ خرداد، جمعی از کارگران رسمی کارخانه قند کامیاران در اصفهان، در اعتراض به بدقولی کارفرما درخصوص پرداخت حقوق معوقه شان مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض سپس با انتخاب نمایندگان برای شکایت به اداره کار خمینی شهر اصفهان مراجعه کردند.

*روز پنجشنبه ۷ خرداد، کارگران دیشموکی همزمان با حضور ناظر میراث فرهنگی کهگیلویه و بویراحمد در قلعه دیشموک دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار پیگیری مطالبات شان از پیمانکار فراری اثر باستانی قلعه دیشموک شدند. به گزارش صبح زاگرس، کارگران دیشموکی بیش از ۶۴ میلیون تومان از پیمانکار فراری اثر باستانی قلعه دیشموک طلبکارند.

*صبح روز یکشنبه ۱۰ خرداد، تعدادی از اعضای تعاونی مسکن کارکنان آموزش و پرورش تهران با تجمع در برابر ساختمان دادستانی کل کشور خواستار رسیدگی و توجه مسئولان قوه قضائیه به پرونده پیچیده و چند ساله فرهنگیان شدند. به گزارش ایران، حاضران در این اجتماع نمایندگان ۸۹۰ عضو تعاونی مسکن فرهنگیان و اکثراً از بازنشستگان آموزش و پرورش هستند.

*روز یکشنبه ۱۰ خرداد، نزدیک به یکصد تن از کارکنان شرکت ورزش باران ایرانیان که به عنوان پیمانکار از این مجموعه ورزشی نگه داری می کنند، با حضور مقابل وزارت ورزش و جوانان خواستار تبدیل وضعیت سازمانی از پیمانکاری به قراردادی و پرداخت مطالباتشان شدند. به گزارش ایرنا، تجمع کنندگان با وساطت نیروهای حراست وزارت ورزش و جوانان برای مذاکره به داخل وزارتخانه راهنمایی شدند.

*روز دوشنبه ۱۱ خرداد، در پی مشکل کم آبی در تنگستان، جمع کثیری از مردم شهر اهرم در مقابل اداره آب تنگستان تجمع کرده و نسبت به کمبود آب اعتراض نمودند.

به گزارش تنگستان نما، طعی مکرر و طولانی آب طی چند روز گذشته مردم شهرستان تنگستان و شهر اهرم را کلافه کرده است.

بقیه در صفحه ۱۹

برخی از حرکتهای اعتراضی

کارگران و مزدبگیران در خرداد ۱۳۹۴

بقیه از صفحه ۱۸

در مقابل فرمانداری این شهرستان خواستار تبدیل وضعیت خود شدند. به گزارش ایرنا، این کارگران نسبت به عدم اجرای مصوبه دولت مبنی بر تبدیل وضعیت کارگران شرکتی شهرداری اعتراض کردند.

*بیش از ۲۰۰ کارگر نیروگاه تبریز صبح روز یکشنبه ۱۷ خرداد در محوطه شرکت مدیریت تولید برق آذربایجان شرقی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران به از سرگیری تلاش دولت برای خصوصی سازی نیروگاه تبریز و عقب افتادگی ۹ ماهه بخشی از مزایای خود اعتراض کردند.

*صبح روز یکشنبه ۱۷ خرداد کارگران کارخانه نوپوش به نشانه هشدار و اعتراض یک ساعت دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران کارخانه نوپوش زیر مجموعه کارخانه پشم بافی «ایران برک» در رشت، ۹ ماه حقوق دریافت نکرده اند. در عین حال از فروردین ماه سال جاری از مجموع ۱۵۰ کارگر این کارخانه ۷۰ نفر بیکار شده اند.

کارگران معتقدند خصوصی سازی در مجموعه ایران برک بیشترین ضربه را به تولید و کارگران این کارخانه وارد کرده است.

*به گزارش پارس خلیج، صبح روز یکشنبه ۱۷ تعدادی از کارگران بخش تعمیرات گروه روتاری و فیکس فازهای ۱۲ پارس جنوبی در اعتراض به وضعیت حقوق ماههای آخر سال و نپرداختن عیدی دست به اعتصاب زدند. عدم پرداخت معوقات کارکنان شرکتی پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی پارس جنوبی، کارگران و کارکنان زحمت کش را با مشکل روبرو کرده و کارگران راهی جز تجمع نیافته و اقدام به اعتصاب و تجمع کرد.

*به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، روز یکشنبه ۱۷ خرداد، رانندگان تاکسی در سنج دست به اعتصاب زدند. اعتصاب رانندگان تاکسی به جهت گرانی بنزین و نداشتن تسهیلات لازم برای امرار معاش شان است.

*روز یکشنبه ۱۷ خرداد، کارگران چند کارخانه از شهرک صنعتی جاده اردستان، نطنز و ابوزیدآباد کاشان در اعتراض به کم آبی و وضعیت وخامت بار خدماتی در این شهرک اعتصاب کردند. به گزارش ایران خبر، نبود آب و ولتاژ نامناسب برق در این شهرک، مشکل گرمی هوای داخل کارخانه ها که گرما زدگی و بیهوشی کارگران را

نیز به همراه دارد علت این اعتصاب و اعتراض است.

*به گزارش ایران خبر، صبح روز یکشنبه ۱۷ خرداد، جمعی از کارکنان پیمانی شرکت مترو تهران که در بخش نظافت مشغول به کار هستند در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات عقب افتاده و وضعیت نامعلوم شغلی اعتصاب کردند.

*صبح روز شنبه ۱۶ خرداد، کارگران مجتمع چهار گانه سبز مهاباد در واکنش به محقق نشدن وعده های کارفرما دست از کار کشیده و در مقابل ساختمان امور اداری این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در پی اجتماع هفته گذشته کارگران دو واحد «کشت و صنعت» و «کشتارگاه هما مرغ» در روز های یازدهم و دوازدهم خرداد ماه، کارفرما وعده پرداخت تمامی مطالبات کارگران را حداکثر تا روز شنبه ۱۶ خرداد داده بود، اما کارگران این دو واحد با محقق نشدن وعده مذکور تصمیم به اعتراض گرفتند.

اعتصاب ۵ روزه کارگران مجتمع چهار گانه سبز مهاباد در ظهر روز دوشنبه ۱۸ خرداد با وعده کارفرما و مسئولان دولتی موقتا خاتمه یافت.

مجتمع چهار گانه سبز مهاباد شامل «کشت و صنعت»، «مجتمع دامداری و صنعتی»، «مجتمع هما مرغ» و «سردخانه زمزم» است.

*به گزارش ۱۸ خرداد خبرآنلاین، کارکنان موسسه منحل شده میزان مقابل استانداری خراسان رضوی تجمع کردند. کارگران در اعتراض به انحلال این موسسه که سبب بیکار شدن حدود هزار و ۲۰۰ تن از کارکنان شده، تجمع کردند.

*مردم شهر تاریخی اهرم با در دست داشتن پلاکاردی که روز آن نوشته شده بود؛ مسکن مهر صحرای کربلا، در اعلام نیاز به آب آشامیدنی، خانه خود را ترک و مانع رفت و آمد خودروها در جلوی فرمانداری تنگستان شدند. به گزارش تنگستان نما، قطعی مداوم و طولانی آب طی چند روز، صاحبان مسکن مهر و مناطق تنگستان را کلافه کرده است. در همین راستا، مردم مسکن مهر اهرم صبح روز دوشنبه ۱۸ خرداد ماه با تجمع مقابل فرمانداری تنگستان مراتب اعتراض خود را بیان داشتند.

*روز سه شنبه ۱۹ خرداد، جمعی از کشاورزان خوزستان خواستار رفع ممنوعیت کشت تابستانه و یا مجوز کشت معوض به کشاورزان شدند. به گزارش عصرجنوب، حدود ۲۰۰ تن از کشاورزان اهواز، حمیدیه، هویزه، ماهشهر، هندیجان، شادگان و شهرهایی که در حوزه رودخانه های کارون، کرخه، زهره و جراحی قرار دارند در

تجمعی مقابل استانداری خوزستان خواستار اختصاص سهمیه آب یا معوض کشت به کشاورزان شدند.

*به گزارش ایران خبر، روز سه شنبه ۱۹ خرداد، جمعی از کارگران شرکت راه ابریشم در یاسوج در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق و اخراج تعدادی از کارگران در برابر استانداری کهکلوپه و بویراحمد تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۱۹ خرداد تعدادی از کارگران مس سرچشمه در برخی از بخشهای این شرکت در اعتراض به دستمزدهای نابرابر و محقق نشدن وعده استخدام رسمی از سوی شرکت مس، دست از کار کشیده و در مقابل درب ورودی این مجتمع تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با وجود این که مدتهاست وعده استخدام نیروهای قراردادی از سوی مسئولان این شرکت به آنها داده شده، اما همچنان مساله عدم تبدیل وضعیت قراردادهای مهمترین معضل کارگران قراردادی مس است.

*روز چهارشنبه ۲۰ خرداد، کارگران پیمانی پتروشیمی ایلام در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات شان اعتصاب کردند. به گزارش ایلنا، این کارگران که به واسطه شرکت پیمانکاری «استیم» در بخش ماشین آلات این مجتمع صنعتی کار می کنند، چهار ماه است که حقوق دریافت نکرده اند.

*روز چهارشنبه ۲۰ خرداد، جمعی از مردم خلیل شهر در استان مازندران مقابل شهرداری این شهر تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند. تأمین آب شرب بخشی از مشکلات معترضان است. به گزارش بلاغ، روستای خلیل محله چند سالی است که تغییر هویت داده و تبدیل به شهر شده و امروز به خلیل شهر معروف است.

*روز شنبه ۲۳ خرداد، بیش از ۲ هزار تن از بازنشستگان صنعت فولاد از شرکت های فولاد مبارکه و ذوب آهن در اعتراض به عدم دریافت حقوق معوقه مقابل استانداری اصفهان تجمع کرده و در کف خیابان به حالت اعتراض نشستند.

به گزارش خبرآنلاین، یکی از بازنشستگان ذوب آهن که اعلام کرد که؛ تنها مطالبه ما دریافت حقوق عقب افتاده و مابه التفاوت سودی است که از محل برداشت حقوق بازنشستگی در زمان فعالیت ما در ذوب آهن به دست آمده است.

*روز شنبه ۲۳ خرداد، جمعی از طرفداران محیط زیست شاهرود در اعتراض به قطع بیش از هزار درخت در مرکز تحقیقات کشاورزی شاهرود تجمع کردند. به گزارش نسل شاهرود، در پی بقیه در صفحه ۲۰

*روز دوشنبه ۱۱ خرداد، جمعی از کارکنان شهرداری بروجرد به همراه خانواده های خود به دلیل برگزار نشدن جلسه علنی شورای شهر و پرداخت نشدن چهار ماه حقوق معوقه دو باره مقابل شورای اسلامی شهر تجمع کردند. به گزارش ایرنا، جلسه علنی روز دوشنبه شورای اسلامی شهر بروجرد که قرار بود در حمایت از حقوق کارگران شهرداری این شهر و رفع مشکلات مالی آنها برگزار شود به دلیل به حدنصاب نرسیدن اعضا برگزار نشد.

*تعدادی از جوانان و اهالی شهرستان عسقلویه، بخش چاه مبارک و شهرستان پارسین نسبت به عدم بکارگیری نیروهای بومی منطقه در شرکت های مستقر در پارس جنوبی، در روز دوشنبه ۱۱ خرداد، در مدیریت کار و خدمات اشتغال منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تجمع کردند. به گزارش پارس خلیج، این افراد با شکستن برخی از وسایل و سر دادن شعار باعث شدند که مدیریت کار و خدمات اشتغال منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس تعطیل شود و پس از آن نیروهای امنیتی تجمع کنندگان را متفرق کردند.

*تعدادی از کارگران شهرداری بروجرد برای سومین بار روز سه شنبه ۱۲ خرداد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، به همراه خانواده های خود دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند. به گزارش ایرنا، شهرداری به جای رفع مشکلات کارگران، حکم اخراج تعدادی از کارگران که از شورای اسلامی شهر بروجرد خواستار احقاق حق خود شدند را صادر کرد.

*روز سه شنبه ۱۲ خرداد، هنگامی که کارگران شرکت استیم (کارگران پیمانی پتروشیمی ایلام) به محل کار مراجعه کردند، با ابلاغ افزایش ساعت کاری مواجه شدند و در اعتراض به این موضوع دست از کار کشیدند. به گزارش ایلنا، کارگران در اعتراض به تصمیم پیمانکار که آنها را به اضافه کاری اجباری ملزم می کرد، دست از کار کشیدند. در پی این اعتصاب، پیمانکار با نمایندگان کارگران جلسه گذاشت. بر اساس توافقنامه ای که در این جلسه به امضای طرفین رسید، ساعت کاری به روال همیشگی برگردانده شد و مقرر شد دو ماه از سه ماه حقوق معوقه کارگران پرداخت شود.

*جمعی از کارگران شرکتی شهرداری کوهدهشت روز شنبه ۱۶ خرداد با حضور

برخی از حرکت‌های اعتراضی کارگران

بقیه از صفحه ۱۹

اقدام گروه‌های فعال محیط زیست، یکی از کارشناسان قوه قضائیه در مرکز تحقیقات کشاورزی شهروند حضور پیدا کرد و موضوع قطع درختان را تأیید کرد.

در پایان این تجمع بیانیه‌ای قرائت شد که در آن از حجتی وزیر جهاد کشاورزی خواسته شده هر چه سریعتر در رابطه با این موضوع پیگیری نمایند و اقدامات لازم در برخورد با افراد متخلف انجام پذیرد.

مرکز تحقیقات کشاورزی شهروند در جاده بسطام واقع شده و حدود ۴۶ سال پیش در زمینی به مساحت بیش از چهارصد هکتار هزاران اصله درخت کاج و چنار برای احداث ایستگاه تحقیقات باغبانی کاشته شد که حدود شش ماه قبل این درختان قطع شد.

*روز شنبه ۲۳ خرداد، در پی انتشار بوی نامطبوع از تصفیه خانه فاضلاب در منطقه باقرخان در بجنورد، ساکنان این محل تجمع کردند. به گزارش اطلاعات، اهالی این منطقه از چند سال پیش تاکنون از فعالیت تصفیه خانه فاضلاب در این منطقه ناراضی بوده و هنگام ساخت فاز دوم این تصفیه خانه نیز مخالفت خود را اعلام کردند. این درحالی است که در این سالها مهاجران زیادی از روستاهای اطراف در حریم نزدیک این تصفیه خانه اقدام به ساخت و ساز کرده که منجر به افزایش ۲ برابری تعداد خانوارهای این منطقه شده است.

*تعدادی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جهت اعتراض به بالاترین بودن طرح مسکن بلاعوض، در روز یکشنبه ۲۴ خرداد در مقابل شهرداری تجمع کردند.

طبق اخبار رسیده به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، حضور نیروهای امنیتی و لباس شخصی در مقابل این حرکت مسالمت آمیز چشمگیر بود. نیروهای امنیتی به کارگران هشدار می دادند که پراکنده شوند و تجمع کارگران آنها را غیر قانونی می خواندند.

*روز یکشنبه ۲۴ خرداد، جمعی از کارکنان موسسه مالی و اعتباری منحل شده میزان در اعتراض به بیکاری به دنبال انحلال این موسسه، در جریان سفر روحانی به خراسان شمالی در محل ورزشگاه تختی تجمع کردند. به گزارش اترک نیوز، موسسه مالی و اعتباری میزان خراسان که در دهه ۷۰ به سهام افزون بر سه هزار قاضی بازنشسته دادگستریهای خطه خراسان مجوز دریافت کرده بود از اوایل زمستان امسال برای پرداخت وجه سپرده گذاران خود با مشکل مواجه شد.

*روز یکشنبه ۲۴ خرداد، تعدادی از کارگران بازنشسته کارخانه پوشش مقابل اداره کل بیمه تأمین اجتماعی گلزار رشت تجمع کردند. به گزارش افق روشن، علت تجمع عدم معرفی به بانک جهت دریافت حقوق بازنشستگی است. عوامل اطلاعات سعی در پراکنده کردن کارگران می کردند، در حالیکه کارگران بر روی موکت نشسته و با نزدیک شدن مأموران با صلوات و ... آنها را وادار به عقب نشینی می کردند.

*صبح روز یکشنبه ۲۴ خرداد، جمعی از کارگران پیمانکاری معادن زغال سنگ البرز شرقی واقع در منطقه طرزه استان سمنان، در اعتراض به تعویق بیش از سه ماه حقوق در محوطه معدن مقابل درب ورودی تونل مادر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، در این واحد معدنی حدود ۶۰۰ کارگر به صورت رسمی و ۸۰۰ کارگر به صورت پیمانکاری اشتغال دارند. واحد معدنی طرزه شامل تونلهای یک و دو، تونل غربی، تونل مرکزی، تونل شرقی، تونل مادر، تونل برناکی، تونل کلاریز، تونل ۳۵، تونل ۱۵ و تونل ۴۲ می شود که در هر یک از آنها دو تا سه پیمانکار فعالیت دارند.

*روز یکشنبه ۲۴ خرداد، جمعی از مردم روستای «دب حردان» اهواز در اعتراض به وضعیت قطعی مکرر و نبود آب آشامیدنی در این روستا در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش تسنیم، لوله کنسی آب در این روستا انجام شده اما در این روستا ۲۰ روز از ۳۰ روز یک ماه بدون آب است این موضوع زندگی مردم را مختل کرده است.

*در پی قطعی چند روزه آب شرب روستای کفدهک شهرستان خرامه، عده ای از مردم این روستا در روز یکشنبه ۲۴ خرداد در حاشیه جاده خرامه به شیراز تجمع کردند. به گزارش صدای خرامه، مردم این روستا با مشکل قطعی آب دست و پنجه نرم می کنند، آب شرب روستا طی ده روز یک بار وصل شده و در حال حاضر ۴ روز است که مجدداً آب شرب قطع شده است.

*جمعی از متقاضیان مسکن مهر از پروژه ۳۰۰ واحدی هلال احمر گناباد روز یکشنبه ۲۴ خرداد در اعتراض به تحویل نشدن واحدهای خود در مقابل این پروژه تجمع کردند. به گزارش ایرنا، بر اساس قول اعضای هیات مدیره شرکت سپهر شرق، پیمانکار واحدهای مسکونی معروف به پروژه هلال احمر این واحد ها باید اوایل مرداد سال گذشته تحویل می شد ولی هنوز از تحویل آنها خبری نیست.

*صبح روز دوشنبه ۲۵ خرداد، جمعی از بازنشستگان صندوق فولاد در اعتراض به عدم پرداخت حقوق اردیبهشت و خرداد خود، برای دومین روز متوالی مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش ایمن، تجمع و اعتراض بازنشستگان به گونه ای بود که خیابان باغ گلدسته مسدود شده و تردد خودروها امکان پذیر نبود. نیروهای امنیتی و همچنین پلیس راهنمایی رانندگی برای مهار این حرکت اعتراضی در محل حاضر شدند.

*روز دوشنبه ۲۵ خرداد، کارگران شرکت صنایع فلزی کوشا واقع در جاده قزل حصار استان البرز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق از آغاز سال جاری، برای سومین روز متوالی دست به اعتصاب زدند. به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارفرما از روز شنبه ۲۳ خرداد جهت مقابله با اعتصاب کارگران سرویس ایام و ذهاب و ناهار کارگران را قطع نمود و کارگران را تهدید کرد که اگر از روز سه شنبه ۲۶ خرداد سر کار خود حاضر نشوند و اعتصاب را پایان ندهند همه کارگران را اخراج خواهد کرد.

*روز دوشنبه ۲۵ خرداد، کارگران معدن شماره ۴ سنگ آهن سیرجان در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق و حق بیمه در مقابل اداره کار تجمع کردند. به گزارش ایلنا، با گذشت حدود سه ماه از شروع سال جدید، این کارگران هنوز موفق به دریافت حقوق اسفند ۹۳ و فروردین و اردیبهشت ۹۴ نشده اند.

*صبح روز سه شنبه ۲۶ خرداد در جریان برگزاری تجمع اعتراضی کارگران اخراجی شرکت معدنی «معدنچو» در ابتدای جاده پابدانان، یکی از کارگران معترض در اثر تصادف با تریلر حامل بار کشته شد. به گزارش ایلنا، مأمورین به قصد متفرق کردن کارگران و باز شدن جاده برای عبور کامیونها از گاز اشک‌آور استفاده کردند. در همین هنگام محمدعلی میرزایی که از ناحیه چشم آسیب دیده بود و دید خوبی نداشت، ناگهان با تریلر حامل زغال که قصد عبور از بین تجمع کنندگان را داشت برخورد کرد و کشته شد.

*روز سه شنبه ۲۶ خرداد، تعداد زیادی از کارگران کارخانه چوکای تالش دست از کار کشیدند و داخل ساختمان و جلوی درب اصلی کارخانه تجمع نمودند و خواستار تعیین و تکلیف وضعیت حقوق و مطالبات خود شدند. به گزارش رضوان خبر، از جمله مطالبات این کارگران زحمتکش بازگشت مجدد اضافه کاری، راه اندازی مجدد کارخانه و تجدید قرارداد کاری با کارگران است.

*تعدادی از کارکنان اداره برق شهرستان رشت در اعتراض به اخراج از

کار و عدم پرداخت مطالبات در طول ۷ سال اخیر در روز سه شنبه ۲۶ خرداد در مقابل استانداری گیلان تجمع کردند. به گزارش فارس، شرکت پشتیبانی صنعت برق گیلان در ۶ کیلومتر جاده تهران سه راه سنگر واقع است و از سال ۸۶ بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی خصوصی شده است. این شرکت دارای ۵۰ کارگر است که نیمی از آنها در مقابل استانداری گیلان تجمع کرده و خواستار احقاق حق و رهایی از بالاترین شغلی شدند.

*حامیان محیط زیست و نمایندگان تشکلهای محیط زیستی کشور صبح روز سه شنبه ۲۶ خرداد، با تجمع مقابل وزارت نیرو، تقاطع نیایش و ولی عصر مقابل پارک ملت، نسبت به بی توجهی وزارت نیرو به منابع آب و ادامه سیاستهای گذشته سد سازی مورد اعتراض قرار دادند. به گزارش امروز و فردا، در این تجمع که بسیاری از نمایندگان تشکلهای محیط زیستی حضور داشتند مدیریت وزارت نیرو در امور آب مورد اعتراض قرار گرفت. تجمع کنندگان در پلاکاردهای خود این مدیریت را مدیریتی ناکارآمد دانسته و خواستار توقف سدسازی‌های متعدد در کشور شدند. تجمع کنندگان به ویژه خواهان توقف ساخت سد شقارود در گیلان بودند.

*کارگران کارخانه «فرنسازی ایندامین» در روز چهارشنبه ۲۷ خرداد برای سومین روز متوالی دست از کار کشیده و در محوطه کارخانه تجمع کردند. به گزارش ایلنا، مطالبات کارگران اعتصابی کارخانه فرنسازی ایندامین، پرداخت حقوق معوقه، افزایش مزد پایه، بازبینی طرح طبقه بندی مشاغل، افزایش پاداش تولید و تشکیل نهاد صنفی کارگری است.

*روز شنبه ۳۰ خرداد، کارگران کارخانه شیشه آبگینه قزوین در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ۲ سال عیدی و پاداش در مقابل استانداری تجمع کردند. به گزارش خبرآنلاین، نیروهای نظامی و انتظامی در اطراف تجمع کنندگان جمع شده و حراست استانداری از هرگونه عکس برداری و مصاحبه با کارگران معترض جلوگیری می کرد.

شرکت تولیدی و صنعتی آبگینه واقع در شهر قزوین با ۴۳ سال قدمت، تولید کننده انواع شیشه های جام، دو جداره، طلایی، سکویت و رفلکس است.

*کارکنان بیکار شده موسسه اعتباری میزان در ادامه اعتراضات خود، روز شنبه ۳۰ خرداد مقابل بانک مرکزی تجمع کردند. به گزارش ایسنا، با هماهنگیهای شکل گرفته از سوی بانک مرکزی با مراجع قانونی از جمله استانداری و اداره کل کار استان خراسان رضوی، شرایط کاری و حقوقی کارمندان میزان مشخص شد.

بقیه در صفحه ۲۱

منصور آروند، زندانی سیاسی گرد اعدام شد



منصور آروند، زندانی سیاسی گرد که مدتی پیش از زندان مهاباد به زندان میاندوآب منتقل شده بود، صبح روز یکشنبه ۲۴ خرداد در این زندان اعدام شد. به گزارش رادیو زمانه به نقل از کانون مدافعان حقوق بشر کردستان، منصور آروند در روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، از سوی مأموران وزارت اطلاعات از زندان مرکزی مهاباد به زندان میاندوآب منتقل شد. منصور آروند ۲۴ خرداد ۱۳۹۰ توسط مأموران امنیتی شهر مهاباد دستگیر و به بازداشتگاه اداره اطلاعات مهاباد منتقل شده بود. او سپس شهریور ۱۳۹۱ به اتهام محاربه با خدا و همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم از سوی شعبه یکم بیدادگاه انقلاب مهاباد به اعدام محکوم شد.

“بازگشت پرنده”

م. وحیدی (م. صبح)

باد آمده پیمان بر درختان و

برگهای زرد بی کسی

بر آب می ریزند

برگها

بر کتیبه اعتماد ریشه می کنند و

در تلافی نگاههای خاکستری

گم می شوند

من براه می افتم

با زمزمه ای

از حماسه در باد

کرانه ها

از من عبور می کنند و

من

در متن لحظه های فتح

برای پرنده صبحگاهی

دانه می پاشم

تکرار شگرد رو شده وزارت اطلاعات علیه ساکنان لیبرتی

لیلا جدیدی

رژیم جمهوری اسلامی در تلاشهای خود جهت حفظ قدرت هرگز از هیچ اقدامی، حتی اگر به وضوح احمقانه و ناشایسته هم باشد و نتایجی معکوس ببار بیاورد، کوتاهی نکرده. این بار وزارت منقور اطلاعات، چماق سرکوب مخالفان نظام، با اقدامی سازمان یافته عده ای را در ساختمانی در چند متری کمپ لیبرتی به عنوان "خانواده ساکنان لیبرتی" مستقر کرده و بدین صورت به معرکه گیری از پیش شناخته شده دیگری دست زده است.

سال گذشته در ۶ آذر ۱۳۹۳ (۲۷ نوامبر ۲۰۱۴)، دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران در اطلاعیه ای از تلاش وزارت اطلاعات رژیم و بازوی تروریستی قدس خبر داد که درصدد اعزام شماری از مأموران و مزدوران خود به عراق تحت نام "خانواده مجاهدین" و "دبیرهای خانوادگی" علیه مجاهدان لیبرتی است. طبق این طرح، عده ای به نام ساختگی "انجمن نجات" برای درخواست خود به وزارتخانه ها رجوع کرده و آنها هم به دفتر صلیب سرخ بین المللی در تهران رجوع می دهند تا این اسامی به عنوان خانواده ساکنان لیبرتی ثبت شود. این نفرت سپس برای اجرای این نمایش مضحک به عراق اعزام می گردند.

این طرح افشا شده اکنون به اجرا در آمده است. افراد اعزامی در ساختمانی به نام "بیت بغدادی" تحت حفاظت مأموران عراقی مستقر شده اند تا از یک سو ساکنان لیبرتی را مورد آزار روحی قرار دهند و از سوی دیگر در رسانه های "خودی" خبرسازی کرده و با استفاده از احساسات و عواطف خانواده های ایرانی آنها را به ضدیت با سازمان مجاهدین خلق برانگیزند و همچنین، مخاطبان خارجی شان را تحمیق کنند.

این حرکات حقیرانه را هر کس که مختصر شناختی از رژیم جمهوری اسلامی داشته باشد نه تنها باور نمی کند، بلکه بر ریش ملایان و میزان بی درایتی آنان پوزخند می زند. تنها کسانی از این نوع صحنه سازیها سریعا به خیال بهره برداری می افتند که دستی در جیب گشاد رژیم دارند و انتظار پاداش می کشند.

خانواده های ساکنان لیبرتی اگر امکان بیان خواسته های خود را داشتند، بی شک در زندانهای مخوف حکومت مستقر می شدند و نه در ساختمان مجاور لیبرتی. زیرا آنها خواستار بهبود وضعیت بستگان خود و پایان اقدامات جنایتکارانه رژیم و وابستگان عراقی اش علیه جان و سلامتی و حقوق آنها از طریق ارتباط با نهادهای بین المللی و حقوق بشری می شدند و نه اینکه دست در دست وزارت اطلاعات و دژخیمانی که فرزندان شان را فوج اعدام کرده و مورد بدترین آزارها قرار داده اند، بگذارند.

این یک ترفند شناخته شده است. در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ نیز افرادی تحت نام خانواده ساکنان در مکانهایی که سفارت و نیروهای عراقی در کنار قرارگاه اشرف آماده کرده بودند، مستقر شده و به شکنجه روانی ساکنان اشرف پرداخته بودند. اینگونه اقدامات مزورانه نتایج معکوس دارد و تنها نشاندهنده سنگینی تهدیدی است که رژیم حس می کند.

طبق تفاهم امضا شده بین سازمان ملل متحد و دولت عراق در دسامبر ۲۰۱۱ که به تایید آمریکا و اتحادیه اروپا نیز رسیده، مسوولیت حفاظت از ساکنان لیبرتی پذیرفته شده است. اکنون باید به سرعت بدان عمل شود. افشاری در باره این اقدام رذیلتانه از وظایف همه فعالان حقوق بشر است.

فراسوی خبر شنبه ۲۳ خرداد

برخی از حرکتهای اعتراضی کارگران

بقیه از صفحه ۲۰

*کارگران شرکت جهاد توسعه و خدمات زیربنایی ساخت فاز دوم کارخانه سیمان شهرکرد، روز یکشنبه ۳۱ خرداد، با تجمع در محوطه این کارخانه، خواهان رفع مشکلات خود شدند. به گزارش ایرنا، برخلاف پیگیری و نامه نگاریهای انجام شده با مسئولان استان، تاکنون اقدامی برای تسویه مطالبات کارگران انجام نشده است. مجتمع سیمان شهرکرد در ۳۵ کیلومتری مرکز چهارمحال و بختیاری قرار دارد. این مجتمع ۴۰۰ کارکن است.

*روز یکشنبه ۳۱ خرداد، کارگران ذوب آهن اردبیل در اعتراض به شرایط حقوقی خود و نگرفتن دستمزد بیش از ۱۶ ماه، در برابر استانداری اردبیل تجمع کردند و خیابان را بر روی خودروها بستند. به گزارش سبلانه، تجمع در خیابان و بستن راه بر خودروها، باعث ورود نیروی انتظامی شد. پلیس تجمع کنندگان را متفرق کرد و بر اثر درگیری ایجاد شده چند تن از کارگران زخمی شدند که به بیمارستان منتقل شدند.

*تعدادی از کارگران کارخانه فولاد بافت که روز یکشنبه ۳۱ خرداد اخراج شدند، در همین روز مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کرده خواستار رسیدگی به مشکلات شان شدند. به گزارش اقطاع، این کارگران اکثراً از جوانان هستند و برگ تسویه حساب به آنها داده شده است.

*روز یکشنبه ۳۱ خرداد، برای سومین روز پیاپی کارمندان موسسه میزان مقابل ساختمان بانک مرکزی واقع در خیابان میرداماد تهران تجمع کردند. به گزارش هشداد نیوز، بعد از این که کارمندان در حال بیکار شدن موسسه میزان برای داد خواهی دو روزی را جلو بانک مرکزی تجمع کردند و پاسخی نشنیدند، در گرمای طاقت فرسای بعد از ظهر تهران به سوی مجلس به راه افتادند. آنها بیش از ۱۵ سالی است در این موسسه مشغول به کارند.

*روز یکشنبه ۳۱ خرداد، کارگران کارخانه فارسیت دورود در تهران برای ششمین روز در مقابل وزارت کار به تحصن نشستند. این کارگران شهبای خواب به بهشت زهرا می روند. به گزارش روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک، این کارگران که سوابقی از ۱۴ تا ۲۰ سال دارند در پلاکاردی که به زنده های وزارت کار نصب کرده اند چنین نوشته اند: «ما کارگران فارسیت دورود لرستان با سوابق ۱۴ تا ۲۰ سال به علت سو مدیریت پس از گذشت ۴ سال همچنان در بالاترین بستر می بریم. ما همچنان ایستاده ایم».

*اعتصاب کارگران کاخانه ایران برک رشت، صبح روز یکشنبه ۳۱ خرداد وارد سی چهارمین روز متوالی شد. به گزارش ایلنا، اعتصاب کارگران از روز ۲۷ اردیبهشت سال جاری آغاز شد و طی این مدت کارگران اقدام به تجمعات گوناگون کردند. کارفرما در نخستین روز اعتصاب با شناسایی ۱۰ نفر از کارگران معترض قصد داشت با آنان به جرم ایجاد اغتشاش و رهبری معترضان، تسویه حساب کند اما با حمایت سایر کارگران این اتفاق نیفتاد. صبح روز چهارشنبه ۲۰ خرداد در بیست و سومین روز از آغاز اعتصاب، فرماندار شهرستان رشت به همراه مدیر این کارخانه در سالن اجتماعات این واحد تولیدی حاضر شدند و با وعده پرداخت دو ماه حقوق قصد متقاعد کردن کارگران معترض را برای ادامه تولید را داشتند که در نهایت این پیشنهاد با مخالفت کارگران روبرو شد. همچنین روز سه شنبه شب ۱۹ خرداد، عده ای ناشناس با آتش زدن درختان و ضایعات کارخانه، قصد وارد کردن اتهام خرابکاری به کارگران معترض و تخریب وجهه اعتباری کارگران را داشته اند. صبح روز پنجشنبه ۲۱ خرداد، مأموران پلیس امنیت به کارخانه رفتند و از خروج ۵ نماینده ای که قرار بود از جانب کارگران در شورای تامین حضور یابند جلوگیری کردند. در همین روز تمام پارچه نوشته هایی که از اولین روز اعتصاب بر سر در ورودی کارخانه نصب شده بود، به دستور دادگستری شهرستان رشت جمع آوری شد.

سرکوب، آزار، پرونده سازی، دستگیری، شکنجه و محاکمه فعالان کارگری در ایران را به شدت محکوم می کنیم.

رویدادهای هنری ماه لیلا جدیدی

سخن روز:

"آدم قوی کسی است که نه منتظر می ماند خوشبخت اش کند و نه اجازه می دهد بدبخت اش کند" (مارلون براندو (آوریل ۱۹۲۴ - ژوئیه ۲۰۰۴) بازیگر آمریکایی، برنده جایزه اسکار که در اعتراض به پایمالی حقوق سرخ پوستان، از دریافت آن خودداری کرد "سعی کردند ما را دفن کنند، غافل از اینکه ما پدر بودیم" (ارنستو رافائل گوارا دلاسرنا (ژوئن ۱۹۲۸ - ۹ اکتبر ۱۹۶۷) که بیشتر به نام "چه گوارا" یا "ال چه" شناخته می شود، پزشک، چریک، سیاستمدار و انقلابی مارکسیست)

ادبیات و انتشارات....

فروش نشریه داعش در آمازون (انتشارات ۲)

نسخه های کاغذی نشریه انگلیسی زبان "دابق"، که گروه موسوم به دولت اسلامی (داعش) منتشر می کند، در سایت "آمازون" به فروش می رسد. در سایت آمازون بریتانیا نسخه های کاغذی چهار شماره اول این نشریه تبلیغاتی به مبلغ ۶.۴۹ پوند به فروش می رسد. دنالود نسخه های دیجیتال این نشریه رایگان است. نشریه "دابق" به موضوعاتی از جمله الهیات اسلامی، رخدادهای روز و اخبار این گروه بنیادگرای اسلامی می پردازد. آمازون هنوز در این باره اظهار نظر نکرده است.

رمان "چگونه هر دو باشیم" برنده جایزه بیلز شد (انتشارات ۳)

رمان "هر دو بودن" نوشته "الی اسمیت"، برنده جایزه ادبی زنان "بیلز" شد. داوران، اثر این نویسنده اسکاتلندی را "لطیف، درخشان و سرشار از طنز" خوانده اند.

در میان نامزدهای این جایزه "ان تیلر"، نویسنده آمریکایی و همسر تقی مدرس، نویسنده فقید ایرانی، نیز برای کتاب "قرقره نخ آبی" نامزد شده بود.

رمان "چگونه هر دو باشیم" (How to be both) دو راوی دارد که یکی ماجرای یک دختر نوجوان سوگوار را در عصر حاضر و دیگری زندگی یک هنرمند دوره رنسانس را در قرن ۱۵ روایت می کنند. این کتاب به دو شکل دو بخشی با دو جلد متفاوت منتشر شده است و مهم نیست به چه شکل و کدام ترتیب خوانده شود. "چگونه هر دو باشیم" پیش از این برنده جایزه های "رمان کوستا" ۲۰۱۴ و "گلداسمیت" ۲۰۱۴ شده است.

رمانهایی از جمله "هتل دنیا" و "تصادفی" از دیگر آثار الی اسمیت است. رمان "تصادفی" برنده جایزه رمان "ویتبرد" شده است.

"شامی چاکراباتی"، رییس "شورای ملی برای آزادیهای مدنی" (لیبرتی)، ریاست هیات داوران این دوره را برعهده داشت و نویسندگانی چون "گریس دنت" و "هلن دانمور" او را همراهی کردند.

سینما

برنده نخل طلای کن

فیلم "دیبان" ساخته "ژاک اودیوار"، برنده نخل طلای شصت و هشتمین جشنواره فیلم کن شده است.

این فیلم درباره یکی از شورشیان عضو گروه "بیرهای تامیل" است که از جنگ داخلی در سریلانکا می گریزد و تلاش می کند در فرانسه زندگی تازه ای برای خود بسازد.

اودیوار که پیش از این فیلمهایش دو جایزه کم اهمیت تر جشنواره کن را برده بودند، هنگام دریافت این جایزه گفت: "بردن این جایزه واقعا برایم تکان دهنده بود. بردن جایزه ای که داورانش برادران "کوئن" باشند، خیلی استثنایی است."

برادران کوئن، جوئل و ایتان امسال رییس هیات داوران جشنواره کن بودند. فیلم "پسر روح" به کارگردانی "لازلو نمس" مجارستانی هم جایزه دوم این جشنواره را گرفت.

فیلم 'حق رای' جشنواره فیلم لندن را افتتاح خواهد کرد

فیلم "حق رای" (Suffragette) با بازی "کری مولیگان"، "هلنا بونام کارتر"، "آن ماری داف" و "مریل استریپ" جشنواره فیلم لندن را افتتاح خواهد کرد.

این فیلم که فیلمنامه اش را "ابی مورگان" (فیلمنامه نویس فیلمهای "شرم" و "بانوی آهنین" نوشته، به جنبش طرفداران حق رای زنان در بریتانیا در اوایل قرن بیستم می پردازد. این نخستین فیلمی است که اجازه پیدا کرده در پارلمان بریتانیا فیلمبرداری شود. در "حق رای" مریل استریپ نقش "امیلین پنکهرست"، فعال سیاسی حقوق زنان، را بازی می کند که در پارلمان بریتانیا سخنرانی مهم و تاثیرگذاری در زمینه



حق رای زنان ایراد کرد.

"فی وارد" و "الیسون اوئن"، تهیه کنندگان فیلم، گفته اند: "زنان این فیلم، زنان بریتانیایی اند، اهل لندن هستند، و به همین دلیل بجاست که در جشنواره فیلم لندن به نمایش در آید."

موسسه فیلم بریتانیا جشنواره فیلم لندن را از ۷ تا ۱۸ اکتبر امسال در این شهر برگزار می کند.

نمایش "یک مرد فرانسوی" با تهدید راستهای افراطی از سینماها حذف شد

نمایش فیلم انتقادی - اجتماعی "یک مرد فرانسوی" در باره نژاد پرستی که قرار بود از دوم ژوئن در ۵۰ سینمای فرانسه اکران شود، توسط سینماداران فرانسه حذف شد.



فیلم "یک مرد فرانسوی" نمونه فرانسوی فیلم "تاریخ مجهول آمریکا" به کارگردانی تونی کی است که در سال ۱۹۹۸ ساخته شد و به مسایلی چون نژادپرستی و نئونازیسم در آمریکا می پرداخت. فیلم "یک

۸ سال زندان برای تهیه کننده سابق

تلویزیون جمهوری اسلامی

مصطفی عزیزی، نویسنده و تهیه کننده صداوسیما جمهوری اسلامی، در دادگاهی به ریاست ابوالقاسم صلواتی به ۸ سال زندان محکوم شد. آرش عزیزی، فرزند وی، در فیس بوک خود نوشته که اتهام پدرش "اجتماع و تبانی علیه امنیت کشور، اقدام علیه امنیت ملی و توهین به بنیانگذار جمهوری اسلامی" بوده است. اتهامات وی بخاطر نوشته هایش در فیس بوک بوده است.

مصطفی عزیزی مقیم کانادا بود و یک ماه پس از بازگشت به ایران برای دیدار با خانواده اش در ۱۲ بهمن ماه سال گذشته بازداشت شد. وی تهیه کننده سابق تلویزیون جمهوری اسلامی، عضو آسپای بین المللی (انجمن بین المللی سازندگان و دوستداران فیلمهای انیمیشن) و به مدت چهار سال مدیر عامل آسپای ایران بوده است.



مصطفی عزیزی از سال ۱۳۶۵، نویسنده و سردبیر برنامه های علمی و آموزشی رادیو بود و در سال ۱۳۶۹ به تلویزیون رفت و مدیر واحد انیمیشن کامپیوتری شد. مدیریت گروه مهندسی نرم افزار صدا و سیما هم در آن زمان بر عهده او بود.

تیاتر....

اهدای جوایز تونی/ شصت و نهمین دوره

جوایز تونی در نیویورک برگزار شد.

این جایزه که "انجمن تیاتر آمریکا" آن را در سال ۱۹۴۷ در بزرگداشت "انتوانت پری"، بازیگر و صحنه گردان نامی تأسیس کرد، امسال "ماجرای مرموز سگی در شب" را به عنوان بهترین نمایش درام و "خانه مفرح" را بهترین موزیکال انتخاب کرد. این دو نمایش جایزه های بهترین کارگردانی را نیز به دست آوردند.

بقیه در صفحه ۲۳

برنامه هفتگی رادیو پیشگام گفتار هفتگی مهدی سامع بررسی و تحلیل مهمترین رویدادهای ۷ روز هفته

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی
خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی

هیات دبیران: منصور امان، لیلا جدیدی،

زینت میرهاشمی

هیات تحریریه: لیلا جدیدی، منصور

امان، زینت میرهاشمی، جعفر پویه،

مهدی سامع

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهای نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

فرانسه ۲۴ یورو

اروپا معادل ۳۵ یورو

آمریکا و کانادا ۴۰ یورو

استرالیا ۴۰ یورو

تک شماره ۱ یورو

اخبار و گزارشهای جنبش کارگران، مزدبگیران و کارکنان ایران، اخبار تحولات ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههای جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانید.

آدرس سازمان در شبکه جهانی

اینترنت

نشریه نبرد خلق، اخبار رویدادهای روز

ایران و جهان، تحلیل مسائل روز،

دیدگاهها

بخش شنیداری (رادیو پیشگام)

www.iran-nabard.com

www.jonge-khabar.com

www.radiopishgam.com

www.fadaian.org

به گزارش "ایسنا، پرواز همای همراه با گروه "مستان" مجموعه ای از نوازندگان سازهای ایرانی هستند و سبک تازه ای از موسیقی سنتی را ارایه می دهند. این گروه در خارج از ایران کنسرتهای متعددی اجرا کرده اند، اما اخیراً با بازگشت به ایران رهبر این گروه ابراز ندامت کرده بود. وی گفته بود: "اگر من در گذشته اشتباهی داشته ام، پذیرفته ام و آمده ام که جبران کنم. صبور باشید، امروز و آینده ام را ببینید و سپس تصمیم بگیرید. نمی دانم این همه اصرار برای تخریب من از کجا سرچشمه می گیرد؟ من پاسخ اعتماد نظام راه پاسخ محبت مردم را و پاسخ انتقاد اهالی موسیقی و منتقدان را فقط روی صحنه می توانم بدهم. چرا این فرصت را نداشته باشم؟ ناحق به من تهمت ضد انقلاب می زنید؟ من فرزند این انقلاب هستم و تا زنده ام وفادار به این سرزمین خواهم ماند."

اجرای دو سرود از جنبش فدایی با ارکستر

فیلامونیک پاریس

جمعه ۵ ژوئن ۲۰۱۵ برابر با ۱۵ خرداد ۱۳۹۴، مهرداد باران در یک کار خلاق با رهبری ارکستر فیلامونیک پاریس شرقی در یکی از مهمترین کلیساهای پاریس (کلیسای سنت استاج)، دو سرود به یادماندنی از جنبش فدایی "خون ارغوانها" و "رود" را با گروه کر بزرگ اجرا کرد. شعر این دو سرود از زنده یاد رفیق سعید سلطانپور است.



مهرداد باران در این باره نوشت: "دیشب برنامه بازم پر شور و باحال تر از جمعه شب بود و سالن پر از جمعیت. در آخر برنامه دوباره جمعیت یکصدا تقاضای خون ارغوانها را کردند و کر و ارکستر هم از خود بیخود شده بود و جمعیت هم آن را می خواند.

ناگفته نماند که هم رود و هم خون ارغوانها را بسیار گسترش دادم و چندین ملودی زیبا و گاه حماسی به آنها افزودم و بیش از ۴۰۰ ساعت وقت برای تکمیل آنها گذاشتم و آرزوی ۳۷ ساله بهتر اجرا کردن آنها را برآورده کردم. چه شهبه که در خواب و بیداری ملودی تکمیلی "وحی" می شد و خواب آلود آن را در تلفن دستی ضبط می کردم. ملودی در ذهن بسیار فرار است و اگر ثبت نشود، چند لحظه بعد به سرعت از یاد می رود. به هر حال هرچه دانش موسیقی و توان داشتم در این دو آهنگ با شعر رفیق به خون خفته، سعید سلطانپور جاویدان، گذاشتم و وجدانم راحت شد. واقعاً این دو شعر شاهکار است، مانیفست ۱۰۰ ساله آرزوهای به دست نیافته ملت ماست...

زده شعله در چمن در شب وطن خون ارغوانها
تو ای بانگ شور افکن تا سحر بزنی شعله تا کرانها
که در خون خستگان، دل شکستگان، آرمیده توفان
به آیندگان نگر، در زمان نگر، بردمیده توفان
قفس را بسوزان رها کن پرندگان را، بشارت دهندگان را
که لبخند آزادی، خوشه شادی با سحر بروید
سرود ستاره را موج چشمه با آهوان بگوید
ستاره ستیزد و شب گریزد و صبح روشن آید
زند بال و پر ز نو آن کبوتر و سوی میهن آید
گرفته تمام شب، شاخه ای به لب، سرخ و گرده افشان
پرد گرده گسترده، دانه پرورد، سر زند بهاران

رویدادهای هنری ماه

بقیه از صفحه ۲۲

موزیکال "یک آمریکایی در پاریس" که در ۱۲ بخش نامزد شده بود نیز چهار جایزه از جمله بهترین طراحی صحنه و بهترین طراحی رقص را به دست آورد.

"هلن میرن"، بازیگر بریتانیایی "شرفیابی" (The Audience)، جایزه بهترین بازیگر نقش اصلی زن را به دست آورد. این نمایش درباره جلسات هفتگی ملکه بریتانیا با نخست وزیر این کشور است.

نقاشی....

بازار میلیاردی تابلو سهراب سپهری



تابلویی از سهراب سپهری در حراج تهران رکورد زد و به قیمت ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان فروخته شد.

در این حراجی ۱۲۶ اثر ارایه شد که در جمع ۲۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان به فروش رسیدند.

تابلویی از کمال الملک هم به قیمت ۵۰۰ میلیون تومان به فروش رسید.

علاوه بر مجموعه داران آثار هنری و گالری داران، چهره هایی از جمله احمد مسجدجامعی، عضو شورای شهر تهران، علی مرادخانی، معاون هنری وزارت ارشاد، علی دایی، فوتبالیست، پری صابری، کارگردان تئاتر، بهرام رادان، بازیگر، و عبدالحسین مختاباد، آهنگساز و خواننده، هم در این حراج حضور داشتند.

موسیقی.....

جایزه "یوروویژن ۲۰۱۵" نصیب خواننده
سوئدی شد

شصتیم دوره مسابقه آواز "یوروویژن" به میزبانی اتریش در شهر وین به طور زنده برگزار شد و "منز زلمروو"، خواننده ۲۸ ساله سوئدی توانست جایزه نخست این مسابقه را به خانه ببرد. ترانه "قهرمانان" او ۲۶ شرکت کننده دیگر را پشت سر گذاشت و سوئد را برای ششمین مرتبه برنده یوروویژن ساخت.

روسیه، ایتالیا، بلژیک و استرالیا به ترتیب دوم تا پنجم شدند. اتریش از تحسین کارشناسان، بینندگان و صاحب نظران به ویژه به دلیل تکنیک مدرن و خیره کننده اجرا روی صحنه و میزبانی خوب برخوردار شد.

امسال مسابقات یوروویژن با شعار "پل بسازیم" (Building Bridges) اجرا شد. این شعار پس از برد "کونچیتا وورست"، خواننده تراجنسی اتریش، در سال گذشته، جهت تشویق مردم در سراسر جهان برای تساهل و تسامح در برابر اعتقادات و تمایلات متفاوت انتخاب شده بود.

لغو کنسرت خواننده بازگشته به ایران

کنسرت "پرواز همای" بنا به دستور مقام قضایی لغو شد. این درحالیست که برنامه مراحل قانونی و اخذ همه مجوزهای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دفتر موسیقی در تهران را طی کرده بود.

NABARD - E - KHALGH

No : 360 22 June 2015 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 / 91130 Ris orangis / FRANCE

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

همبستگی انترناسیونالیستی با مقاومت ایران

زینت میرهاشمی

خطر رشد بنیادگرایی از شکل داعش، طالبان و پدرخوانده آنها ولایت فقیه دانست. حضور گسترده نیروهای سیاسی - اجتماعی غیر ایرانی در این گردهمایی یک نقطه قوت آن و بود و همین پدیده به مذاق دلواپسان خوش نیامد. مقاومت ایران در برابر رژیم پایداری و مبارزه می کند که از سرمایه گذاری آشوبگرانه در هیچ نقطه ای از جهان در جهت رشد بنیادگرایی کوتاهی نمی کند.

بر اساس تحقیقی که وبسایت رادیو فردا در روز یکشنبه ۲۴ خرداد انتشار داده، ۱۵ گروه به نیابت از رژیم ایران در سوریه و عراق می جنگند. بر اساس مطلب فوق به قلم «بیباختیاری و بهنام قلی پور»، «مدافعان حرم اهل بیت» یا «مداحان حرم» به گروهی از اعضای سپاه، بسیج، نیروهای مذهبی حامی خامنه ای و برخی مراجع تقلید شیعه و ۱۵ گروه از شبه نظامیان گفته می شود که با عنوان «دفاع» از آرام گاههای امامان شیعه و نوادگان آنها در سوریه و عراق مشغول جنگ هستند.»

روز شنبه ۲۳ خرداد (۱۳ ژوئن)، حامیان جنبش آزادیخواهی مردم ایران از ۷۰ کشور جهان به پیام مقاومت ایران (متحد علیه بنیادگرایی اسلامی و تروریسم، تغییر رژیم توسط مردم و مقاومت ایران) پاسخ مثبت داده و با شرکت در یک گردهمایی با شکوه، عزم خود را برای سرنگونی دیکتاتوری ولایت فقیه نشان دادند. **میز انتشارات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در این گردهمایی پرشکوه انترناسیونالیستی مورد استقبال قرار گرفت.**

برگزاری پیروزمند این گردهمایی، علیرغم تبلیغات زهرآگین عوامل مستقیم و غیر مستقیم جمهوری اسلامی و دلواپسان تغییر و تحول به وسیله نیروهای انقلاب دمکراتیک مردم ایران، بر توانایی جنبشی تاکید می گذارد که به دیکتاتوری حاکم نه گفته و شجاعانه فریاد «سرنگون باد رژیم ولایت فقیه» سر می دهد.



رفیق فدایی نسترن آل آقا

شهادت فدایی در تیر ماه

رفقا: کاظم سلاخی - احمد خرم آبادی - محمد کاظم غبرایی - بهمن راست خدیو - محمدعلی خسروی اردبیلی - نسترن آل آقا - گلرخ شهرزاد مهدوی - نادعلی پورنغمه - حمیدرضا هزارخانی - مارتیک قازاریان - نزهت السادات روحی آهنگران - محمود عظیمی بلوریان - یدالله زارع کاریزی - اسماعیل نریمسیا - حبیب برادران خسروشاهی - محمد رضا (امیر) قصاب آزاد - محمد علی خسروی اردبیلی - مسعود فرزانه - علی رضا الماسی - حمید اشرف - یوسف قانع خشکه بیجاری - غلامرضا لایق مهربان - محمدرضا یثربی - فاطمه حسینی - محمدحسین حقنواز - طاهره خرم - عسگر حسینی ابرده - محمد مهدی فوقانی - غلامعلی خراط پور - علی اکبر وزیری - مهدی (بهزاد) مسیحا - حمید آرین - بهزاد امیری دوان - افسرالسادات حسینی - نادره احمد هاشمی - سیمین توکلی - علی خصوصی - علی اکبر حق بیان - عبدالله سعیدی بیدختی - حجت محسنی کبیر - حمید ژیان کرمانی - کامران رضوانی - غلامرضا جلالی - خسرو مانی (مائی) - توفیق قریشی - آسمر آذری یام - بهمن راست خدیو - شفیع رضوانی - نادر ایازی - کریم فتحی - غلام حسین خاکباز - عبدالحسین عنانی شیشوان - سیاوش حمیدی - علی حمیدی مدنی - طوبی مولودی - علی اکبر حیدریان - کمال محمدی - سینا کارگر - روح انگیز دهقانی - نوروز قاسمی - ناصر فضل الهی - حمید فضل الهی - حسین تنگستانی - علی رضا فارسینان - اسماعیل حسینی - فرشته گل عنبریان - هادی کاکاخانی - احمد باختری - ناصر ممی وند، طی سالهای ۴۹ تاکنون در مبارزه مسلحانه با مزدوران امپریالیسم و ارتجاع و یا در زندانهای دژخیمان ستمگر شاه و خمینی به شهادت رسیدند.



حضور سپاه قدس و نیروی بسیج و و انجام عملیاتی تروریستی برای ایجاد اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی با خلافت خامنه ای است. دفاع از حرم امامان تنها پوششی جهت دخالتهای ماجراجویانه و بازی با باورهای دینی مردم و فریب آنهاست فراسوی خبر سه شنبه ۲۶ خرداد

مریم رجوی در سخنرانی خود بر تلاش مقاومت ایران برای ایرانی دمکراتیک و غیر اتمی، نه به دخالت در عراق و سوریه و یمن و نه به استبداد و شکنجه و زنجیر تاکید کرد و راه حل مقابله با دخالتهای رژیم ولایت فقیه در عراق، سوریه، فلسطین، لبنان و یمن را عدم مداخلات با رژیم ایران اعلام کرد. او وحدت شرکت کنندگان بیشمار از کشورها و ملیتهای گوناگون با اندیشه های متفاوت را یک حرکت مبارزاتی در برابر